

و شما خواهید دید که گروه

خورشید

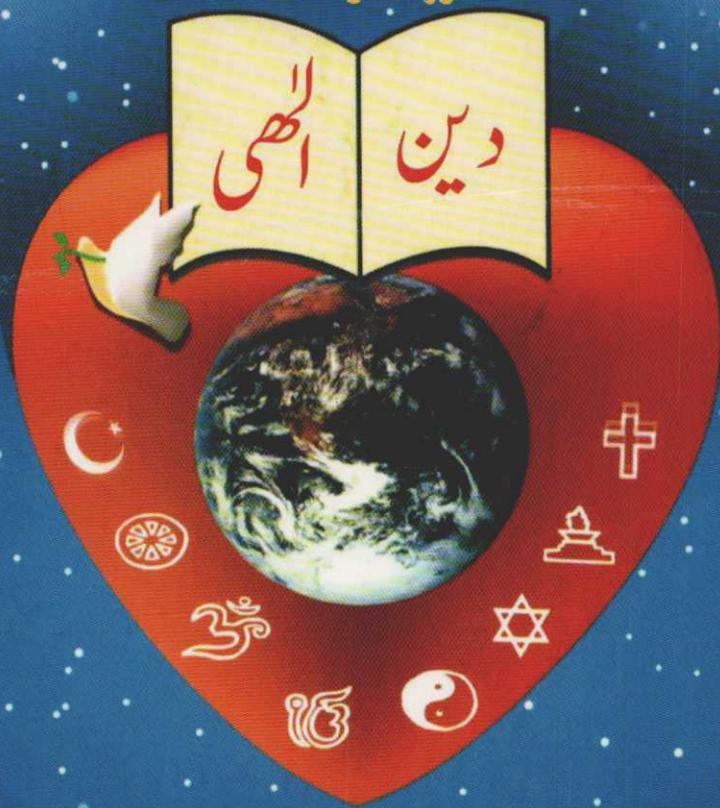
گروه مردم به دین خدا میپیوندند

ماه

(کتاب مقدس)

رازی که نهفته شده پشت تصویر هایی که در
خورشید و ماه دیده میشود در تصویر هایی
که بواسیله ناسا(NASA) و دیگر مؤسسات

معروف گرفته شده



دین الهی

این کتاب ارزش مطالعه و تحقیق را
برای همه ادیان دارد هچنین برای تمام
گروههای مردم، این کتاب مبارزه ای است
با آنهاست که روحانیت را رد می کنند

ناشر

حضرت ریاض احمد گوهر شاهی

حضرت ریاض احمد گوهر شاھد

(ناشر)

دین الٰہی

رموز نهفته خدا

حق نشر این کتاب مقدس محفوظ است

کتاب مقدس (دین الٰہی) هدیه ایست برای مرد می که عشق می ورزند و در
جستجوی خدا هستند.

تبصره برای ذاکرین (مریدان حضرت گوهر شاهی)

تقدیم کنید این کتاب مقدس را به اشخاص رو شنفکر در ستکار و آنها بی که در جستجوی خدا هستند
ریاکاران (از زمان قبل از وجود انسان) کوشش می کنند این کتاب را مردود اعلام کنند.

موافق شده توسط

امجد علی (امارات متحده)

یونس الگوهر (انگلستان)

حرکت مردمی بین المللی

Website: www.goharshahi.com

تماس بگیر یادبا

amjad_ali7@hotmail.com, younus38@hotmail.com, mehdi_foundation@yahoo.co...

مترجم: کاظم کاتبیه با همراهی زهره نعمت الٰہی (dubai, UAE)



حضرت والا ریاض احمد گوهر شاهی

حضرت والا گوهر شاهی که مدت ۳۰ سال رادر اعتکاف روحانی بسر برد در کوههای سند سہوان و لعل باع سند، پاکستان، بخاطر عشق آسمانی، حضرتش از دنیا و لذات آن دوری کرد تا به اتحاد با خدا دست یابد. سپس به روای عادی زندگی برگشت البته بدستور خداوند. ایشان با ذکر خدا قلوب هزاران نفر را روش ساخت و تعداد زیایی از افراد را به عشق آسمانی جذب کرد.

بیرون اذیان بسیاری از حضرتش دعوت بعمل آور دند تا در محل های معین برای آنها از روحانیت صحیت کند و اعم از مسجد، معبد و کلیسا تا به تعلیمات ذکر قلبی دست یابند بسیاری زنان و مردان از گناهان دست کشیدند و به خدا متوجه شدند حضرتش بسیاری از مردم را که دچار بیماریهای غیر قابل علاج بودند شفا داد از طریق شفای روحانی.

پس خداوند چهره مبارک ایشان را بر روی ماہ نقش فرمود. بعداً چهره نورانی حضرت شهان روی حجر الاسود منقوش گردید. اسم مبارک ایشان در چهار گوشه جهان طین انداز شد. ملاهایی که از مقامات روحی درونی محروم بودند و آنهایی که زهاد را قبول ندارند حضرت مبارکشان را مردود اعلام کردند. آنها کتابهای ایشان را رد کردند و خون ایشان را میاح اعلام کردند. آنها بمب بنزینی به خانه ایشان پرتاب کردند در منجستر و زمانی که در کنیزی پاکستان مشغول موعظه بودند بطرف ایشان نارنجک پرتاب کردند. برای سر مبارکشان مبالغی پول پیشنهاد شد. در پاکستان اعلام جرمی با پنج ماده بر علیه ایشان اقامه شد توسط اشخاصی که بی احساس هستند. توسط نواز شریف رئیس جمهور پاکستان و همچنین حاکم محلی سند در این موضوع در گیر شد. از این پنج تهمت دو تا تهمت قتل بود، یکی حمل سلاح غیر مجاز و دیگری اشغال زمین غیر قانونی حتی در آمریکا هم از ایشان شکایتی انجام شد. روزنامه "نگاران زرد" هیچ حریه ای نبود که بر علیه ایشان بکار ریندند. بالاخره پس از تجسس های بسیار داد گاه تمام اتهامات را رد کرد و بیگناهی ایشان را پذیرفت. به این ترتیب خدا ایشان و دوستانشان را از تمام بلاایا محفوظ نگهداشت همانطور که همیشه نگه می دارد.

گزارش اتهاماتی که بر علیه جناب ایشان اقامه شد توسط داد گاه موجود است

حضرت ایشان مدام در تله های فضولانه فرقه ای گرفتار می شوند.

ORDER SHEET
IN THE HIGH COURT OF SINDH HYDERABAD

Cr.B.A.No.159 of 1999.

APPEAL INT
22 JUNE
P.M. 11TH DECEMBER
APPLICANT

VERSUS

RESPONDENT
DEFENDANT
OPPONENT
JUDGEMENT DECISION

Serial
No.

Date

Order with signature of Judge

1. FOR ORDERS ON MA NO.238/99.(If granted).
2. FOR ORDERS ON MA NO.239/99.
3. FOR ORDERS ON MA NO.240/99.
4. FOR HEARING.

18.03.1999.

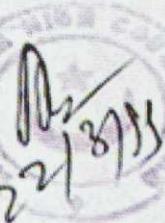
Mr.Qurban Ali Chochan Advocate for the applicant
Mr.Behsdur Ali Baloch A.A.G.

1. Granted.
2. Granted subject to all just exceptions.
3. Granted as the bail application No.88/99 has also been moved by the present applicant.
4. Learned counsel submits that the present bail application has been moved seeking bail before arrest of the applicant/accused with regard to his alleged involvement in crime No.18/99 for which an F.I.R. was lodged on 16.03.1999 by Police Station City at Hyderabad. It is alleged that the applicant on the day of incident viz. 19.03.1999 in the day

(3)

time produced a T.T. Pistol bearing No.3BP-13410 of 30 bore and licence bearing No.5105339 dated 08.02.1999 issued by District Magistrate Sanghar in the name of accused Mohammad Nadeem who has been nominated in crime No.10/99 pending with Police Station City Hyderabad. Thereafter upon verification by the police authorities it transpired that the said licence was a forged one and was not issued in the name of accused Mohammad Nadeem. The F.I.R. was accordingly registered against the applicant U/s.420, 468, 471 PPC read with Section 13-D Arms Ordinance.

Learned counsel submits that the lodging of the FIR is a further attempt by the political and religious foes of the applicant to have him implicated in xxx false and concocted case, as earlier attempts have failed and in two other cases the applicant was granted bail before arrest by this Court. Learned counsel submits that for all the offences above mentioned the maximum sentence is seven years along with fine and consequently do not come within the prohibitory clause of Section 497 Cr.P.C. The learned counsel vehemently argued that unless this bail application is granted and the applicant is given protection by this Court he would be immediately arrested by the police as he has been prevented from approaching the trial Court for seeking bail.



22/8/99

I have gone through the F.I.R. as well as the

memo of this application. In the first instance, it appears that nowhere in the FIR it is mentioned as to why the applicant/accused visited the Police Station City on 19.02.1999 along with the weapon in question and its licence. Secondly, no reasons have been given in the FIR as to why the same was lodged after almost one month of the day of incident. In the earlier bail application No.88/99 I have granted interim protective bail to the applicant on the basis that the FIR in the said case appeared to have been lodged due to enmity and jealousy between the applicant and religious sects as well as political parties. The lodging of the FIR in the present case also appears to have been motivated by the same factors.

In the circumstances, the applicant is granted pre-arrest bail in a sum of Rs.1,00,000/- in the form of security or cash and P.W. bond in the like amount to the satisfaction of Additional Registrar of this Court. Notice to A.A.G. for 24.03.1999.

5. Today I have received a pamphlet allegedly from [unclear] the applicant seeking justice from the Prime Minister of Pakistan regarding his persecution at the hands of various [unclear] religious sects and Ulemas. Although the pamphlet has not been signed by the applicant, copies have been forwarded to all High Courts of Pakistan as well as Supreme

(5)

Court of Pakistan and others. At the end of the pamphlet a threat has been extended to the Government that unless the applicant/accused's request is acceded to the Government will soon crumble by hidden spiritual forces. In my view if at all this pamphlet has been either issued by the applicant or his supporters and sent to this Court, it amounts to unlawful interference in the administration of justice and may be taken up as a contempt matter. In these circumstances, let a notice be issued to the applicant inviting his comments on the pamphlet, a copy whereof to be sent along with the notice.

S/No. HAMMAD J USMANI
JUDGE

CERTIFIED TO BE TRUE
SPECIAL CLERK

On Bail Application No. 159/1999.

No. 2009 Date 22/8/99

Copy forwarded to the Sessions Judge, Hyderabad for information and Compliance. He is informed that copy has been furnished on behalf of the above-named applicant before the Additional Registrar of this Court in the sum of Rs. 100,000/- Viz Bond No. 5823 and P.L.Bond No. 5824 dated - 22-3-1999.

COPY TO THE APPLICANT AND FRIENDS.

(OMAR MUSTAFA CHANNA)
DEPUTY REGISTRAR
HIGH COURT OF SIKKIM CIRCUIT COURT
SHRIMPUR

این شیاطین (ملاها) بس از شکست های قبليشان در ساختن برونده های دروغين دوباره برونده دروغينی ساختند (به شماره PPC-295) و اظهار کردند که ايشان ادعی پیغمبری نموده) و حضرت والا گوهر شاهی را به دادگاه کشاندند. ملاها نظر افراد والا مقام را به خود جلب کردند. حتی رفیق طرار سابق رئیس جمهور پاکستان تمایل کور کو انه ای به آنها پیدا کرد. در نتیجه، قاضی محکمہ ضد ترور تحت فشار قرار گرفت و رأی بر علیه حضرت والا گوهر شاهی صادر کرد. انشاء الله این رأی یا در محکمہ عالی و یا در محکمہ اعلا مردود و حکم برائت حضرت والا صادر خواهد شد.

مقدمه

بعد از ظهور سیمای مبارک حضرت گوهر شاهی، روی حجر الاسود در مکه، ماه، خورشید و معبد شیو و در مکانهای زیاد دیگر، بسیاری از مسلمانان و غیر مسلمانان باور کردند که ایشان همان مردی موعود میباشند یا کالکی او تار و یا مسیح‌ا. بسیاری از کتابهای مقدس آمدن اورا پیشگویی کرده‌اند.

ما از شما دعوت می‌کنیم تا خودتان قضاوت بفرمایید. برای مطالعه و جستجو با ماتماس بگیرید. شما میتوانید وجود و خصوصیات ایشان را از کتابهای ایشان دریافت کنید.

محمد یونس الگوهر

لندن، انگلستان

younus38@hotmail.com

ابتدا

ادیانی که بر اساس کتب آسمانی هستند معتبر ندたاز مانیکه تغییراتی در آنها داده نشده باشد.

ادیان، قایقهای و دانشمندان همانند ملا حانند. هر کدام عیبی داشته باشند، غیر ممکن است که بساحل بر سند؛ هر چند که، اولیاء میتوانند کشتی شکسته رانیز به ساحل برسانند(مردم را). دل شسکته هابه همین منظور دور آنها جمع می شوند.

بالاتراز دین، عشق به خدا است که عصاره ادیانند، در حالیکه نور خدا روشنگر راه می باشد.

سه بخش دانش ظاهریه می باشند و یک بخش باطنیه دیگر توسط خضر توسعه یافت(ویشنو مهاراج).

عشق به خداتنها راه نزدیکی به خدا می باشد. سگ بهتر از کسی است که قلبش خالی از عشق به خدا است، چون سگها به اربابشان عشق می ورزند، و طالب نزدیکی به صاحبشان هستند، در غیر این صورت سگ و انسانی که با آسمان ارتباط دارد قابل مقایسه نیستند.

اگر بخواهید بهشت و حور یانش را، خدارا زیاد عبادت کنید تابه بالاترین طبقه بهشت برسید.

در عین حال، اگر شما در جستجوی خدا هستید، شما روحانیت رانیز بیاموزید، تا اینکه وقتی در راه راست قرار دارید بتوانید رایحه خدار ابدست آورید.

حضرت ریاض احمد گوهر شاهی

انسان از ابتدات آنها

وقتی خدا خواست ارواح را بسازد، او گفت "باش" (گن) و بسیاری ارواح بوجود آمدند. در مقابل خداونزدیک او ارواح پیغمبران بودند. پشت سر او در دلیف دوم ارواح اولیاء بودند و در دلیف سوم ارواح مومنین و پشت سر آنها ارواح مردم عمومی بودند. بنابراین، ارواح زنان در جاییکه چشم آنها را نمی‌دید و پشت سر آنها ارواح حیوانات و بعد ارواح گیاهی و دیگر ارواح جمادات که قادر به حرکت نبودند درست راست خدا، ارواح فرشتگان بودند متعاقب آنها حوریان (بهشتی) آنها نمی‌توانستند چهره خدارا پیشند، چون فرشتگان در طرف راست خدا بودند، نمی‌توانستند چهره خدارا پیشند و پشت سر آنها ارواح مولکین بودند (موجودات شبیه فرشته). که بعد از بدین آمدند تا مرافق پیغمبران و اولیاء باشند. در طرف چپ خدا، روح‌جها بودند پشت سر آنها ارواح جهانی بودند و روح‌جها بدهد، که به شیطان بعد از آمدنش به کره خاکی کمک می‌کردند. ارواح چپ و راست، نمی‌توانستند تجلیات باری تعالی را پیشند (قبل از خلقت)

به این دلیل اجنه، فرشتگان وزنان می‌توانستند در طرفه با خدا صحبت کنند ولی نمی‌توانستند اورا پیشند.

یک توپ آتشین بود که خدا فرمان داد رسید و شود، پس قطعات آن در فضای خوش شد (تکمیل منظوه مشی را دادند)، ماه خورشید، ثوپیتر، زمین و ستاره‌ها بهم قطعات آن می‌باشند. و خورشید هم باقی مانده آن گوی آتشین می‌باشد. زمین چیزی نبود جز خاکستر. ارواح جمادی (ارواحی که تشكیل اتمهای سخت را می‌دهند) به پایین فرستاده شدند به زمین تا تشكیل سنجکار ابد ہند. پس، ارواح گیاهی به پایین فرستاده شدند تا تشكیل درخت جوانه‌هار اور سنجکار ابد ہند از آن بعد، حیوانات از ارواح حیوانی بوجود آمدند و در روی زمین درجیط خاکی.

خد از همه ارواح پرسید (در زمان قبل از خلقت)، "آیا من ارباب شما هستم؟" تمام ارواح قبول کردند و در جواب روبه زمین حرکت کردند. ارواح گیاهی و صحره‌ها هم روبه زمین کردند همانطور که در یک آیه از کتاب مقدس اشاره شده.

پس برای آزمون ارواح - خدا یک جهان خیالی به نمایش گذاشت به لذات آن، و پرسید چه کسانی به آن تمايل دارند (جهان) بروند و به آن برسند. تعداد زیادی از ارواح به طرف آن هجوم بروند و از چهره خدادوری گزیدند. برای آنها سر نوشت رفتن به جهنم رقم زده شد. پس خدا صورت بهشت را به ارواح نشان داد که از صورت اولی او لاتر بود محلی برای مطیعان و فداکاران، خیلی از ارواح بطرف آن روکردند برای آنها بهشت نوشته شد. بسیاری از ارواح نتوانستند تصمیمی اتخاذ کنند جای آنها بین خدا و شیطان تعیین شد. روح آنها بین این دو گرفتار شد در زندگی زمینی و سر نوشت آنها مربوط به کسانی شد که با آنها ارتباط برقرار کردن.

بسیاری از ارواح چهره خدارا گردند (قبل از خلقت) بدون توجه به بهشت یاد نیا. خدا آنها را دوست دارد و آنها عاشق هستند. پس از آمدن به دنیا آنها دنیای مادی را رها کرند و به جنگل پناه بروند. برای خدمت به ارواح و شادی آنها هیجده هزار نوع مختلف بوجود آمد. شش هزار در دریا، شش هزار بر روی زمین و شش هزار در هوا و فضای آسمانی. پس خدا هفت طبقه بهشت ساخت و هفت طبقه جهنم. هفت طبقه بهشت عبارتند از (خلد، دارالسلام، دارالقرار، عدن، الماء، نعیم و فردوس) هفت طبقه جهنم عبارتند از (سفر، سعیر، نظری، حلمه، بحیم، جهنم و هاویه).

تمام این اسمای سریانی هستند - (زبانی که خدا با آن به فرشته ها تکلم می کند) -

تمام ادیان اصولی دارند که خدا آنها را به جهنم می فرستد یا بهشت، هرچه او را راده کند. اگر خداروی را مستقیماً به جهنم بفرستد (قبل از خلقت) او شکایت خواهد کرد که او چه گناهی مرکب شده - خدا باید او می گوید که ترویت را از من گرداند و دنیا را برگزیدی - روح سپس خواهد گفت "این تنها یک قرار احتمانه بودن یک عمل" - سپس روح به دنیا فرستاده خواهد شد تا ثابت کند این بهانه را -

آدم که پچتین شنکر جی شناخته می شود، از خاک بهشت خلق شد، غیر از روح انسانی خصوصیات روانی دیگری نیز در آن قرار گرفت - وقتی بدن آدم ساخته می شد، شیطان از حادث به اتفاق انداخت - آب دهن برناول افتاد می کرب آب دهن وارد بدن شد - شیطان از اجنه می باشد و در ادبیات دیگر کشور ها گفته شده که هر کس بد نیامی آید یک روح جنی همراه او بد نیامی آید (شیطانی) بدن انسانی از خاک ساخته شد تا شاذ زده پدیده روانی را در خود جاده همراه با خناس و چهار پرنده روحانی نیز -

قسمتی از زندگانی چب آدم بیرون آمد که شبیه به یک زن بود - سپس یک روح در آن دمیده شد و تبدیل به "حوا" شد - بنابر این آدم از آسمان به سری لنگان نزول کرد و حوابه جده فرستاده شد - این پایه نژاد آسیالی است سپس ارواح دیگر به زمین فرستاده شدند - ادیان مشک کلاسیکی برای تربیت مردم قرار داده شده پچتین برای صعود و تعلیم ارواح طبق سرنوشت آنها در قبل از خلقت، بعضی دارای دین شدند و بعضی بدون دین -

اروایی که عاشق خدا بودند نیز به این دنیا آمدند - بعضی از آنها به خانه مسلمانان آمدند، بعضی در خانه هندو و بعضی در خانه سیک ها، مسیحیان یا یهودیان - آنها در صدد پیدا کردن خدا از طریق ادیان خود برآمدند - به این دلیل است که برگزیدگان هر دین به مقام زهد رسیدند - بعضی می گویند که زهد (گوشہ گیری) در اسلام نیست - این ادعای صحیح نیست - پیغمبر اسلام نیز به غار "هراء" میرفت - شیخ عبدالقادر گیلانی، خواجه معین الدین اجمیری، داتا علی بجویری، بری امام، بابا فرید، شهباز قلندر وغیره به مقام صعود روحانی رسیدند فقط بعد از زهد (تصوف) - تبلیغات دینی تو سلط آنها انجام می شد -

اصل انسان در جهان

وقتی که انسان وارد رحم می‌شود روح جمادی وارد می‌شود تا خون را قادر به جمع آوری کند. سپس جنین در رحم رشد می‌کند بدون روح گیا می‌شود. روح حیوانی بعد از چهار ماه وارد رحم می‌شود و جنین شروع به رشد می‌کند. آنها را به نام روح زمینی می‌نامند. پس از تولد، روح حیوانی همراه با خصوصیات روانی و دیگر وارد بدن می‌شود که ارواح آسمانی نامیده می‌شوند.

اگر بچه در رحم بیرون داشته باشد قبل از تولد، هیچ مراسم تدفین برایش انجام نمی‌شود مثل اینکه او یک انسان کامل نبوده. اما اگر چند لحظه پس از تولد بیرون داشته باشد، هیچ مراسم تدفین برایش لازم است. بجا آورود. روح انسانی همراه با روح فردی همراه با خصوصیات همراه باشد و نفختناف. اگر روح جمادی قوی باشد او ترجیح می‌دهد در کوه زندگی کند و اگر روح گیا می‌درازد قوی بوده باشد احساس قوی خواهد داشت نسبت به گلهای و گلیان و چنین رفتار حیوانی توسعه می‌یابد اگر روح حیوانی در کسی مسلط شود فرد شبیه به یک سگ می‌شود. اشخاصی که شخصیت فردی (خود) در آنها مسلط شود شرور می‌شوند و شیطان بروح آنها در دفاع از خود مسلط می‌شود آنها در وقت ورود به بدن شخص به مردم آسیب می‌رسانند آنها ارواح شیطانی می‌نامند.

بر طبق انجیل، مسح عادت داشت که ارواح شیطانی را از بدن آنها می‌کرد از این آنها بودند خارج کند. روح زمینی همراه با خصوصیات فردی بعد از مرگ در جهان می‌ماند در حالیکه روح انسانی یا به علیین بالا رفته یا به علیین نزول پیدایی کند. همان جاییکه ارواح شرور تا روز قیامت. بقیه خصوصیات روانی انسان در وجود او اگر تعالی یافته باشد به علیین می‌رود، در غیر اینصورت در قبر فاسد می‌شوند. بعدها خصوصیات فردی انسان نا خالص شد.

به گفتهء ”ولی بوله شاه“ خصوصیات فردی مارانا خالص ساخت، ما از ابتدان خالص نبودیم. کتابهای مقدس آشکار شدند پیغمبران و اولیا برای پاکی روح بشر آمدند انسان بعضی اوقات از جهنم می‌ترسید و بعضی اوقات با انگیزه بهشت به حرکت درمی‌آمد. با تجربه انواع مختلف تقدس، تکرات، عبادت، روزه مساعی انسان شروع به تحول و پیشرفت می‌کند فقط آنوقت است که او شایسته رفتن به بهشت می‌شود. بسیاری خود را پاک کرده‌اند با داشت اختصاصی و از آنچادر زمرة دوستان خدار آمدند.

وجود نفس (خود مرکزی یا مس)

این میکرب شیطانی است و جای آن در نقطه ناف می باشد - تمام پیغمبران و اولیا از زشتی او در جستجوی راهی بودند - خوراک افسری و بدبو بوده که در استخوانها یافت می شود پنهانین در ذغال و تاپاله - تمام ادیان احتمام را بعد از رابطه جنسی تجویز کرده اند بعلت بوی بعده از روزنه های پوست بیرون می زند - بعلاوه نوشیدنیها گوشت حیوانات با بویهای بد - استفاده از آنها برای انسان منوع شده تمام ارواح در پیشگاه خداحتی ارواح جمادی همه با هم آشنا شده و متحد شده در زمان قبل از خلقت - انسان خانه ساخت از صخره بواسطه داشتن روح جمادی از شاخ و برگ درختان سقف ساخت بمحاطه داشتن روح گیاهی - از سایه درختان استفاده کرد چون آن اکسیتون تمیز برایش می ساخت - ارواح حیوانات که در پشت دیگران قرار داشتند هم به جهان آمدند و حیوان شدند و برای استفاده انسان حلال شدند - پرندگان نیز بهمان ترتیب حلال شدند -

درست چب خدا، اجنده ارواح دوزخی بوجود آمدند، و پشت سر آنها ارواح شیطانی که بعد آن دشمن خدا شدند، ارواح حیوانی، گیاهی و جمادی که پشت سر ارواح شیطانی قرار داشتند با انسان به ضدیت برخاستند - ارواح جمادی این مجھث وقی به دنیا آمدند خاکستر و ذغال شدند - گازهای متضاد شده از آنها برای انسان مضر بود - گیاهان خاردار خطرناک و درختان انسانخواه از ارواح گیاهی این مجھث پدیدار شدند -

در رابطه با ارواح حیوانی این مجھث (در طرف چب خدا) حیوانات انسانخواه و حشی بوجود آمدند پرندگان مر بوط به این گروه که مضر برای انسان تشخیص داده شد حرام اعلام گردیدند - این دسته پرندگان بواسطه اینکه غذای خود را پنجه های خودی گیرند شناخته می شوند -

اروح سمت راست خدابد نیا آمدند بصورت نوکران مک یانامه بر برای انسان - خدا انسان را بالاترین موجودات قرار داد - اکنون انسان مختار است که با کوشش و سرنوشت خود این مقام را حفظ کند یا از دست بدهد -

روح در خواب از بدن خارج می شود بصورت انسان ظاهر می شود، و در اجتماع شیاطین وارد می شود - روح (خود) همراه خناس که شبیه یک فیل است و بین نفس و قلب می نشیند حرکت می کند - خناس همراه نفس به گراهی انسان می پردازد - بعلاوه چهار پرندگان رو جانی به چهار بخش رو جانی انسان می آویزند در بدن انسان و اورا گمراهی کنند - از این چهار پرندگان خرسک به قلب می آویزد و آنرا به هوسها متأمیل می کند - با تفکرات قلب خرسک مصفا شده و به آگاهی می رسد تا بین خوب و بد انتخاب کند و حلال و حرام را بنشاند - قلب در این حالت "قلب سلیم" نامیده می شود (قلب سالم) -

چسبیده بوجود رو جانی سیری که یک کلاع است خالق حرص است - مشابه با آن، همراه با غنی یک طاووس است که خالق حسد است و همراه با آنها کبوتریست که خالق خست می باشد طبیعت این پرندگان واردی کند حرص و حذر ابر و وجود رو جانی - تازما نیکه روشنایی رو جانی به آنها تابد همین چهار پرندگان که از بدن ابراهیم گرفته شد، خالص شد و به بدن از مرگ، پرندگان داخل بدن تزریک یافته پس از خروج از آن به خانه شان در درخت بر می گردند - بسیاری از مردم صدای شبیه به پرندگان از خود در می آورند پس از گذراندن چند روز در جنگل - این پرندگان با سیمیت به آنها مک کردن تا شفایاند -

نکته هم

روح شخصیت فردی (خود) در ارتباط با شیطان است. پنج موجود روحانی داخل سینه با احترام مرتبه پنج پیغمبر بزرگ می باشند.

موجود روحانی ایا (که در سر جادارد) در ارتباط با خدا است.

مشابه آن، رابطه بدن انسان با کامل مرشد میباشد (ارباب جهانی).

وقتی انسان در ارتباط خاص با وجود روحانی نباشد او خود را از ارتباط با بخشندگی و عظمت روحانی محترمانه جدا می کند.

وجود روحانی قلب

پیامبری و دانش به پیامبر "آدم" ہدیہ شد

QUEST گوشتی قلب "دل" بے اردو و "فواڈ" بے عربی نامیدہ میشود۔ وجود روحانی (عضو ظریف) ہمراہ دل ہمان "قلب" نامیدہ میشود۔ حضرت آدم پیغمبری و دانش را دریافت کرد۔ با یک رسم پیغمبری، تفاوتیست بین "دل" و "قلب" این جہان خاکی عالم ناسوت۔ بعلاوه، عالمہای دیگری وجود دارند مثل ملکوت (محل ملائکہ ہا)، عنکبوت، جبروت (علم آسمانی) لاہوت (علم طبیعت خدایی) وحدت (علم اتحاد) احادیث (علم وحدانیت خدا)۔

این عوالم قبل از انفجار کلولہ آتشین در عالم زمین ناسوت وجود داشتند و خصوصیات آن قبل ایمان شکل بود۔ ملائک ہمراہ با ارواح وجود آمدند اما۔ ملائک مقرب و موجودات روحانی لطائف (کہ در زمان تولد در درون او بوجود آمدند) قبل ارایں ایستگاہہا وجود داشتند۔ بعداً، بسیاری از سیارات در عالم خاکی وجود داشتند۔ ہم زمان، بعضی از این اشکال زندگی خاموش شدند و دیگران در انتظار (فنا خود) بودند۔ فرشته ہائی مقرب و موجودات روحانی "لطائف" (بدن انسان) هفت ہزار سال قبل از خلقت (کن) ارواح وجود داشتند۔ از موجودات روحانی خدا "قلب" را ایستگاہ عشق قرارداد۔ اور ابطی است کہ ارتباط بین خدا و بندہ را بقراری سازدا مشیل یک اپر اتو تلفن می ماند بین خدا و بندہ او دلیل (اثبات تظاهر) والہام بہ انسان از طریق آن انجام خواهد شد۔

عبدتی کہ تو سط موجودات روحانی انجام میشود بہ بالاترین عالم راہ پیدائی کند تا سریر خدایی از راہ آن عبوری کند۔ اما این وجود خودش بہ تہائی نبی تو انداز ملکوت بگذرد (علم ملائکہ ہا) جای آن در خلد (آسان پائین) میباشد۔

عبدت او در سط میماند و تسبیحش در میان اسکلتیش باقی می ماند (ضربان قلب)۔ سکنین بہشت بدون تکرات او (درجہان) پشمیان خواہند شد، زیرا خدا اگفت آیا سکنین بہشت فکری کنند کہ آنہا باز ہاد مساویند (کہ بے عالم بالاتر رسیدند بارفقار روحانی، چون آسمان هفت طبقہ دارو)۔ آنہایی کہ تکرات قلبی انجام میدہند از لذائذ آن در بہشت بھرہ مندی شوند (وقتی کہ قلب آنہا با اسم اللہ بہ طیش در می آید۔ ہمانطور کہ در دنیا ی تکمیلی انجام می داد) دنیا ی غیر روحانی با مرگ از بین می رود۔ آنہا یکہ قلب وجود ہائی روحیشان بے اندازہ کافی قوی نیست از نور خدا، در قبر از میان میر و ند و بتاہ میشوند۔ اما وجود ہائی مصطفی و وجود ہائی قوی روحانی بے علیمین می روند (مکانہای بالا) پس از روز جزا، و یک بدن جدید بہ آنہا دادہ خواہند شد و وجود ہائی مصفای روحانی ہمراہ باروح انسانی بے بدن وارد خواہند شد۔ مردمی کہ بے وجود روحانی خود تکررا آموختہ انداز خدارا میسر ایند در این دنیا ہمین نام در دنیا ی دیگر نیز زمزمه می کنند آنہا بے صعود ادامہ می دہند وقتی بہ آنجابر سند "پردہ قلبہا" (کہ بہ روشی نرسیدہ اند) در این دنیا ی تکمیلی، پردہ سیاہ بر قلبشان کشیدہ شدہ در جہانی کہ در پیش دارند، (چون آن جہان عمل بود) پس ہمانطور بدون حرکت باقی خواہند بود۔

هم مسیحیان و یهودیان، و هم هندوها به موجودات روحانی اعتقاد دارند. هندوها به آنها "شاکتیان" می‌گویند و مسلمین آنها را لطف مینامند. قلب دواشچ طرف چپ دل قرار دارد. این موجود رنگ زرد است. بر انگیختن آن چشم هارا بردگ زردمتایل می‌کند. آنها بی که دارو بای دیگری را تجویز می‌کنند مردم را به رنگ این لطف روحانی معالجه می‌کنند.

معمول امردم کلمات دشمن را (احساسات درونیشان را) بعنوان حقیقت می‌پذیرند. اگر دلها در حقیقت راست می‌گفتهند پس چرا همه اهل دل متوجه یکصد ایستند. قلب بسیاری از مردم خواب و بی احساس است. (قلب صنوبر) و یعنی فهم و درک صحیحی ندارد. این عدم فهم و اوراک بواسطه تسلط نفس و خناس (وسوسه گر) می‌باشد. یا بواسطه سادگی و تفہمی آنهاست.

واروکردن اعتماد به دل خواب (بی حس) احتمانه است. وقتی نام خدا دل را به تپش و امید اراده درک درست و غلط و فهم متعاقب آن می‌آید. در این حالت قلب سالم نامیده می‌شود (قلب سالم). و تعالیٰ تکرات قلب به سوی خدا تغییر جهت می‌دهد. در این صورت نامش قلب نیب است (قلب تائب). این قلب می‌تواند انسان را از شرارت بازدارد اما تضاد است صحیح را باعث نمی‌شود. وقتی تجلیات خدای شروع به پر کردن دل می‌شود به آن قلب شهیدی گویند.

یک رسم پیغمبری بیان می‌کند "رحم خدا به دلهای شکسته و قبرهای شکسته سر ازیری شود" (وقتی دل به این مرحله می‌رسد) انسان باید با آمادگی هر چند دل می‌گوید قبول کند بخاراط (تجلیات) نفس به نفس مطمئنه تبدیل می‌شود. در این موقع خدابه او نزد یک تراست از رگ گردان. خدا سپس می‌گوید. "من زبان او می‌شوم که با آن سخن می‌گوید من دست او می‌شوم وقتی می‌گیرد" .

روح انسانی

پیغمبری و داشتن به ابراهیم متعلق گرفت

وجود روحانی "روح" در طرف راست سینه قرار دارد. تکرات و اندیشه هاروح را بر می‌انگیزد، سپس تپش یا چون تپش دل مدام طرف راست را می‌لرزاند. سپس نام خدا "یا الله" همراهی می‌شود با این لرزش. به این ترتیب، دو موجود روحانی متکرداخ این و وجود خواهد داشت و این از تکرات قلبی نیز بالاتر است. رنگ روح قرمزا است، وقتی روح بیدار می‌شود بطرف عالم ارواح پروازی کند، جبروت، که جایگاه جریل است خشم و طغیان به آن آویزان می‌شود و در بزرگ او تاثیر می‌گذارد.

وجود روحانی سری (مخنی)

پیغمبری و داشتن آن به موئی داده شده

این موجود روحانی درست چپ مرکز سینه قرار دارد. آن هم تو سط تکرات درباره خدا "یا حی یا قیوم" بحرکت در خواهد آمد. رنگ آن سفید است. در حالت رویا تکرات عرفانی آن سفرمی کند تا "لا ہوت" "علم طبیعت آسمانی" . اکنون سه وجود روحانی در دل انسان در تکرداخ و آن از

نظر رتبه از دو تای دیگر بالاتر است.

وجود رو حانی خفی

پیغمبری و دلش آن به پیغمبر عیسیٰ مسیح اعطاشد

این در طرف راست مرکز سینه قرار دارد. آن هم نام خدا را بصورت "یا واحد" آموخته است با تلفظ. نقش سبز است. رسیدن به آن از راه وحدت میباشد (علم یگانگی). رتبه انسان مرتبًا افزوده میشود با تلفکر در چهار (طاائف)، مورد.

وجود رو حانی اخفي (مخفي)

پیغمبری و دلش آن به حضرت محمد ﷺ اعطای گردید

این موجود در مرکز سینه وجود دارد. تلفکر در باره نام خدا از راه "یا احد" به نقطه اون خود میرسد. نقش بفش است آن هم مربوط میشود به پرده وحدت که در پشت آن تاج و تخت خدایی قرار دارد.

دلش خاص در باره این پنج موجود رو حانی با کمال احترام به پنج پیغمبر بزرگ اعطای گردید. وصفی از هر کدام ازین پنج وجود رو حانی نصیب اولیا شد. به این ترتیب، به ده قسم تقسیم شدند. سپس، برگزیدگان نیز از سهیمه اولیا بهره گرفتند. دلش خاکی مربوط به قسمت فیزیکی بدن میشود (غیر رو حانی) کلمات ادا شده. عالم خاکی، نفس (خود) و برای مردم عادی میباشد. این دلش در کتاب مربوط به بدن که سی بخش دارد. پیغمبران دلش مربوط بدن را نیز از راه "وجی" (پیغام آورده شده توسط جبرئیل) می آموزند و "کتاب مقدس خاکی" نامیده میشود بسیاری از آیات قرآن بعد از نازل شدن مفسوخ گردیدند. زمان پیغمبر فقط آیاتی که مربوط به برگزیدگان بودند نازل شد و پیغمبر آنها را باز گو کرد. بعد تقویض این دلش از راه دنیوی ادامه پیدا کرد، از یک ولی به دیگری و اکنون در کتابهای باز گو میشود.

وجود رو حانی اتا (لطیفه اتا)

این موجود داخل سر میباشد و بی رنگ میباشد. تلفکرات بر اسم خدا "یا هو" راه رسیدن به آن است این موجود رو حانی وقت تقویت شود با خدا مقابل میشود چهره به چهره و قادر خواهد بود شخصاً بدون پرده با خدا صحبت کند. این ایستگاه "عشق" میباشد (دوستی عاطفی با خدا). بعلاوه آن، خدا به برگزیدگان خود موجودات رو حانی دیگر انیم مثل "طفل نوری" یا "جس توفیق الهی" موقعیت آن بالاترا فهم انسان میباشد. با موجود رو حانی اتا (لطیفه اتا) دیدن خدا در رؤیاست با وجود رو حانی "جس توفیق الهی" دیدن خدا از راه مراقبت میسر است (وجی موجود رو حانی خودش از بدن انسان خارج میشود به اصل الهی واصل میشود). آنها نیکه دارای موجود رو حانی طفل نوری میباشند خدارا در میباشد و قی در خود آکاهی قرار دارند.

آنها "نائب اللہ" نامیده مشوند (نواب خدا) در جهان - آنها میتوانند هر کسی را توسط عبادت بگیرند و در تقدس خودو یا اینکه بستایند هر کسی را با
نگاهشان در مقام محمود (محل عظمت و بزرگی) - لطف روحانی آنها بطرف مسلمین سرازیر است بطرف زندگان و مردگان بطور یکسان - همانطور
که دزد گزیده شد بعنوان قطب (ولی) بانگاهی از طرف شیخ عبد القادر گیلانی، یا ابو بکر حواری یا اینکه منگای دزد بعنوان پیر (مرشد) برگزیده
شد بانگاهی از طرف برگزیدگانی مثل او -

پنج پیغمبر بزرگ با کمال احترام داشتند موجودات روحانی (لائف) به آنها داده شد - (با همانگی با ظاهر قیافه آنها) همانطور که روحانیت به رشد
ادامه میدارد - با هر کدام از برگزیدگان شناور تفکر ایقان همراه شوید، شناور دلیف مرتضیان با پیغمبر قرار خواهد گرفت و کمال رویی قبل احترام - هر
کدام از موجودات روحانی که تجلی را در یافت کنند - زهدی که به آن موجود روحانی عطا شده مرتبط میشود با خط همان پیغمبر - پیش رفتند بسوی
عوالم هفتگانه و مراتب در هفت آسمان از طریق همین هفت وجود آسمانی میسر است -

وظیفه لائف (وجود ہای روحانی) در داخل بدن انسان

وجود انفی: انسان در رابطه با وجود روحانی انفی صحبت می کند، در غیر این صورت، انسان لال است با وجود داشتن زبان تفاوت انسان و
حیوان مربوط به همین وجود روحانی میباشد - در زمان تولد، اگر انفی به هر دلیلی وارد بدن انسان نشود پیغمبر محترم که وظیفه داشت (که شرط رابر
آورد) که اورا به صحبت در آورد همان کوشش روع بحرف زدن میکرد -

وجود سری (راز): انسان توسط وجود روحانی سری میپیند - اگر نتواند وارد بدن بشود، انسان از بد و تولد کر میباشد - پیغمبر محترم این وظیفه را
داشت که شرائط را انجام دهد کو شروع بدیدن میکرد -

وجود قلب: بدون این وجود روحانی انسان شبیه به یک حیوان میشود - نا آشنا و دور از خدا، زندگیش بی هدف و همراه با بدختی خواهد بود - بر
گرداندن این موجود به بدن انسان نیز وظیفه پیغمبر میباشد - مجزات پیغمبران یعنی چیزی که اولیا عطا شد بصورت کرامات به این دلیل ناپاکان و متجاذب
زین همه به خدار سیدند -

وقتی وجود روحانی محترم بر گردانده میشود از طریق ولی یا پیغمبر کر لال و کورش فای یا بد

وجود " اقا ": وقتی موجود روحانی نتواند وارد بدن شود انسان مجذون به حساب می آید حتی اگر تمام اعصاب و جوارح او عادی کار کنند -

وجود خفی: انسان بدون وجود خفی کراست حتی اگر کانال های گوش کاملا باز باشد - شرائط فیزیکی یعنی میتواند عملت کری باشد اما آن قبل
علاج است - اما اگر عملت داخلی باشد شفایی یابد مگر به کمک یک پیغمبر یا ولی -

وجود نفس (وجود شهوانی نفس - خود): راه انسان بطرف دنیا می یابد در رابطه با نفس و به خدا میرسد به کمک قلب -

کلمه اللہ

زبان سریانی که با آن در عالم ساوات صحبت می‌شود زبانی است که خدا افرشتہ هایا هم در آسما نهایا صحبت می‌کند. آدم صفوی اللہ در بهشت با این زبان صحبت می‌کرد، آدم و حوا به کره زمین نزول کردند. و در عربستان مسکن گزیدند. پچ ہائی آنها نیز با همان زبان صحبت می‌کردند بعلت اینکه پچ ہائی آنها در سرتاسر زمین پراگندہ شدند زبان آنها به زبانهای فارسی، عربی، لاتین و انگلیسی تغییر یافت. به این ترتیب خدا در هر زبانی نام یافت. چون آدم در عربستان زندگی می‌کرد بسیاری از کلمات سریانی به زبان عربی وارد شده. خدا با پیغمبران صحبت کرد، آدم بعنوان آدم صفوی عیسیٰ بعنوان عیسیٰ روح اللہ و محمد رسول اللہ این کلمات (غلب) در زبان سریانی در لوح محفوظ حک شده بود قبل از اینکه پیغمبران دنیا بیاورد. به این دلیل پیغمبر محمد ﷺ لفظ **کلمه اللہ** گفت من قبل از اینکه بدنیا بیاهم پیغمبر بودم.

بعضی فکری کنندگان می‌گویند که توسط مسلمانان داده شده، امام نظرور نیست

نام پدر حضرت محمد "عبد اللہ" بود که قبل از اسلام زندگی کرد. نام "اللہ" (کلمه) تمام ادیان قبل از اسلام نیز بوده. وقتی ارواح وجود آمدند او لین (کلمه) که ادا کردند "اللہ" بود. وقتی روح وارد بدن آدم شد او لین بار (کلمه) اللہ را ادا کردند. روح بعد از گفتن (کلمه) "اللہ" وارد بدن شد. بعضی از ادیان این را قبول دارند. و (کلمه) "اللہ" را تکرار می‌کنند، بعضی بخاطر سوء ظن و شک از آن امتناع می‌کنند.

هر نامی که به خدام ربوط می‌شود قبل احترام است

راهش را بسوی خداع عرض می‌کند. اما اثر (متعدد بودن) نام (خدا) آنها از هم سوار کرد. طبق ترتیب حروف و تلفظ آنها یک ترتیب شماره برای هر کدام از حروف وجود دارد. همچنین یک دانش آسمانی وجود دارد. ارزش شماره ای مربوط به همه خلقت می‌باشد. تصادفاً، ارزش شماره ای همانگی در داخل خود ندارند همچنانکه انسان نگران است. بسیاری بطرف ستاره شناسان و آشنايان به این علم می‌روند و قال بینی. واسطه بایی دارند بر اساس ستاره ها و آنها نامهای پچ ہائی خود را بر اساس آن انتخاب می‌کنند. یک ترتیب قرار گرفتن حروف عربی (مثالاً، ب، ج، د) (۱، ۲، ۳، ۴) به این شکل ارزش حروفی به آنها داده شد. همیشه بر اساس این حروف ابجد ہر ایک یک ارزش عددی دارد. اگر ہم مردم خدارا به یک نام می‌نامیدند آنها ہم روح اتحادی شدند با وجود تفاوت دینی آنها. سپس آنها هم مثل ناک صاحب و بابا فرید می‌کنند "تمام ارواح از نور خدا آفریده شده اند گرچه محیط و اجتماعات اشان جداست".

ملانکه بایی که در زمین و نظری دارند، همچنین زبان مردم دنیا را آموخته اند. برای پیروان ہر پیغمبر ہم است زمزمه کنند نیایش "کلمه" ای را که توسط رب به پیغمبرش داده شده در زمان خاص، برای تشخیص، سپاس و تذکر کیه جامعه اش. ورود ہر شخص به ہر دین منوط به عرضه "کلمه" میباشد ہما نطور ک قول و قرار در ازدواج و خطبہ آن یک نوع پیش شرط میباشد، ورود به بهشت نیز منوط به عرضه و بیان "کلمه" میباشد (در اسلام شہادتیں). اما در جهان غرب بسیاری از مسلمان مسیحیان از "کلمه" پیغمبر ایشان اطلاع ندارند یا حتی نام اصلی پیغمبر انشان را (در زبان اصلی پیغمبر اشان).

مردم در موقع بیان کلمه احتیاج به اعمال نیک دارند، و آنها یعنی کنی تو اند کلمه را بیان کنند به بہشت راه ندارند. آنها نیکه در قلبشان تائید کلمه ریشه گرفته بدون یقین اشاره ای به بہشت وارد میشوند. کتاب آسمانی در هر زبانی که بوده باشند. و اگر در زبان اصلی باشند، وسیله ای برای پیدا کردن خدای بیاشند. متون به بلوغ رسیده و ترجمه ها (مثل آردی که تغییر ماهیت داده برای معده مضر است) برای دین مضرند و گلهای یک دین و یک پیغمبر به حقایق بسیاری تقسیم شدهند.

برای اطمینان از شناخت راه راست، بہتر، از انوار ائمی راهنمایی بخویم.

روش ایجاد نور

در زمانهای قبل از تاریخ - ماش سنگها بهم ایجاد آتش میکرد - و ماش دو قطعه فلز نیز ایجاد جرقه می نماید - اکنون الکترسته از حرکت آب بوجودی آید - مشابه آن، از حرکت قلب در بدن ایجاد الکتریسته می شود و همین از حرکت خون در گهای انسان - تقریباً یک نصف (۱/۲) ولت برق در بدن وجود دارد، این بدن انسان را به حرکت سریع و ای دارد، همانطور که ضربان قلب در افراد پیر کندی شود، مقدار برق در بدن کم میشود و همین طور چاکی انسان کم میشود - اولاً باید ضربان قلب مناسب نگهداشته شود - بعضی با قص و دیگران باورزش و نرمش و بعضی باز مزممه نام اللہ اینکار را انجام می دهند.

وقتی ضربان قلب مناسب باشد، سعی کنید "اللہ اللہ" را هماهنگ کنید با یک ضرب قلبیان و "ھو" گفتن را با ضربه ای دیگر - بعضی اوقات دستان را روی قلبیان بگذارید و با احساس ضربان آن هماهنگ کنید با نام اللہ - گاه گاه هماهنگ کنید آنرا با ضربان (ریتم) قلب - و تصور کنید که خدا وارد قلبیان می شود - مزممه "اللہ ھو" بهتر و نافذ تر است - اگر کسی "ھو" را دکنید یا از مزممه "ھو" میترسد بهتر است بجای آن "اللہ اللہ" را هماهنگ کند با ضربان و نرمش - مزممه کند برای آنها نیکه در کلیسا دعای خوانند، تذکار و سرود باعث پاک ماندن هر چیزی شر میشود - کارهای ناختر مانه به اتمام نمی رسد و کارهای خوب به اتمام و اکمال میرسد

او لین روشن بوجود آوردن نور: اللہ را روی یک کاغذ با مرکب سیاه بنویسید و تکرار کنید هر اندازه میتوانید بصورت روزانه - یک روز کلمه اللہ در مقابل چشم شنا نقش می گیرد از روی کاغذ - سپس، سعی کنید جا بجا کنید کلمه اللہ از چشمتان به قلبیان تو سط تمکن -

روش دوم برای ایجاد نور: اللہ را روی یک لامپ صفوی ای بنویسید - وقتی بیدارید یا قبلاً از رفتان برخت خواب، تمکن پیدا کنید و سعی کنید که این نام را در چشمتان جذب کنید - وقتی ظاهر شد و یا بالای چشمتان به پرواز در آمد یعنی پس از چند روز سعی کنید آنرا تمکن به قلبیان وارد کنید -

روش سوم ایجاد نور: این روشن برای انسانی است که مرشد کامل دارند (رهبر جهانی) که رهبری می کند تو سط ارتباط و باستگی روحی خود - در گوشه انزوا بگیرد، تصور کنید آنگشت اشاره شما یک قلم است - با استفاده از آنگشت و با تمکن، سعی کنید کلمه اللہ را روی قلبیان بنویسید - رهبر جهانی خود را صد اکید تا او هم - در حالیکه آنگشت شما اگرفته کلمه اللہ را روی قلبیان حک کند - هر روز این کار را تمرين کنید، تا وقتی که ببینید کلمه اللہ روی قلبیان حک شده - در او لین و دو میان روشن خدا بر قلب نقش می بند و بهمیشه بخوبی دیده میشود وقتی با ضربان قلب هم آهنگ شد - کم شروع به درخشش می کند - همانطور معاون رهبر جهانی از این راه به نتیجه رسیده - بسیار خوب نوشته شده و از ابتداء روی قلب می درخشد -

بسیاری از پیغمبران و اولیا به این جهان می‌آیند. فقط برای آزمایش در جهنم ذکر (تفکر). اگر شما مناسب دیدید گاه تمرکز پیدا کنید و نام آنها را بزبان آورید. اگر ضربان قلب شما زیاد شد یا حال خوشی یا نفیه به این معنی است که سرنوشت شما (سم شما از رحمت و مغفرت) هر اه آن پیغمبر را ولی است. اور ابرای موقع تمرکزتان انتخاب کنید (حالت خلصه). زیرا هر ولی (مرد خدا) مربوط به یک پیغمبر می‌شود، حتی اگر آن پیغمبر در حال زندگی خاکی نباشد.

رحمت و مغفرت هر مومن با یکی از اولیا است. زندگی خاکی آن ولی یکی از پیش شرط‌هاست. گاهی یک انسان خیلی خوبخت رحمت روانی آسمانی را بواسطه یک ابر مرد جهانی خاص دریافت می‌کند (که در حال زندگی نباشد) اما این خیلی کم اتفاق فی افتاد اما زهادی که در این جهان خاکی در حال زندگی نیستند این رحمت جهانی میتوانند از داخل قبر خود به مردم اعطای کنند. این را رحمت رومی اویی می‌نامند دریافت کنندگان این چنین رحمات و کرامات اغلب در گیربینیش و رویایی خود می‌شوند، زیرا زهانی جهانی آنها که این معونت و مک را به ایشان می‌رسانند در ماوراء طبیعت می‌باشد و همانطور هم شیطان. به این ترتیب، شناخت این دو شکل هر اه با این رحمت روحانی، داش نیز هم است همانطور که یک ولی زنده (مراد) مناسب تر است. اگر رحمت روحانی باشد اما داش نیز نباشد، او مجذوب نامیده می‌شود (شخصی که در تکرات آسمانی فرو رفت) وقتی رحمات آسمانی باشد اما داش هم باشد او محجوب نامیده می‌شود (دوست داشته شده) تو سلط علم و داش خود محجوب هر اهیهای دنیوی را هر اه با رحمات روحانی ہدیه می‌کند. در حالیکه مجذوب در امور کم اهمیت مساعدت می‌نماید هر اه با فریادهای ناجبار غیر عادی و تنگیه مردم باعضا.

اگر کسی ظاهر شده اما بشما کمک نکرد پس حضرت گوهر شاهی را بیاز ماید

در یک دینی شرائط خاص وجود ندارد مگر وقتی که شخص سرنوشت بد ابدی داشته باشد. بسیاری از مردم (رحمت روحانی قلب) را از تکر و خلسه از ماه نیز دریافت می‌کنند. این روش: وقتی ماه تمام از مشرق سر میزند. هر اه با تمرکز به آن نگاه کنید وقتی چهره حضرت گوهر شاهی را روی آن دیدید گویید اللہ، اللہ، اللہ، سه دفعه و در این حال رحمت خدایی شامل حال شما خواهد شد. از آن بعد بدون یقین ترس و پنهان کاری عمل ذکر و تکر را انجام دهید همانطور که توضیح داده شد. اعتقاد پیدا کنید که (به این حقیقت) این چهره نقش شده در ماه با بسیاری از مردم بازبان خودشان با آنها صحبت کرده. شما هم میتوانید آزمایش کنید و با آن صحبت کنید.

درباره مراقبه

(تکرات متعالی یا سفر روح)

بعضی از مردم کوشش می‌کنند به مراقبه بدون بیدار کردن موجودات روحی (لطائف، هلتیاں) و بدون کسب قدرت روحی - آنها یا نمی‌توانند به حال خلصه و تفکر بر سند یا تحت تسلط حالات شیطانی قرار می‌گیرند - این نوع تکرات برای افراد بی‌نور رسیده می‌باشد که نفس‌شان را سرکوب کرده باشند و قلبشان تصفیه و پاک شده باشد - این نوع تکرات احتمانه و برای مردم عامی می‌باشد ہر نوع عبادت فیزیکی که انجام داده باشند (برای رسیدن به آن) - برای جمع آوری نیرو از موجودات روحانی بوسیله نور و پس سفر به یک مکان، همان است که بعنوان مراقبه شناخته می‌شود -

ولایت یک چهلم پیغمبری است

هر رؤیا، سفر روحانی، الهام یا ظهور پیغمبری هن انسان معتبر است و احتیاج به اثبات ندارد - فقط چهل درصد از رؤیاها سفرهای روحانی و الهامات اولیا صحیح هستند بقیه قبل اعتماد نمی‌شوند که برای اثبات احتیاج به داشت زمینی دارند -

بدون داشت شناخت خدا غیر ممکن است

پاییزترین نوع مراقبه پس از بیدار کردن موجود روحانی قلب شروع می‌شود، که بدون تکرات قلبی غیر ممکن است (تفکر هراه بالرزش ضربان قلب که هماهنگ با نام اللہ باشد) - آن احتیاج به یک ضربه دارد تا انسان را از حالت خلصه (تکرات) به حالت عادی برگرداند - استخاره (جستجوی الطاف الہی - نگاه به کتاب مقدس، یا قضاوت بوسیله قال) - چنین ارتباط به قلب دارد - دوره دوم مراقبه بوسیله روح است - این احتیاج به شش ضربه دارد تا محل اول برگردد - برگشت انسان از حالت خلصه به حال معمولی - موجود روحانی اتا و روح بخش سوم مراقبه را هم انجام میدارد روح هراه با موجود روحانی اتا به جبروت (جهان خواهش های آسمانی) سفری کند - همانطور که جریل ملک مغرب هراه حضرت محمد به جبروت صعود نمود - این چنین اشخاص حتی در قبر دفن شده اند و از آن آگاهی نداشته اند - این چنین سفر روحی اصحاب کهف را در برگرفت - و در غار بیش از سیصد سال بخواب رفتند - وقتی این حالت روحانی شیخ عبد القادر گیلانی را در برگرفت از جنگل - اهلی جنگل اور اقبه قبر کشانند چون فکر کرند که او مرده - اما حالت روحانی (خلصه) درست قبل از ورود به قبر پایان یافت (شیخ به حالت طبیعی برگشت) -

تشخیص الہام و حی از خدا

وقت انسان ارزش دریافت تجلیات را پیدا کرده و ان زمانیست که موجود رو حانی در سینه اش در خشان شده است و بیدار در ان موقع خدارو برو با او به سخن در خواهد آمد. در حالیکه خدا که قادر مطلق است در حال و هر شکل میتواند این کار را انجام دهد. اما اوروش خاصی قرار داده برای تشخیص خود تا بدین وسیله دوستانش را از وسوسه های شیطانی برخاند او آتنی به زبان سریانی در قلب جتوگر ظاهر میشود همراه با ترجمه آن به زبان خود جتوگر مشتاق متن مذبور سفید و در خشان است و چشم بطور ناخودآگاه بسته میشود. و متن را از درون درمی یابد. متن سپس وارد قلب میشود. و همیشه طور پیش میرود تا به وجود رو حانی سری برسد. در نتیجه پیشتر به درخشش درمی آید. سپس متن پیشتر رفت و به موجود سری انھی میرسد. و در آنجاباز هم در خشانتر میشود. و سپس بطرف زبان حرکت می کند و زبان خود به تکرار آن متن مینماید.

اگر این الہام از طرف شیطان باشد یک قلب مشعشع آن متن را پاک می کند و اگر متن قدر تمدن باشد. موجودات رو حانی سری و انھی هم را پاک می کند. بعد ا بواسطه ضعف موجودات رو حانی اگر متن به زبان پیاید زبان خود بخود از بیان آن جلوگیری می کند. این الہام برای برگزیدگان اولیا است، در حالیکه بخاطر اولیاء معمولی خدا پیغام را توسط فرشتگان یا ارواح دیگر میفرستد. وقتی که جریل همراهی کند آن متن مخصوص الہام شده را به آن وحی می گویند که آن فقط مخصوص پیغمبران است.

بہشت برای کیست

کسانیکه از ابتدا سرنوشتشان رفتن به جهنم است کوشش می کنند تا با اعمال نیک و عبادت، اما در آخرا نهار دود می شوند - (همانطور که شیطان رانده شد) بعلت اینکه خست، تکبر و حسد را به ارش برده اند -

یک رسم پیغمبری هاست، "کسیکه حتی ذره ای از بخل و خست، حسد و تکبر در وجود شان هست نمیتوانند به بہشت بروند" -

مردمی که سرنوشتشان رفتن بہشت است - حتی اگر عبادت نکنند مشخص هستند - آنها دارای قلبی نرم - مخلص و آزاد از حرص و حسد می باشند، آنها سخن هستند - اگر عبادت مشغول می شوند آنها مرتبه ای عالی در یافت می کنند - خدا زینه بایی برای آمرزش آنها فراهم می کند - و یگر این بین هستند و یک گزارش مداومی از کردار نیک و بد آنها شبت می شود -

برگزیدگان نیز هستند، اینها قبل از خلقت به خدا عشق می ورزیدند - آنها کاری به بہشت و جهنم ندارند، و همه چیز را بحاطر عشق به زمین میگذارند (عشق خالص به خدا) همراه با رحمت و ذکر و حرم خدا - آنها روح خود را به درخشش و امیدارند - وزیبایی دیدار خدارادر می یابند، بالاترین بہشت (فردوس) فقط مختص این ارواح میباشد -

یک حدیث پیغمبری برای آنها اظهار می کند، بعضی از افراد بدون پیچ حسابی به بہشت می روند
(وضع)

خداصورت رویایی جهان را به بعضی از ارواح نشان داد (در زمان قبل از خلقت) و آنها را برآمیخت تا در سرنوشت خود دنیوی باشند - آنها کوشش شجاعانه ای کردند تا ثروت زمین را صاحب شوند (پس از آمدن به زمین) آنها دزدی کردند، جیب بری کردند، رشوه گرفتند و به جنایات توجه کردند و حتی وحدانیت خداران پذیرفتهند -

بعضی ارواح بین آنها بودند که طرفداری کردند از دین و عبادت کردند تا به بہشت برسند - اما این کاربی نتیجه ماند (همانطور که وضع شیطان بود) چون بعضی متکبر بودند یا دارای دینی بودند که خدا آنرا دوست نداشت - در راه آنها مواعظی ایجاد شد -

ارواح دیگر که بہشت را انتخاب کردند (در زمان پیش از خلقت) اعمال روزمره خود را انجام میدادند، اما عبادت را ترجیح میدادند و نیکوکاری را آنها همچه جاذب نباید عبادت میدویدند حوریان آنها را میفریزند و کاخهای بہشت و موفق به گرفتن بہشت شدند - اما در این مبحث دیگرانی بودند که در عبادت تنبیلی کردند، زیرا سرنوشت آنها برای بہشت نوشتة شده بود - بعضی ها، آنها را امور تحسین قرار دادند اما هرگز آنها مرتبه پرهیز کاران را در بہشت نیافرند - در این باره خدا گفت "آیا آنها خیال می کنند که آنها را همراه پرهیز کاران قرار خواهیم داد" (همانطور که هفت سطح و طبقه در بہشت هست) -

هدایت مردم عادی تو سط پیغمبران انجام میشود، کتابهای مقدس، گروها، اولیا و سلیمانی آنها دین و اظهار عبودیت است. اولیا در تحت بیشتر کریمانه خدایی قرار می‌گیرند بدون کتاب بعارات دیگر نور آنها را بهتری می‌کنند این موضوع در کتاب مقدس بیان شده.

آنها یکه خدا انتخاب می‌کند آنها را با نور راهنمائی می‌کند

گفته می‌شود که "کلمه" اساس ورود به بهشت است این بدینها می‌ستند بلکه روحها هستند که به بهشت وارد می‌شوند "کلمه" رمز ورود به بهشت است. سپس روحها میتوانند اعقاد خود را ظاهر کنند، وقتی به عالم بینش می‌رسند. یامکن است پس از مرگ این کار را انجام دهند. همانطور که والدین و عمومی حضرت محمد عقیده خود را ظاهر کردند. سپس توبت برگزیده گان رسید. که اطهار کردو تا کید کرد "کلمه" را در عالم آسمانی قبل از آمدن به این دنیا.

پیغمبر ما بارها گفت که اقبل از آمدن به این دنیا پیغمبر بوده است. این گفتار روح بود (روح حضرت محمد ﷺ) بهارواح. وقتی به حضرت محمد بدن عطا شد پس از آمنش به این دنیا (توضیح این مطلب اینست که) فقط در صورتیکه ملتی باشد که باید رهبری شود رهبری پاپدیدی آیند وقتی پیغمبران می‌آیند که پیر وانی داشته باشند در غیر این صورت فایده چه خواهد بود.

سپس این چنین افراد (اولیا) به دین های مختلف فرستاده می‌شوند. بعضی بیکل بابا فرید و بعضی دیگر به قیافه گروناک. روحانی که خدارا پیدایی کنند به دینها نگاه نمی‌کنند بلکه به آنها نگاه می‌کنند که بسوی خدا پیش می‌روند و از آنها پیر وی می‌کنند غوث علی شاه (ولی) در کتاب "تذکره غوشیه" نوشته، که حتی کرامات روی را از اولیاء هند و دریافت کرده. روحانیون اسلام، ملاها نتوانند این موضوع را در ک کنند. به این دلیل غوث علی شاه را به مرگ محکوم کردند. آنها حکم کردن که اگر مسلمانی در منزش کتاب او را دردارد باید آنرا آتش بزند، اما، این کتاب باقی ماند و هنوز هم در هندو پاکستان وجود دارد و هنوز هم مورد علاقه مردم است.

بعضی از ملتها پیغمبر خود را قبول کرند و دیگران آنها را انزوازند. آنها یکه پیغمبران را راندند. با وجود این مطابق دینشان پیغمبرانی فرستاد. آنها به آن ملت روش نجات از گناه را آموخت، آنها کوشیدند تراه معتقدین خود را برگردانند بطرف خدا از طریق عبادت، مراسم و آداب و رسوم. آنها آموختند در سهایی صلح و عشق خدایی را. اگر آنها فرستاده نمی‌شدند پس امروز باشد هر دین تشنۀ خون دینها دیگر باشند. خضر (شنومه راج) که راز همه ادیان را می‌داند روح این چنین اشخاص را رهبری می‌کند.

تقوی برای کیست؟

علم الیقین: این چنین افراد دنیوی هستند، وزنگی خود را بر اساس شنیده هاستواری سازند. اعتماد آنها بر اساس علم است. ایمان خود را بر پایه آنچه از دیگران می‌شنوند بنامی کنند و احتمالاً به بیراهمی روند هر چه بدست می‌آورند بواسطه رنج و حمتشان است نه تقوی شاید از راه حلال بدست آورند یا حرام.

دہد

عین ایقین (چشم اطمینان): گرچه این افراد از این نامیده می‌شوند. هنوز هم دست از دنیا برخی دارند. اما تمکن زندگی‌شان و دل بسوی خدا متوجه است. آنها اغلب دیدگاه‌های آسمانی را می‌بینند. جایگاه آنها جایگاه نظر و بینش است. آنها از حلال زندگی می‌کنند و حرام آزارشان می‌خواهند.

حق ایقین (حقیقت اطمینان): جایگاه آنها رسیدن به حقیقت است. به عبارت دیگر خدا آنها را به مقامی منسوب کرده. آنها در حیطه رحمت و کرامت پروردگار قرار دارند. و در این جهان غم و گرفتاری ندارند. حتی در زندگی خاکی آنها از حلال هم دوری می‌گزینند. اگر بر وند و در یک جنگل بنشینند. خدا آنجلیز احتیاجات آنها را برآورده می‌کند. این جایگاه خداترسان است. حتی تازه کاران طریقت از خداتری حرف می‌زنند، اما آنها موفق نیستند.

تقدیر (سرنوشت)

دونوع تقدیر وجود دارد

۱- ازل (ابدی و آنچه باید اتفاق بیافتد) ۲- معلق (مشروط یا موقوف)

بعضی می‌گویند وقتی حوادث قبل از نوشته شده در تقدیر می‌باشد، پس چرا باید برای بدست آوردن این در و آن در بزیم؟
محمد و مسیح ایمان گفت که این در و آن در روز دن و کوشش برای بدست آوردن روزی هم در سرنوشت مانوشته شده.

برای مثال: گلدانی مال شماروی با مگندا شته شده (این ازل است). برای برداشتن گلدان باید شما از پله ها بالا رفته و به پشت با مرسید این شراث معلق است که به انتخاب شما بستگی دارد. بخاطر همین بخش شرطی است که در روز قیامت موآخذه می‌شوند نه بخاطر آنچه در اول نوشته شده. وقتی شما به پشت با مرتفع شما بدست می‌آورید آنچه در سرنوشت شما نگاشته شده. اگر شتابیل بودید و به پشت با مگندا رفید. شتاب آن نمی‌رسید یید. از طرف دیگر، اگر شخص دیگری، که در سرنوشت گلدان گل وجود نداشت به پشت با مرتفع بروید یا باز محبت مناسب باز هم به آن دسترسی پیدا نمی‌کرد.

سومین مبحث روح

سومین مبحث ارواح، آنها که نه دنیارا انتخاب کردنده بہشت را، تنها آنانند که به دیدار خدانا می‌شوند (در جهان قبل از خلقت). آنها همه چیز را بخاطر جستجوی خدارها کردنده وقتی که به این جهان آمدند بسیاری سلطنت خود را ها کردن و گرسنه و شنیده و جستجوی او در جنگل گذرانند. بسیاری سالم‌ها در رودخانه نشستند پس از موقیت آنها اولیا اللہ نامیده شدند (دستان خدا). آنها را به موقعیت و وظایف مختلف نامزد کرد و آنها شفا و وسیله امید برای آنانیکه سرنوشت‌شان رفتن به جهنم بود قرار گرفتند.

به انطور که اقبال شاعر پاکستانی در این شعر میسراید:

”که سرنوشت تغییر میسر میدهد با نظری از یک مرد خدا“

کاملاً لازم است که روحهای خاکی (که دوباره به بدن وارد شده‌اند) در هر زندگی فیزیکی یک رہنمای روحانی را ملاقات کنند (پیغمبر، مرشد، گرو) بعنوان رہنمای زندگی قلبی یا معلم یاری دهنده تاز و روود به بدنها دیگر خلاص شوند.

این همانند خلاصی از یک پیشگوئی پس از آمدن یک پیغمبر بزرگ است. برای مثال حضرت موسی (موسی کلیم اللہ) یک پیام آور بود و پیغمبرانی که پس از موسی آمدند دین آنها پس از آمدن عیسیٰ (عیسیٰ روح اللہ) باطل شدند.

بعد ادینهای پیغمبران مابین عیسیٰ و حضرت محمد نیز با آمدن او باطل گردیدند. با این وجود مدت زمان پا پر جایی سیستم دینی هر رسول (پیغمبران بزرگ) ادامه میبافت، و هنوز هم ادامه دارد. این حتی شامل آدم صفوی اللہ نیزمی شود. ابراہیم خلیل اللہ، موسی کلیم اللہ، عیسیٰ روح اللہ و محمد رسول اللہ هم - ہروی (مرشد محترم) در راه آنها قدم برگی دارند، زیر الطیفه (موجود روحانی) داخل بدن انسان در رابطه محترمانه با چرخ رسول (پیغمبران الوالعزم) میباشد و پیغمبری و برکات روحی آنها تاروز جزا پس این دلیل باقی خواهد ماند.

وقتی گفته می‌شود که شخص داخل بهشت نمیشود مگر وقتی که آن شخص ”کلمه“ را بزبان جاری سازد، یک پیغمبر. در نظر نیست بلکه مقصود اظهار قبولی و تبعیت از دین و ”کلمه“ (شهادت) آن رسول میباشد (پیغمبران بزرگ). با این دلیل است که حضرت محمد فرمودند، ”من نیامده ام تا پیغمبران، دینشان و کتابشان را برآنم از میباشد، بلکه برای انقلاب (رفورم) آمده ام زیرا کتاب آنها تغییر یافته.“

سلسله (زنگیر یا ارتباط روحانی) از آدم صفوی اللہ ادامه میباشد تا حال - آنها که فقط مشغول تفکرات قلبی میباشند، که خود را هماهنگ میکنند و سر فرو دمی آورند در نزد پروردگار بزرگ توبه میکنند و میکوشند از کارهای بد دوری کنند همه خود راوابسته به او لین دین میسازند، واولین نوع عبادت.

غوث (سلسله ارتباط مرکزی اولیا، مرشدان) در عالم انسانی در زمان با مبحث روحانی - ہروی با یک پیغمبر با دیگری در ارتباط است. که آن هم ارتباط روحانی دارد با آدم صفوی اللہ.

احیا کننده ”مجد والفق ثانی“ گفت که مبحث روحانی و خط ارتباطی او مختص به موسی میباشد. در حالیکه زنگیر قلندران (درویش‌ها) در ارتباط با عیسیٰ میباشد. شیخ عبدالقدار گیلانی در خط ارتباطی خود به حضرت محمدی رسید.

یک لحظه فکر کنید به کدام "آدم" تعلق دارد

در بعضی از کتب الهام شده تذکر داده شده که چهارده هزار "آدم" به این دنیا آمده‌اند. کسی دیگر گفته که آدم صفاتی الله چهارده بیان و آخرین آدم بوده. در حقیقت آدم‌ها بسیاری به این دنیا آمدند. وقتی صفاتی الله داشت از خاک آفریده می‌شد. فرشتگان به خدا گفتنداوهم باید به زمین بروند باعث اغتشاش و خلافکاری شود. آن به این معنی است که فرشتگان از وضعیت آدم‌ها قبلى خبرداشتند. در غیر این صورت چگونه آنها میتوانستند به فرمند که خدا چه می‌ساخت واو (آدم) در دنیا چه میکرد.

در "لوح محفوظ" زبانهای مختلفی بکار رفته است، کلمه‌های مختلفی، فریب‌های مختلفی، اسمای مختلف باری خدا، آیات مختلف و حتی مجازی شدن با از طریق ححری که تو سط و فرشته "هاروت و ماروت" به مردم آموزخته شد. هر دوی این فرشته‌ها در حالت سرپا می‌باشند و آنها یک چاه در شهر بامل در مصر.

هر آدمی یک زبان را می‌آموخت. از آن بعد، پیغمبر‌ها فرستاده شدند به جامعه خود برای راهنمایی مردم. بنابراین گفته شده است که یک صد و پیست و چهار هزار پیغمبر به جهان آمده‌اند. در حالیکه آدم صفاتی الله آخرین آنها بوده شش هزار سال پیش. اگر هر ساله یک پیغمبر فرستاده می‌شد پس فقط شش هزار پیغمبر می‌باشد.

چند وقت بعد، این ملتها از میان رفته بوسطه اطاعت نکردن، باستان شناسان شهرهای باستانی را همراه با زبانهای باستانی کشف کردند. زبانهای که همیچکس آنها را نمی‌فهمد. بعضی از ملتها در طوفان از میان رفته‌اند. و دیگران که در میان آنها پیروان نوح زنده ماندند.

دست آخر، صفاتی الله به عربستان فرستاده شد که از دیگران بهتر فقرار کرده بود. و بسیار فرستادگان را سخ از سلاله او پیدا شدند. بسیار زبان دیگر از پیروان آدم‌ها دیگر باقی ماند و میان ملعنهای باقی ماند. وقتی آخرین آدم آمد، وزبانش سریانی (سیریک) بود. وقتی پیروانش به سرزمینهای دیگر کوچ کردند. باملهای باستانی دیگر برخورد کردند. بعضی از مهاجرین سرزمین‌ها جدید را از میمهای پرحاصل آن پسندیدند و با این ترتیب با آنها زندگی کردند.

زبان سریانی در عربستان رواج داشت و سپس روابط با دیگر ملل آن به زبانهای عربی، فارسی، لاتین، سانسکریت و انگلیسی وارد شد. از اخلاق آدم‌ها مختلف در جزای مختلف زندگی کردند. از میان آنها، یک "آدم" بود که یک کولی بود. و اخلاق او زندگه ماند تا امروز و در نتیجه مل بسیاری کشف گردیدند.

مردم جزایر از یک دیگر اکاهی نداشتند، و سفر تو سط اسب یا قایق‌های کوچک امکان نداشت. کریستف کلمب کشتی بحر پیانی بکار برد و او این شخصی بود که به امر یکار سید او وقتی به آنجار سید مردمی با پوست سرخ در آنجا دید. ولی فکر میکرد به هند رسیده. آنها هندی یا سرخ پوستان مردم بومی آمریکا بودند و هنوز هم در داکوتای شمالی زندگی می‌کنند. من از یک رئیس سرخ پوستان پرسیدم که آیا "آدم" خودشان را می‌شناسد. او گفت که

”آدم“ اور آسیا بوده نام همسرش ”حوا“ بوده - طبق عقاید دینی خودشان او همچندین گفت که بر طبق گزارش‌های تاریخی آنها ”آدم“ آنها (از ملت بزرگ سیوس) از یک کوه در جنوب داکوتا (کوه‌های سیاه) پیدا شد - آن مکان تا حال علامت گذاری شده -

گفته می‌شود که اروپائیها و امریکا نیها پوست سفید دارند بعلت آب و هوای سرد - این درست نیست - از نژاد ”آدم“ تیره پوست هم نژادی هستند در آن مناطق اما آنها پوست روشن ندارند - بنابراین، دلیل آن همین است که رنگ، قیافه، خلق و خواسته‌دادات، زبان و روش صرف غذای مردم تقاضت می‌کند -

اختلاف آدم صفاتی الله فقط در خاورمیانه باقی ماندند به همین دلیل است که همه مردم خاورمیانه هم قیافه هستند - گفته شده که آدم صفاتی الله (شکری) در سری لنکارابود آمد - اواز آنجا بعربستان رفت و در آنجا ساسکن شد - و هنوز هم قبرش در آنجاست - پس چه کسی نژاد سری لنکارابود آورد - چه کسی نقش پایی اور اور آنجا کشف کرد؟ (هنوز هم در آنجا باقی مانده) این به این معنی است که مردمانی قبل اور آنجا زندگی میکرده‌اند -

پیغمبری و ولایت در ملتها یکی که از میان رفته و وجود داشت، باقی ماندگان (آن ملتها) بلند مرتبه ها آنها را از خود راندند، و مدتی بعد از راه پیغمبر ون رفتهند - همانطور که این سرزمینها بعد ”کشف شدند“ اولیا از آسیا به آنجا هارفتهند و دین والای خود را به آنها آموختند - امروزه دین های آسیا ای در همه سرزمینها پراکنده شده - عیسی از بیت المقدس بود - موئی از بیت المقدس (مقر ظهور پیغمبران دیگر) و حضرت محمد از مکه و نوح و ابراہیم هم از عربستان بودند -

بعضی نسل ها از شکنجه بین رفتهند، بعضی به خرس و میمون بدل شدند - بعضی هم روبه خدا کردند بدون ترس، اما بعضی گمراه شدند و خدارا ”القهر“ نامیدند - آنها خدار اطاعت نکردند و می‌گفتهند - چیزی بنام پروردگار وجود ندارد و انسان حشره ایست و بهشت و چشم زاییده خیال و تصورات است - در زمان موئی یک ملت تبدیل به بوزینه شدند و به طرف اروپا رفتهند - زنان حامله در زمان که تبدیل به بوزینه شدند ولی بچه انسان زاییدند - این ملت هنور پا بر جاست، آنها هنوز می‌گویند که از نسل میمون هستند -

یک ملت تبدیل به خرس شدند، بطرف جنگل های افریقا رفتهند - زنان باردار بچه انسان در شکم داشتند آنها ”مام“ می نامند - آنها دارای موهای بلند در سراسر بدن هستند - اکثر زنند، آنها آدم ربایی می‌کنند - دین نمی تواند در آنها اثر کند، آنها بدن خود را ببرگ می پوشانند بخاطر انسان بودن خود -

آدم دیگر بخاطر خطای خود هزار سال تنبیه شد، او به مارتبدیل شد - اختلاف آنها هنوز بشکل خاصی از مار موجود میباشدند - هزار سال بعد از تولد به شکل انسان در می آیند و بنام ”روحان“ نامیده می‌شود - این در سرگذشت اسکندر اعظم نوشته شده است، وقتی از جنگلی برای شکار میگذشت متوجه زن زیبایی شد که فریاد میکرد - وقتی از حال او پرسید - او گفت شاهزاده خانم چیزی میباشد وقتی با شوهرش به شکار میرفت یک شیر په او جمله و رمیشود و شوهرش را میخورد و بنای این او تنها مانده - اسکندر از اوقاضا میکند که با او برودتا اور ابچین برگرداند بنابراین اسکندر اور اهرم اور بدو با او ازدواج کرد -

چند ماه بعد، اسکندر در دل احساس کرد. هر دوایی را امتحان کردند ولی مرض شدت گرفت و پزشکان عاجز آمدند (که مرض را علاج کنند) یک نفر مارگیر نیز برای علاج، او آمده اسکندر را به چلوگرداند به او گفت، من میتوانم ترا معالجه کنم اما شرائطی دارم. اگر تا چند روز خوب نشدی می‌توانی مرد بقتل بر سانی. امشب یک بشقاب جوبات و برخچ با مقدار زیادی نمک تهیه کنید و با همسرت از آن زیاد بخورید. در اطاق راطوری پهند که هیچ کدام نتوانید خارج شوید. تو خودت را بخواب بزن طوری که همسرت کاملا خیال کند در خواب هستی، حتی قطره‌ای هم آب در اطاق نباشد. اسکندر همان کار را کرد در طول شب، همسرش تشنۀ شد و دید که هیچ آب در ظرف نیست. پس او کوشید که در را باز کند و دید که قتل است. بشو هر شنگاه کرد فکر کرد که کاملا در خواب است. پس به ماری تبدیل شد و از سوراخی خارج شد آب نوشید بهمان شکل ماربر گشت و بعد به شکل همان زن درآمد.

اسکندر همه را دید و لی به روی خود نیاود. صبح او همه چیز را به مارگیر گفت. مارگیر به او گفت همسرش یک مار ماده میباشد، که پس از هزار سال تغیر شکل داده و گفت که اسم او باعث در شکم اسکندر شده است. بعد از زمانی که نار در یاری برداشده و علامت آن محلی که اورا به دریا اند اختند هنوز باقی است. وزنده اسکندر را نمیده میشود. هنوز نژادشان در جهان هست، انواع معمولی مارگوش ندارند اما این چنین مارها گوش دارند. میدانیم که اجتماع کدام پیغمبر در کوچین محصور گشته اند و ذوالقرنین (شاه دوشاخ) دیواری ساخت. که آنها نتوانند به مملکتش وارد شوند. آنها گوشهای خلی بلندی دارند. آنها یکی راز خود پنهان می‌کنند و دیگری را روی خودی کشند به آنها یا جوج ما جوج میگویند. داش بسیاری از اقوام را مشخص کرد، اما هنوز هم اقوامی هستند که باستی کشف شوند.

در پشت کوههای همالیا "استانهای برفی" وجود دارند، بسیاری مردم هم در جنگلهای زندگی می‌کنند و هیچ کس بجز خودشان زبانشان را نمی‌داند. آنها اعتقادشان به آدم خودشان است. از سوم خود، آنها سیستم قبیله‌ای دارند. این قاره‌ها سیارات بزرگتری هم وجود دارند مثل ماه، خورشید، مرتخی زهره و غیره در آنجا هم آدم هایی وجود آمدند. قیامت آنها حادث شد وقتی که اکسیون آنها تمام شد، و با خرابی کامل کره شان.

هنوز هم زندگی انسانی روی مرتع وجود دارد و یک نوع زندگی آتشین روی خورشید

دروزیای مرتع مردمی از هر دین وجود دارند. داشمندان ما هنوز به مرتع نرسیده اند. در حالیکه اهالی مرتع بارها بزی می سفر کرده اند و مردمی از کره مارا برای آزمایش به مرتع برده اند و انش واختراعات آنها از مایشتر است. اگر داشمندان ما و ما هواره های ما به آنجا بروند از دست آنها خلاصی نخواهند یافت.

خدایک آدم را که به او داش بسیار داده شده بود برآنگیخت اولاد او به بیت المعمور رسیدند (کعبه) با داش بسیار. آنها می توانستند هر چه خدا به ملائک دستور میداد بشوند. یک روز ملائک شکایت کردند که این قوم در کارهای آنها دخالت می کنند و وقتی که فرشته های بزی می آمدند که وظیفه خود را انجام دهند آنها مراهم کار آنها می شدند.

خدابه جبراًیل دستور داد که برو و تحقیق کند. یک بچه دوازه ساله در حال چراندن گوسفندان بود و وقتیکه جبراًیل به او نزد یک شد از او پرسید آیا تو داشی داری؟

پسرک جواب داد "از من سوال کن". جبراًیل پرسید. آنکه جبراًیل کجاست؟ پسر چشم خود را بست و گفت. "جبراًیل در آسمان نیست".
جبراًیل بعد سوال کرد "پس کجا است؟" پسر چشم باز کرد و گفت، "من در چهارده عالم گشتم ولی او آنجا نبود. یا من جبراًیلم یا تو" سپس خدا دستور داد که این ملت بوسیله طوفان از بین برو آنها این را شنیدند و خانه هایی از شیشه و فلز ساختند بعد یک زمین لرزه خانه هایشان را خراب کرد.
در آن زمان آن منطقه کالده نامیده می شد. آن سر زمین اکنون در یونان است.

آن مردم با داش روحانی در آنموق داشمندان ما با داش علمی خود اکنون دارند در کار خدا دخالت می کنند. بخاره وارد کردن ترس در انسانها آنکه بختی کی را موجب شده و برای فنا کامل یک سنگ سرگردان آسمانی هم اکنون بطرف زمین فرستاده شده که احتمالاً پیست تاییست و پنج سال دیگر بزی می برخورد کند. وقتی آن بزی می برخورد کند چیزی از زمین باقی نخواهد ماند. قسمت کوچکی از آن به مشتری برخود کردد و دو سال پیش داشمندان ما از این حقیقت آگاهی دارند.

آنها میخواهند که به ما یا سیاره دیگری پناه ببرند قبل از اینکه زمین نابود شود. باین دلیل بسیاری تاکنون ثبت نام کرده اند تا به ما سفر کنند ولی می دانند که زندگی در ما امکان ندارد بخاره نبوده کیسو و آب و گیاهان. نتیجه این همه بیجان چیست؟ تا آنجا که تحقیقات اجازه میدهد، چنین نتیجه این انسان خواهد برد از سفر به ما یا مشتری؟ آیدارویی برای طولانی کردن عمر ساخته شده و یا شفایی برای مرگ پیدا شده. حتی اگر بوجود داش مرتع بر سیم، تفاوت محیط (اکسیژن) زندگی روی مرتع غیر ممکن بود. ثروت زیادی در این راه صرف می شود (برای این منظور) اگر امریکا و روسیه این ثروت را در راه فقر اصرف می کردن. پس همه از آن میتوانند بهره مند شوند. اختلاف بین دولتها باعث ساختن بمب اتم و دیگر سلاح های کشتار جمعی شد فقط برای از بین بردن یک دیگر، در حالیکه جهان بدون این سلاحها هم بپایان می رسد.

تعداد بسیاری ارواح در عالم سماوات خلق شدند

اروح پاک در دریف اول قرار داشتند (در زمان قبل از خلقت) ارواح معمولی در میان ملل "آدم" ها که از خاک سیاه ساخته شده بودند یا سفید، زرد یا قرمز - جبرا نیل هاروت و ماروت (فرشته ها) داشت را به آنها آموختند (وزہدرا) وقتی آدم هاروی زمین از خاک آفریده شدند - هبای داخلی وارد بدنهای آن آدم های میشدند در زمان آنها در زمان مناسب و سعی میکردند بر آنها تسلط پیدا کنند - سپس پیغمبران و اولیاء آن ملت و آموزش های آنها و سیمه ای میشد برای رستگاری آنها - آدم های بسیاری بصورت جفت آفریده شدند (هرراه با همسرانشان) و خلقت آغاز میشد - بعضی اوقات یک زن تهبا آفریده میشد (بدون یک آدم) و بوسیله امر "باش" (گن) دارای بچه میشد -

این ملل اکنون در جهان وجود دارند - فقط زنها رهبر قبیله هستند - چون آنها فقط از زن بوجود آمدند فکری کنند خدا زن است - و آنها اولاد فرشتگان هستند زیرا آدم بوجود آمد بدون وجود مرد (یا ازدواج) - این رسم هنوز هم بین آنها رواج دارد - زنهای این قابل از هر کسی ممکن است حامله شوند و بعد با هر شخص دیگری ازدواج می کنند و این کار را خجالت آور نمی دانند -

شغل بوسیله ارواح، سرنوشت (آخرین) و طبقه (در زمان قبل از خلقت) نوع آدم را برآنگشت (که برای آنها فرستاده میشد) - این چهین ارواح سپس فرود آمدند (پس از فرستاده شدن آدم) - به این دلیل است که هیچ دینی برای آنها در نظر گرفته نشده بود - حتی وقتی پیغمبران به میان آنها آمدند - تعداد کمی از آنها را پذیرفتند، و دیگران کارهای خلاف دستورات آنها انجام میدادند - بجای خدا آنها ماه، ستاره ها، خورشید، درختها - آتش می پرسیدند، حتی مارهارا -

بالاخره آدم صفات الله از گل بهشت آفریده شد بمظور اینکه از همه سر باشد (از آدم های قبلی) هم در تعالی و هم در تجلی و از ارواح دوزخی محافظت شد - چون آنها را هی بهست نداشند شیطان باداشش این را فهمید - او رهبر فرشتگانی شد که عبادت رامتن میکردند و از اجهنه بود - او بخاطر حسد به آدم تف انداخت بزاق و هن او، یک میکرب شیطانی به بدن آدم وارد شد - آن نفس نامیده میشود - (نفس شهواني) - نسل آدم آنرا به ارث برد - حضرت محمد گفت "وقتی انسانی آفریده میشود - یک جن فاسد نیز هر راه او آفریده میشود" -

تفاوتبین فرشتگان و ملاک مقرب - فرشتگان در مملکوت هستند - آنها هر راه ارواح خلق شدند -

موجودات روحانی که در عالم بالاتر قرار دارند (عالی خارج از دنیا ای اشکال) ملاک مقرب نامیده میشوند -

ملاک مقرب حتی قبل از حکم "کن" وجود داشتند - خدا بمالاک مقرب دستور داد که "آدم" را سجده کنند - قبل از او هیچ آدم در بهشت خلق نشده بود یا فرشته ای نیامده بود - از از میل شیطان سر باز زد - بنابراین او از بهشت، رانده شد و او دشمن اولاد آدم صفات الله شد - ملل تابع آدم های دیگر از شر دشمنی اورد امانند - چون ارواح داخلی شان به اندازه کافی آنها را گمراهمی کنند -

چون شیطان از همه اجنه دیگر تو اناتر بود، تو انست اولاد آدم راه چنین اغوا کند و جنایات را به آنها اموخت و باین ترتیب مل دیگر نیز شروع به کجر وی کردند همراه با این آسیانی ها - بحاطر علوم مقام این آدم خدابازی از تابعین او را اهتمامی کرد - آنها آنقدر خدایی و متعالی شدند که مل دیگر تعجب کردند - بزرگترین کتاب آسمانی توریت، انجیل، زبور داد و قرآن فقط برای آنها نازل شد - طبق آمودخته ها - متاتج روحانی و رحمت (این کتابها) ادیان آسیانی سرتاسر دنیا را فرا گرفت -

روح آدم هنوز در بخش قرار گرفته بود که فرشتگان فهمیدند او برای زندگی بر روی زمین آفریده می شود - زیرا کسی که از خاک افریده شده برای زندگی مناسب است - سپس بوسیله بازی نافرمانیها او بزمین فرستاده شد - گرچه اعمال ابدی همه بدست خدا انجام میکیرد اما انسان باید توان آنرا پس بدهد - اگر آدم بدون اتهام بزمین فرستاده شد بود - او به این دنیا که آمد بیچاری جذکایت نمی کرد - چرا آنقدر توبه و ا atanبه و سوگواری کرد -

۱) روحی که از ازل سرنوشتیش برای جهنم نوشته شده، در صورتیکه در خانه ای بدنیابیاید بدون دین او یک بی دین و دروغگو نامیده می شود - این افراد ضد خدا و دشمن پیغمبران و اولیاء می شوند - آنها مبتکر، دل سخت هستند و از آزار دیگران لذت می برند - دسته دیگر (از این گروه) آنها بی هستند که در صورت قرار گرفتن در یک دین باز هم از آن دوری نمی کنند - این چنین روحی، اگر در خانه یک متدين بدنیابیایند، بعنوان منافق شناخته می شوند -

۲) این افراد پیغمبران و اولیاء را نسزاده و اذیت می کنند و به آنها افترایی زنند - در میان ادیان خطایی کنند - اگر عبادت کنند نیز پذیرفته نخواهند بود مانند عبادت شیطان - دین آنها بطرف بهشت میسر داما سرنوشت شان آنها را بطرف جهنم میسر د - زیرا آنها را از کمک گرفتن از پیغمبران و اولیاء پرهیز دارند - آنها آماده پذیرش اغوای شیطان و نفس (در اعتقاد اشان) میباشد - آنها آنقدر داشتند و اقدارند و اقدار زده که میان آنها و پیغمبران تقاضی دیده نمی شود - و بدون توجه به حقایق ذاتشان آنها خود را مانند پیغمبران می بینند - و فکری کنند زهاد به آنها وابسته اند - آنها روحانیت و مجزه را قبول ندارند و فقط آراء و عقاید خودشان را قبول دارند - آنها حتی مجرمات پیغمبران را نیز قبول ندارند و میگویند که آنها سحر است - آنها به

قدرت شیطان عقیده دارند - اما همراهی با قدرت پیغمبران و اولیاء برایشان مشکل است -

۳) روح اگر سرنوشتیش رفتن به بهشت باشد - اگرحتی در خانه بدن دین یا ناپاک بدنیابیاند "ناتوان" نامیده می شوند - فرصت آمرزش و بخشیده شدن برای "ناتوان" وجود دارد - آنها از اولیاء (مرشدان، مرادان) یاری می جویند و از آن وضعیت ربانی می بانند -

۴) روح اگر سرنوشتیش رفتن به بهشت باشد اگر در خانه دین آسمانی یا در خانه ای که دیندار هستند به دنیابیاید، یک درستکار و مومن نامیده می شود - آنها قرب پروردگار را عبادت و پاکدا منی بدست می آورند و مدعا ارث بردن از او (خدا) هستند - فقر (فقر روحانی) افتخار ممن است و به آن افتخار می کنم (روش پیغمبرانه) -

در تصور موجود روحانی (لطیفه روحانی) قلب مهم است

بعضی جاه طلبان زمزمه می کنند (یک سرو دی بالکل مات مقدس از روی قلب)، دیگران به ورزش می پردازند. بعضی دیگر می رقصیدند، بعض دیگر دیوار می ساختند و خراب می کردند. بعض دیگر تمثیلات بدین انجام می دادند. همه سعی کردند که ضربان قلبشان بالا روردو پس همان‌ها نگ کردن ضربان قلبشان را با اللہ، اللہ هماهنگ می کردند و زیاد کردن برایشان آسانتر می شد. خرد خود اللہ به موجودات روحانی رسید (در داخل بدن). بعضی از آنها تقلید کردند بدون اینکه بعمق (این علم) فرموده باشند. چون طبیعتشان این در و آندر زدن بود باتم اللہ آشنا شوند. اینطور روح بناتی (در اشخاص) آشنا شده و با همانگی یا اللہ همراه با موسیقی قوی ترمیشید. موسیقی خواک روح بناتی است.

یک آزمایش در آمریکا بر روی گیاهان انجام شد و موسیقی برای گیاهان در حال رشد پخش کردند. همان گیاه در جای دیگر نیز در حال رشد بود. یک پخش همراه با موسیقی و پخش دیگر بدون موسیقی. گیاهانی که برایشان موسیقی پخش می شد خیلی بهتر رشد کردند از آنها می که برایشان موسیقی پخش نمی شد.

نفس روح خود (فرد) خیلی زیان آور است حتی پس از تصفیه شدن، آن مقلد و انموکنده است و موسیقی و ریتم را دارد. بعضی از مردم کوشیدند که نفس را با آواز و شعر خوانی در مقابل خدا نفس را جذب کنند. بعضی آواز خواند و همانگ کردن نام اللہ را با آهنگ گیتار. اگر چیز دیگری نبود اقلاغوششان به عادت خوییگرفت. من گیتار نوازی را دیدم که داستانی را برایم باز گوکرد. "در وقت استراحتم، من با خوشحالی گیتار مینوازم و همراه با آن اللہ را زمزمه می کنم". بعضی اوقات وقتی پیدار می شوم یک آهنگ اللہ را در درون خود می شوم یک آهنگ اللہ را در درون خود می شوم این چنین اشخاص به نتایج بهتری میرسند فقط با آواز نو اختن موسیقی اما آنها موقعیت زاهمانه ای را بدست نیاورند گرچه، آنها تمايلی دارند و اشتیاق و اگر آنها (ارتباط پیدا کنند) به یک رهبر جهانی، آنها حتما به درجه ای از روحانیت میرسند.

مسلمانان و صوفیان ادیان دیگر کوشیدند بطرق مختلف اسم خدا را در درون پیاپند. هر عمل، که انسان را به خدا جذب کند و عشق خدا (غیریزی) در آنهاز یاد کند عیوب ندارد.

گفتة پیغمبرانه "خدابه اعمال نگاه نمی کند بلکه به نیت کار توجه دارد"

مردمی که به تحریک می سین ها توجه دارند، این را قابل سرزنش و غلطی دانند، همانطور یکه آنها تغذیه می شوند و رضایت حاصل می کنند با پیروی از شریعت. اما آن افراد که می خواهند پیشرفت بیشتری کنند از تبعیت از شریعت تاریخیت را بخواهند، و یا کسانی که از شریعت پیروی نمی کنند. چرا این چنین افراد از گرفتن یک جایگزین طفره رفتند.

عشق‌الهی - اتحاد‌الهی

تمام ادیان در این جهان از طریق پیغمبران گسترش یافته‌ند، در حالیکه قبل از آن (خدا) عشق بود. عاشق و معشوق، ارواح که نزدیکی قرار داشتند، عالی رتبه‌ها عشق (در زمان قبل از خلقت) در عشق خالص خدایی غرقه بودند و در دین خدایی و دین روبه آسمانی - پس از آمدن جهان همه چیز را در جستجوی خدار بر زمین گذاشتند.

(این دلش) به برگزیدگان داده شده، که اکنون از راه روحانیت به مردم عادی هم رسیده
در یک رسم پیغمبرانه، کلی از هر اهلان پیغمبر گفت، من دونوع دلش از پیغمبر دریافت داشتم
من کلی را برای شبابازگویی کنم ولی اگر دو می را بازگو شما رامی کشید.

وقتی "ولی شاه شمس"، کتاب خشک را از چاه پر از آب برگرفت مولا نارومی از او پرسید، "این چیست؟"
شاه شمس جواب داد "این آن علم است که تو نمی دانی" ،

وقتی موسی از خدا پرسید، "آیا علم دیگری نیز هست؟" خدا جواب داد، "بر و طرف خضر" (شخصی بود عارف که از رمز غیب آگاهی داشت)
نمایز ہر عابد "راه راست را بمانشان ده راه آن کسانیکه رحمت و برکات خود را به آنها عطا کرده ای" -
اقبال شاعر میگوید "دانشمندان بیچاره از این چه میدانند؟"

از قبل از خلقت ارواح بلند مرتبه که خدا آنها را دوست میدارد و آنها هم خدار را دوست دارند. خدار استایش می کردند وقتی به جهان آمدند. برای
مثال عیسیٰ در گهواره گفت، "من یک پیغمبرم، جریل قبل اطاف خداوندی را به مریم عطا کرده بود (قبل از تولد عیسیٰ) فرعون قبل اطلاع
حاصل کرده بود که موسیٰ فرزند پسر از یک قبیله خاص سبب نابودی او خواهد شد و خیلی مورد توجه خدا قرار خواهد گرفت. حضرت محمد نیز گفت، "من حتی
قبل از بد نیا آمدن پیغمبر بودم" .

تعداد زیادی روح‌های خدایی ابدی و عاشق خدار ابدان و ادیان مختلف حاضرند

در آخر زمان

خدا یک "روح خاص" را بز می‌میغیرستد، که آنها را جمع می‌کند تا دنبال ارواح (عاشق) بگردند و به آنها یادآوری کنند که "یکباره خدا عشق ورزیدید"، خواه در بدن دین داران باشند یا بین آنها نداند ای او رامی آزمایند و دوراً جمع می‌شوند.

او به این ارواح یک "اسم" خاص خداراً عطا می‌کند که از میان موجود رو حانی قلب آنها به طرف رو حشان حرکت می‌کند. سپس روح رابط آن نام خواهد بود. این نام یک لطف جدید را بوجود خواهد آورد یک انژری جدید یک عشق جدید با نور. ارتباط روح و دوباره برقرار خواهد شد با خدا.

تکرات قلب و سیله ایست برای تکرات روح، همانطور که ریاضت ہائی نماز و روزه و سیله ای است برای تکرات قلب، وقتی که روح شخص شروع کرده بزمزمہ نام (اللہ)، اگر او از مردم عادی باشد ترسی از ترازوی عدالت یا روز قیامت ندارد. تکرات والا عبادت از طرف روح شہامت مقام بسیار والا ای او بیند (در جهان آینده).

آنها یکی که از تکرات قلب به روح در حرکتند، به دین خدادست یافته اند، یا بزودی به آن خواهند رسید، آنها از نور راهنمایی میگیرند نه از کتب. نور از گناه آنها جلوگیری می‌کند. چون این موضوع را در یافته اند یا برخلاف سعی و کوششها، اگر دیگران این موهبت را ندارند آنها شامل این زنجیری باشند (ارتباط رو حانی) اگر کسی خودش را در این سلسله می‌داند یا بدون تکر قلبی و روحی و انسودمی کند که در این سلسله هستند او یک مخد است.

راه نکشید هشدن مردم معمولی بادین و ارتباط با خداست.

راه رهنمون شدن تو سط کتابهای آسمانی ممکن است.

راه در یافت شفاعت بوسیله پیغمبری و اولیا (مرشدی) است.

بعضی از مسلمانان تصدیق نمی‌کنند شفاعت اولیاراً وقتی (همه آنرا می‌دانند) حضرت محمد را هنمایی کرد هر اهلش را که تقاضا کند از او لیس قرنی تا برای بخشش امت دعا کند (تابعین پیغمبر).

دین ارواح

تشخیص آنہایی کے عشق خدایی دارند و دین خدایی

جانیکہ تمام رو دخانہ ها میریزند دریانا م دارد

جانیکہ تمام دینہا ب آن منتہی م شوندو وحدت پیدا می کنند عشق خداست و دین خدا

”چهار دین در کجا بھمی پوئندن“ (ولی سلطان صاحب)

تشخیص اولیہ: وقتی تفکرات دل و روح شروع میشود با عبادت با نظری از طرف ارباب جهانی۔ انسان برای ابد خدایی است، (چون از زمان قبل از خلقت سر نوشتش این بود)۔ بیزاری از گناہان شروع میشود و اگر شروع شد چنین شخصی بشدت از آن توبہ می کنند۔ و راهی را میجوید تا از تکرار آن جلوگیری شود۔

خدا گفت ”من آن اشخاص را هم دوست دارم که در راهی پا بر جا هستند که دور از گناه بمانند“

عشق تمیثی دنیوی برای این چنین کسان از بین می رو و تفوق عشق خدایی شروع میشود۔ حرص، حسد، خست، و خود بزرگ بینی از میان میرود و دو زبان از افترا و تهمت آزاد میشود۔ آنها احساس بی تکبری میکنند کرامت جای خست رانی گیرد و دروغ فراموش می شود۔ تمیات حرام جای خود را به تمیات حلال می دهد و نسبت به چیزهایی حرام احساس تنفری کند و چنین ب غذاها عمل ہائی حرام۔

تشخیص نہایی: یک ریاضت کامل باید در کار باشد تا دوری کنداز کو کائیں، تریاک، ہروئین، تباکو و الکوال باید قادر باشید تا مقام عالی روحی بر سید در رؤیا ہادر سفر ہائی عرفانی یا در دیدار۔ از نفس عمارہ تائف مطمئن را هتان راعوض کنید۔ موجود روحانی اتا را بیا بید۔ رو برو جلو خدا قرار بگیرد۔ و پرده بین خدا و بنده را بالا بزیند، بعد از گناہان آزاد شوید۔ عشق کامل بے خدا پیدا کنید و رشته تشخیص و شناخت خدا اقرار بگیرد۔ و از بنده تا گرامی دارندہ بندگان وا زیک مرد فقیر و بیچارہ تا لکمک دہنده بے فقر ابر سید۔

بسیاری از ارواح خدایی ادیان مختلف کے خدارا آزمودہ در پیان قبل از خلقت وارد این سلسلہ خواہند شد۔ بنابراین شرطی دربارہ انتخاب دین نیست۔ ہر شخصی قادر خواهد بود مطابق دستورات دینی خود عبادت کنند۔ اما تفکرات قلب در همه ادیان مثل ہم است۔ با وجود ادیان متفاوت آنها قلب ابا ہم متحدند۔ وقتی ذکر خدار و لشان ریشه بگیرد۔ آنها ہمہ خدایی خواہند شد۔ بنابراین با خداست کہ آنہار ابرای خودش نگاہ دار دیا آنہارا بے یک دین بفرستد برای راہنمایی۔ بعبارت دیگر، بعضی استفادہ خواہند کرد، بعضی دور از مردم و گوشہ گیر خواہند بود، با وجود این دیگر جنگجویان و فرماندهان روحانی خواہند بود۔ حتی گناہگاران با لکمک و معاضدت با آنہا بے مقصد خاصی خواہند رسید۔ پیشتر مردم کہ بے جمع خواہند پیوست (دین خدا) در ہمکاری با شیطان وارد خواہند شد (ضد مسح) خواہ آنہا مسلمان باشند یا غیر مسلم۔ بالآخرہ این دستہ در یک جنگ تمام عیار وارد خواہند شد۔

آن ہائیکہ باعیسیٰ ہستند یا با مهدی یا کالکی اوتار گروہ ہای دیگر را شکست خواندنداد۔ خلی از ضد صحیح ہا کشته خواهند شد و اخلاف آنها در سکوت بجا خواهند ماند۔ بخاطر ترس و بچارگی۔ مهدی و عیسیٰ در قلب مردم باقی خواهند ماند و صلح سراسر جهان را خواهد گرفت۔ تمام ادیان جهان از تبدیل شدن به یک دین متوقف خواهند شد۔ آن دین پیشتر مورد علاقه خدا خواهد بود، و عصارة دینهای پیغمبران و کتابهایشان خواهد بود و از تمام مردم قبول خواهد شد۔ قابل احترام ترین ہمہ عبادت و حقیقت ب”محبت“ ب”خدا“ ”عشق“ خواهد بود (همان علاقه عاطفی بخدا)۔

”جائیکہ عشق غلبه کند، ایمان آگاہ خواهد بود“

(ولی سلطان با ہو)

اقبال شاعر معروف تصویری از این زمان رسمی کند در این شعر:

”جهان احتیاج به مهدی دارد که فلسفه او اساس افکار پذیرفته شده را خواهد لرزاند“۔

”راز ہا بر ملا خواهند شد، آزمائی که خدادیدارش را در لغتی کرد گذشتہ است“۔

”عصارة او پیش مردم ظاہر شده، او مهدی است که در آخر ازمان ظاہر شده“۔

”چشم ہائی من در آینہ شناخت باز شده تا به تصویر کدر آیندہ نگاه کند“۔

”بے جهان نگاہ کن، زمین و فضاء نبال لحظہ ای میگر دند بے کسی کہ از شرق طلوع خواهد کرد“۔

”زمان گذشتہ است ای ہدیہ دهنده شراب (عشق) و قی که نوشند گان پنهان می شوند“۔

”تمام دنیا اکنون میخانہ ای خواهند شد و ہمہ مردم پیاله گیر خواهند بود۔ (از عشق الہی)“۔

”زمان پرده برداری رسیده است، ہمہ شکوه اور اخواهند دید و عظمت اور اسکوت پرده او بود، آنکہ اکنون رازش بر ملا خواهد شد“۔

از درون صحراء پیدا گشت که امپراتوری روم را سرنگون کرده“۔

”من از زبان خود فرشہ ہائیو شدم کہ آن اسد از خواب برخواهد خاست“

تمام کتب آسمانی و صحیفہ (کتاب آسمانی ابراہیم) از دین خدایی نیستند، در این کتاب ہا مراسم صلات نوشتہ شده، راجع بر روزہ وریش ام اخدا به آنها پیوسته نیست۔ خدا خودش نور خالص است، وقتی کسی نور میشود (در خشان) پس او شناخت عصارة خدا، آن وقت است که وارد دین خدا میشود۔ که عشق و احساس است، معنی خالص نو دونہ اسم خدا، کسی کہ دوستانش را پیاده دارد۔

خدا، خودش عشق است، عاشق و معشوق۔ اگر یک بندہ خدا جزئی از آن را در یافت کند او بده دین خدا وارد میشود۔ سپس عبادت شر تحریر در زیبایی دیدار خدا و زمزمه نام خدا در طول زندگیش۔ بعد، خیرہ بے زیبایی دیدار خدا ہماهنگی تمام واجبات ادیان خواهد بود، سپس عبادت کلی جهات، ملائکہ و انسانهای تو انندہ بحضور برسد (خدا)۔

در ارتباط با آن جناب شیخ عبدالقادر گیلانی گفته است

”هر کس به دیدار خدا نائل شود و هنوز هم عبادت می‌کند یا تصمیم دارد عبادت کند، آن توینی است به خدا“
و لی بلے شاه گفتة است

”پس از اینکه من شروع کردم به عبادت عشق، من معجود مجدر افراموش کردم“ -
اقبال شاعر گفتة است

”کشیش بیچاره در این باره چه می‌داند؟“

هم حضرت محمد از قول ابو ہریره گفتة است، ”من دونوع داش از حضرت محمد گرفتم - من کی را برای شما باز گویی کنم و اگر دوی را بگویم مرابه قتل می‌رسانید -

این قضیه مورد تائید قرار گرفته و شاهد دارد، هر کس رموز این دلنش را باز گوئند شایسته قتل میباشد - مثل شاه منصور، سرمه - امروزه حضرت گوهر شاهی در لبه تقعیق قرار گرفته این اطاعت از شریعت -

برای مومنین به پیغمبر است اما خود پیغمبران مجبور به عبادت نیستند، قبل از شریعت پیغمبران حتی در زمان قبل از خلق انتیز وجود داشتند - از آنجا که آنها باید الگوی دین را کامل کنند و اگر آنها هر یک قائد کلی قرار دهند یا بر اصولی پانشاری کنند سپس مومنین آزادی ایال خواهند کرد و به این دلیل، پیغمبران باید متعاط و موقر باشند (لاحظه کار) آیا کسی هست که بگوید اگر پیغمبری که یعنی نوع عبادت را انجام نمی‌دهد او به جهنم خواهد رفت (هر گز چنین چیزی نمی‌توان گفت)

آیا کسی میتواند بگوید که پیغمبری نمی‌تواند به شخصی بر سر بدلون تعلیمات مربوط؟ و یا کسی میتواند بگوید که انسان نمی‌تواند پیغمبر شود بدون انجام عبادت شخصاً؟ پس چرا اولیار اردویی کنند و درباره آنها شکایت می‌کنند در حالیکه ولی (مرشدی، مراد بودن) یک نوع از پیغمبری است -

باید فراموش نکنند که آنها بایی که ادعای شناخت خدار ادارند بدلون دریافت خدا و کسانی که خود را در این موقعیت روحانی میپینند و یا تظاهری کنند (دیگران در این حد) آنها مرتد و دروغگو هستند - کتابهای مقدس این چنین دروغگو بارا فاسدی داند این چنین، آنها زمان دایمان ہزاران مردم (بی‌گناه) را از بین می‌برند -

این کتاب برای انعکاس است و ارزش مطالعه را دارد و تحقیق توسط دین ہرگز رو و هر شخص و آن عرضه میکند
مبازه طلبی با آن دسته از مردمی که روحانیت (رابطه با خدا) را قبول ندارند -

بعضی مطالعی درباره حضرت گوهرشاهی

سه قسمت از علم ظاہر و جود دارد. (علم آسمانی) و یک قسمت علم باطن (علم زمین)

”انسان باید دنبال یک موی بگرد و تعلم ظاہر، روابیا بد و یک خضر که علم باطن، رایما موزد“.

”صدایی که بدون وجود جبرا ایل شنیده شود (عنوان میانجی) الهام نامیده میشود، و داش دریافت شده صحیفه (کتاب) نامیده میشود و حدیث

قدسی (صدایی آسمانی) داشی که هر راه جبرا ایل باید قرآن نادارد. خواه علم زمینی باشد یا آسمانی یا توریت، زیور و او دیا انجیل“

”وقتی یک دانشمند دینی استباخی می کند، اور عنوان یک سیاست عفوی کند. اگر اولیاء استباخ کنند (ولی ها) آنرا عنوان عقل قبول کرده و

صرف نظر می کنند. در حالیکه یک پیغمبر رانی تو ان با یک استباخ مکوم کرد“.

”هر کسی در سیستم روحانی خاص قرار گیرد، موجودات روحانی مر بوط در درون آنها قوی است (یاروش) و آنها کی که داخل این سیستم قرار نداشتند

باشند و جود (لطیفه) روحانی آنها خفت و بی احساس است. آنها تکه نام خدار ا江淮 کردن نام (الله) را در هر موجود را با هر روش، بیشه در

ذکر سلطانی، مغروقند (یک نقش طحی بالا از هر هفت مورد موجود روحانی داخل بدن) و عشق (عشق عاطفی) به خدا“.

علامه اقبال گفت:

”اگر عشق عاطفی باشد، بی ایمان ایمان خواهد بود

سچل سائین گفت:

”بدون عشق به معشوق ای سچل، بی ایمان چیست و ایمان چه؟“

سلطان با ہو گفت:

”عشق پر شور غلبه کند، ایمان آگاه نیست“.

وقتی این چنین اشخاص در هر دینی هستند و وارد شوند، آن بارانی از رحمت خدار انازل خواهد کرد. اگر آنها مشل بابا فرید باشد (مسلمان ولی) حتی هندو ہاو اقوام سیک بر درگاه خانه شان خواهد بارید. اگر مشل گرونا نک (ولی سیک) باشد مسلمان و مسیحیان اطراف آنها گرد خواهند آمد.

امام مهدی ہمه ادیان را منقلب خواهد کرد

پس از حضرت محمد (خاتم النبیین) اختلاف بـ اسلام روکردند، و مطابق محیط احیاء شدند. شبیه بـ آن، در وقت آمدن ”امام مهدی“، با قیمانده

آنها بـ پایان خواهند رسید. امام مهدی انقلاب خود را انجام خواهد داد مطابق با (احتیاجات) تمام ادیان، و بعضی کتابهای ثبت شده که او یک

دین جدید خواهد آورد.

مطالبی از حضرت گوہرشاہی

اگر کسی در تمام زندگیش عبادت کرده است، آخر امام مهدی یا عیسیٰ را مخالفت کرد (که بادن خاکیش برخواهد گشت و مهدی با ارواح خاکیش)، او سرنوشتیش برای جهنم رقم خواهد خورد مثل بلعم باعوراً- مثل ابلیس (شیطان) رانده خواهد شد. (بلعم باعورا ضرب المثل بود در انسان روحانی که بوسیله هوس ولذات از راه بدر شده، علام خدا ای را رد کرده چنین موئی را مثل یک سگ به جهنم خواهد رفت) - اگر کسی مثل یک سگ در جهان زندگی کردو دست آخر مهدی و عیسیٰ را مکث کردو عاشق آنها بود، او به بہشت خواهد رفت درست مثل سگ قطعی که هراه شد با اصحاب کهف و به بہشت خواهد رفت.

بعضی گروههای ادیان می‌گویند که عیسیٰ مرد قبرش هم در افغانستان است - این یک تبلیغ غلط است، در افغانستان قبر یک پیر هست بنام عیسیٰ - مقصود از محل جسد او به افغانستان چه میتواست باشد در حالیکه وسائل محل در آن موقع بسیار ابدی بود و ما هبها وقت میگرفت تاجنازه او به آنجا محل شود - بعضی میگوید، چگونه عیسیٰ به آسمان رفت، مامپیر سیم چطور آدم به زمین جبوط کرد؟ بعلاوه، اولیس پیغمبر ہنوز بادن خاکی در بہشت زندگی می‌کند، و حضرت حضرت الیاس ہنوز روی زمین زندگی میکند و ہنوز نموده‌اند.

نوہ شیخ عبدالقدار گیلانی، حیات الامیر، شش صد سال است که در زمین زندگی می‌کند - جدش شیخ راهنمایی کرداورا که نمیر دتا مهدی ظهور کند و سلام او را به حضرت برساند - او (حیات الامیر) ولی شاه لطیف را گرامی داشت بالقب باری امام، محل نشیمنگاه (محل زندگی حیات الامیر) ہنوز در مری پا بر جاست (پاکستان) محلی بنام بارا کوه -

جزای کارزشت در این دنیا زندان است یا یک جریمه یا جزای مرگ، اگر انسان در میسر فقر قدم بر می‌دارد (فقر روحانی) تنبیه او ملامت (نجالت) است - اما گناهان نسبت به خدا خلیلی در دنیا ک است - برای کسی که به دیگران تهمتی زندگی کارهای نیک او به کسی که به او تهمت زده میرسد بعنوان جریمه تهمت زندگ - بعلاوه، حرص، حسد، خست و تکبر ثواب های اور از میان میمیرد (که در نامه اعمال اش ثبت شده) - اگر کسی در دروش نوری ہست، آن نور بابی حرمتی یا بدگویی از یک پیغمبر یا ولی خاموش می‌شود - ہمانطور که شیخ صناعان به شیخ عبدالقدار گیلانی ناسزا گفت و در نتیجه از همه کرامات و برکاتش محروم شد -

داستانی ہست در بارہ بایزید بسطامی: وقتی دیگر شخصی به اودشام می‌دهد او هر روز پولی برای او میفرستاد - آن شخص به دشام ادامه می‌داد و مرتب ارزانه خود را در یافت میکرد - یک روز زنش به او گفت که یادگیر به بایزید ناسراً انگوید یا پول را در یافت نکند - به این ترتیب، از آن بعد آن شخص شروع به تعریف کردن از او کرد وقتی بایزید فرمید که آن شخص از ناسراً گویی دست برداشته دیگر به او پولی نداد - آن مرد زند بایزید آمد گفت چگونه بود که وقتی دشام می‌داد پول در یافت می‌کرد اما حالاً که مدعی میگوید پولی در یافت نمی‌کند -

باینید جواب داد "در آنوقت تو من دوم من بودی و ناس زاها بیت گناهان مرآپاک می کرد و من مزد خدمت تو رامی دادم. اکنون مزد چه رامی خواهی؟" بسیاری از گناهان از نفس اماره سرچشم می گیرد و از شیطان کمک می گیرد.

در حالیکه ولی کرامت، بخشنده‌گی، صبر علطف، و انوار الهی در رابطه با قلب شهید می باشد که مد کارش ولی میباشد (ولی، مرشد مراد) - تا قیق نفس اماره، وجود دارد، نور پیچ "کلمه مقدس" نمیتواند در قلب ریشه بگیرد. حتی اگر آیه هابه حافظه بگسبند - چون امثل طوطی می ماند. اما اگر نفس به نفس مطمئنه تبدیل شد - پیچ چیز غیر خالص نبی تو اند در آن لانه کند و اونورانی خواهد شد.

شما باید دنبال راهنمایی بگردید تاروش کشتن نفس را بشما بیا موزد. آنها در تمام زمانهای این کار مشغول بوده و هستند (از طرف خدا) برای شستشوی بدنش از آب استفاده می کنیم اما برای تمیزی روحی باید از نور کمک گرفت. اگر انسان تمیز نشود ناخالص و ناپاک خواهد بود. بدنش تمیز و خالص لا ایق عبادت خدامی باشد. و قلب پاک شایسته دریافت انوار الهی میباشد. (تجليات)، فقط در آن صورت کتاب مقدس میتواند هر برای انسان را انجام دهد. کتاب می گوید "ہدی لله متقین" (هدایت برای پر ہیز گاران است). در غیر این صورت پیر و ان ادیان مختلف با یکدیگر به ضدیت بر خواهند خاست، مجد و الف ثانی در نامه اش می نویسد، آنها بی که ہنوز دارای نفس اماره هستند شایسته خواندن آیات قرآن نیستند. و شاگرد باید اول خود را باز کر قلب مطهر کند، وقتی پاک شدمی تو اند قرآن را بخوند.

"روش پیغمبرانه ایست که بعضی مردم کتاب مقدس را می خوانند و کتاب آنها را نفرین می کنند" -

"ولی بولے شاہ می گوید که بعضی دیگران را فریب می دهند اما ہنوز قرآن را زیر بغل دارند" -

یک تنوژین می گوید که او در تجرب است که مراقبت و عبادت خودش را بجا طرخدا انجام می دهد. "با این ترتیب خیلی نزد یک به خدا هستم" - پس از عبادت او از خدا برای سلامتی خود، زندگی طولانی، کشاورزی مادی، حوریان بہشتی و قصرهای بہشتی تمنا کرده. فکر کنید! آیا گاهی خدارا عبادت کرده اید و از خدا جز خود خدا خواسته اید؟ یک داشمند دینی میگوید که او بازدید یک به خداجات یافته زیر ادانش و کتاب را در درون خود دارد. پس چرا قضاوت به دیگرانی بسپارد که سرنوشت رفتن به جهنم را دارند. در حالیکه هر مسلمان داشی دارد و چند آیه از قرآن را حفظ کرده؟ فکر کنید! کی دانش را می فروشد؟ کی در حال فروش است؟ چه کسی به ولی بد میگوید؟ چه کسی حود، حریص و خسیس است؟ بعضی تقصیم ها در قلب و بعضی در زبانه، یک جور صحبت در صحیح و جور دیگر در شب. چه کسی دروغ را حقیقت جلوه می دهد؟ اگر شادور از چنین کارهای زشت هستید شما هر این پیغمبر هستید، پس اگر دیگران به شما پشت کنند کار درست نیست.

علامه اقبال گفت:

"اگر شما غرق خصوصیت های زیاد هستید شما همانید" -

که توسط گرک توصیف شده، که اگر او در حقیقت یوسف را خورد بود پس امیدوار است که بعنوان یک داشمند قرون چهاردهم برائیگیخته شود. (بجری) -

راه راست

- ۱) آنها نیکه ظاہر شان پاک و باطن شان ناپاک است، تا بکاران هستند در دین و به شیطان نزدیک می شوندو وارث اویند. در یک حدیث پیغمبری گفته شده "پرسید و دوری کنید از کشیشان نادان (دانشمندان) که زبانشان از دلش سخن می گوید اما قلبشان نادان (تیره) است."
۲) وقتی باطن پاک و ظاہر نباشد آنها را مجدوب می گویند ناتوان و دور از اجتماع.

آنها نیکه احساسات خود را در عشق عمیق رها کرده اند.

چرا در روز جزا محاسبه شوند (از کتاب تریاک قلب حضرت گوهر شاهی)

- مجدوب ها از دین ترس دارند اما به خدا نزدیکند آنها نبی تو اندر رتبه های بالاتر بدست آورند. درست کاران بلند مرتبه هستند. اما خود نما ها (متظاہرین) ملحد مجدوبین بار قرار خوب مواجه خواهند شد مثل رئیس جمهور ایوب، بنی نظیر یا نواز شریف در طول حکومت محترمانه خود با وقار هست اینها را بآب چوب زدند آیا شامیتو اندیده این شکل با کسی رفتار کنید و رقدرت؟ اما در این حال، این فقط محدود و به مجدوبین می شودند و میگیران.
۳) آنها نیکه هم از ظاہر و هم باطن پاکند و در خشان هم تابع شریعتند و هم تکرات قلبی را دنبال می کنند.

آنها عالم رباني هستند و ارشین پیغمبر و دین پیغمبر، وقتی حالات درونی و بیرونی شخص کی شد، او "نائب اللہ" نامیده میشود. اگر به زیارت برود در خواب یا بیداری او ثواب سفر واقعی (بدنی) را خواهد گرفت و حتی بیشتر نماز بواسطه روح بعنوان یک عبادت دینی بحساب می آید بلکه بیشتر اگر بدین عبادت کنند، آن عبادت همراه عبادت روانی به علم روحانی بالاصعود خواهد کرد. این اشخاص بدنشان یک جا و روشنان جای دیگر است. در چیز نقر (عشق خالص به خدا) تنها چیزی که او طالب است دیدار عظمت و زیبایی خدا است. بعضی میگویند که چیز کس نبی تو اندر خدار اور برگیرد (بیند). علم بینیش خدایی با حضرت محمد شروع شد. بقول ابوحنیفه (دانشمند اسلامی) اونو دونه بار خدار دیده بازیزید بسطامی (ولی مسلمان) میگوید که او هفتاد بار خدار دیده دیدار خدا از طریق موجود (لطیفه) آسمانی اتا امکان پذیر است (که درست است) اما شما از تعلیمات و تکرات اتنا آگاهی ندارید.

دوست خدا

بعضی افراد به کسی ولی می گویند (دوست خدا) مطابق با کشف و کرامت او.

اما اگر شما از کارها و دین او در تردید قرار گرفتید پس بجای ناسر اگفتن به او از ادوری کنید. کسی چه می داند؟ شاید در دیدار خدا غرق شده یک شخص می تواند برگزیده باشد که حتی بعد از شهادت زنده ماند (در راه خدا). یا بعضی مثل لعل شهباز یا خضریا سائی بابا، گرونا نک یا ولی بلحه شاه یا دیگران عاشق ابدی خدا باشند.

پیغام انقلابی از حضرت گوهرشاهی به تمام انسانیت

مسلمان می‌گوید که از همه بالاتر است، در حالیکه یهودیان هم می‌گویند که از مسلمانان بالاترند. مسیحیان هم می‌گویند که از هر دو بهترند، بلکه او همه امت‌ها بالاترند چون از ملت، "پسر خدا" استند" -

امام حضرت گوهرشاهی می‌گوید

اعلا و بالاترین آنها می‌هستند که عشق ربانی در قلب آنها مونج میزند، حتی اگر به هیچ دینی بستگی نداشته باشد.

زمزمه کلامی و عبادت دلیل بندگی و فرمانبرداری از خدا است. در حالیکه تفکرات قلبی معنی عشق بخدا است و فتن بسوی او است.

انسان شریف بلند مرتبه می‌شود، ریا کاران پست می‌شوند و آنها می‌کردند که ادعایی بی جهت آنها دار پیغمبر بودن از بی ایمانی است.

کسی که بدون دلیل ادعای ولی (مرشدی) می‌کند، او نزد یک بکفر است، ولی (مرشدی) بمعنی دوست (خدا) می‌باشد، لازم است برای یک دوست که با دوست خود ملاقات کرده باشد و با او صحبت نموده. حضرت محمد یک بار به یارانش گفت "و ظافی برای من وجود دارد که انجام دهم ولی برای شما نیست".

همه مومنین نمازی خوانند و از خدا تnxami لکند" مارا به راه راست ہدایت بفرما. راه آنکسانیکه رحمت خود را شامل آنها فرموده ای" - فقط وقتی روحش به بیت المعمور برسد (کعبه) آن نماز حقیقی است. چون حتی به بعد از مردن کشیده می‌شود، همانطور که ارواح تمام پیغمبران در "بیت المقدس" عبادت کردنند، در شب معراج - بعلاوه هم است که قویا، از شریعت پیروی کردن تاریخیان به دیدار خدا. البته خداراهی برای تغییر و بهتر کردن افراد تبلیغ و گناه‌گار خلق فرمود. تفکرات قلبی یک گناه‌گاری برای کمود دعایا و گناهان می‌باشد. در بعضی اوقات این تفکرات میتواند آنها را ادارد که عاشق پروردگار شوند و دارای روح روشن -

وقتی نمازو عبادت را از دوست می‌دهید، تمرين کنید زمزمه نام الله در حال ایستادن، نشستن حتی وقتی خوابیده اید (قرآن).

نژد یکی، وفاداری، دیدار و عبادت ولی (مرشدی) شناس بزرگی است برای گناه‌گاران و نجات آنها از جهنم، همانطور که حضرت محمد دوستانش را راهنمایی کرد بطرف "اویس قرنی" (وازا و خواست) که دعا کند برای بخشیده شدن گناه‌گاران امتش - سخاوات والا مقامی و شهادت میتواند پاک کننده گناهان و مغفرت باشد. خدا تجھنین فروتنی، طلب مغفرت و گریه اشخاص را دوست دارد. در نتیجه آنها، در نتیجه آن خدا نصوح را بخشید که بدزنان مرده تجاوز می‌کردو لفظ آنها را دزدید (قرآن).

یک روز عیسیٰ از شیطان پرسید، ”چه کسی بهترین دوست تو میباشد؟“ شیطان گفت، ”خسیس زاہد“، عیسیٰ پرسید چرا، شیطان گفت که خست یک شخص تمام عبادت اور از بین مییرد. سپس عیسیٰ پرسید که بزرگ ترین دشمن تو کیست؟ شیطان جواب داد، ”گناهگارخی“، عیسیٰ دلیل آزرا پرسید. و شیطان جواب داد، ”سخاوت خنی گناهان اور اپاک میکند“، عشق بندگان و خلق خدا، مراعات (آنها) همراه با حقیقت و جنگوی عدالت و بزرگی در یافت کننده رحمت خدای است. شاعر مشهور اقبال که در آن موقع جوان بود یک روز از مدرسه بر می کشت دید که یک ماده سگ اور تعقیب می کند. او از پله های خانه اش) و آن زمان به خیره گشت بدون احساس، او فکر کرد که زن گشته است. اقبال یک نان همراه داشت، اونصف آن افوار خورد، و دوباره به او خیره گشت. اقبال نصف دیگر را هم به اوداد خوش تمام روز گشته ماند. شب پدرش از آن عمل بسیار خوشحال شد و یک برگزیده شد.

وقت سکنگین در جنگل مشغول شکار بود یک بچه آهورا گرفت و حرکت کرد. سپس او دید که ماورآ ہو بچه بسرعت اور تعقیب می کند او توقف کرد آهونم ایستاد و صورت خود را به آسمان بلند کرد. سکنگین اشک را در پشمها ای اوید و آهوبچه را رها کرد. پس از این حادثه، از طرف خداباران رحمت به سکنگین باریدن گرفت. واهمیشه برای خدا گریمی کرد.

مولانا رومنی گفت: ”یک زمانه صحبت با اولیا بهتر از صد ساله اطاعت بی ریا“

یک حدیث مقدس است که میگوید: ”من زبان او شدم که با آن صحبت می کرد من دستش شدم که با آن میگرفت.“

ابوذر غفاری میگوید: ”تشخیص ولی (مرشد) در روز جزا مردم می گوید مابه او آبدادیم که وضو بگیرد، کسی میگوید اور هم بخشد، کسی دیگری می گوید من برایش لباس تهیه کردم یا به او غذا دادم و جواب این خواهد بود که، اور هم بخشد و باین ترتیب افراد زیادی بخارطراو (ولی) بخشد میشنوند.

حدیث قدسی میگوید: ”اگر کسی ولی مرادش بدارد من برعلیه اعلام جنگ خواهیم داد“، جنگ خدابه رکس این نیست که در یک روز سرمش را جدا کند. او زایمان جدا خواهد شد (در زندگی و در زندگی اخروی). و هر روزه در جهنم سرش بریده خواهد شد، مثل بلعم باعورا، که خیلی داشمند بود تھریسین و فدائی خدا، اما بخارطراو شمشی با مویی به جهنم رفت.

مردم میگویند که شامیتوانید خدار ابواسطه عبادت پیدا کنید

ما میگوییم که بواسطه قلب خدار امیتوان یافت!

عبادت برای تصفیه قلب است، اگر عبادت ایکار انکر دیس شما خیلی دور از خدا هستید. یک حدیث قدسی میگوید، ”خدا به عمل نگاه نمی کند یا به چهره ها بلکه به نیت و قلب نگاه می کند“، در حقیقت عبادت میتواند شمارابه بهشت بر ساند اما بهشت هم خیلی از خدا دور است.

”دانش خاص برای آنها نیست که عشق را می طلبند، نزد یکی و شناخت خدابدون توجه به حوریان و بهشت“ -

طبق قرآن: ”خدا آنها را او میدارد که به یک ولی یا مرشد ملاقات کنند“ -

وقتی خدا شخص خاصی را بحاطر فقر خاص او دوست بدارد با او به دیده مهر نگاه می کند - نگاه مهر آمیز او گناهان آن شخص را پاک می کند - حتی گناه کسانی که همراه او بیند، دوستان خدا -

صحاب کهف: خوابیده بودند یا در سفر روحانی بودند و سکشان با نظر لطف به آنها نگاه می کرد و سگ با آنها به بهشت میرود بنام، ”حضرت قطیع“ - وقتی شیخ فرید در نظر خدا آمد یک چوپان که نزد یک او بود نیز از فیض برخوردار شد - وقتی خدا ”ابو الحسن خرقانی“ را مورد لطف قرارداد چون از بعضی از رفقار او خوش آمده بود - یک مکالمات دو طرفه را با او شروع نمود - روزی خدا به شیخ گفت، ای ابوالحسن، اگر من آنچه از تو میتوانم به مردم بگویم آنها ترا سنگار می کنند - شیخ جواب داد، اگر من هم باز گوئم که خدا چقدر حیم است یعنی کس دیگر ترا سجده نخواهد کرد - سپس خدا به شیخ گفت ”میادابه کسی این را بگویی (در باره ما) - ما هم در باره تو به آنها چیزی نخواهیم گفت -

وقتی زید به حضرت محمد معرفی شد که برای سوین بار شراب خورد بود - همراهان پیغمبر او را بحاطر این کار نهادند، ”پیغمبر سپس گفت“، زید را سر زلش نکدید چون او عاشق خداست و معتقد خدا - آنها نیکه عاشق خدا یا پیغمبر شدند به جهنم نمی روند - در حقیقت خدا تمام مخلوقات خود را دوست دارد - خدا حتی برای حشره ناچیز داخل سرگ نیر غذای میرساند - همانطور که بچه های نااہل هم تنبیه می شوند و به آنها خدمت میشود همانطور هم خدا بعضی اوقات ”القهار“ است برای نافرمايان و بدکاران -

این را قبول کنید: خدادلش می خواهد شمارا هم بیند - اما شما آگاه نیستید، بی توجه و بدسرنوشت -

آنچه انسان به آنگاه می کند (چهره) شما آنرا زبای آب و صابون میشویید به آن کرم می زنید و ریشتان را مر اراتب می کنید - اما آیا آنچه را که خدا به آن نظر دارد پاک می کنید (قلبتان را) -

حدیث نبوی میگوید: ”برای هر چیز پاک کننده ای هست و برای تطهیر قلب تفکرات برنام خداست“ -

عشق پاک هم مر بوط به قلب است - کسی که فقط می گوید، ”من عاشق تو هستم“ او فربیکار است -

”عشق انجام دادنی نیست، آن همراهی میکند با کسی، وارد دل انسان میشود“ -

خدادر قلب شما است، اندیشه و تفکر قلب و ولی اللہ هم هستند (ولی اللہ)

موتور اتو میبل نیست که شمارا به مقصد میرساند بدون همکاری با تمام اجزاء اتو میبل -

همانطور نماز کامل نیست بدون کشتن نفس و تذکریه قلب -

آیا خیال می کنید که نماز شتابدون اساس قبول میشود شما لائق بهشت خواهد شد؟ پس چرا دیگران را کافری پندارید، خطا کار و روبه جهنم در حالیکه آنها نیز عبادت می کنند؟ تنها تفاوت اینست که مردم در واگن های مختلف یک قطار نشسته اند. (بعضی روی الاغ ضد مسیحیت و دیگران روی خر عیسی سوارند) - در حالیکه همه از نظر تاریکی درونی مساویند. فقط از نظر اعتقادات متفاوتند. بدین همde در این جهان می ماند و روحشان به سفر ادامی می دهد.

روی زبانشان دعا و در قلبشان بدی، حسد، حرص، این رام را اسم نماز می گویند (عبادت ظاهري) مردم عامي فقط با آن لخوشند، اما هنوز هم در دام فرقه گرایی گرفتارند و عظ آنها پراکندن زشکاري میان مردم است. مثلاً گروه خاصی را پير وي میکنند (پيarsi مراسم) و هر پانزده سال همان کار را تکرار می کنند و بعد دسته به دسته دیگر پيوسته اند. اين به اين دليل است که گروه اول را غلط پنداشته اند. عبادت غلط قبل قبول نیست (از طرف خدا) بعارت دیگر، پس ده پانزده سال عبادت شمار دود بوده. شاید اين گروهی که اکنون به آن پيوسته ايد نيز غلط شد، پس شما عبادت لذت شته و آينده خود را از دست داده ايد. وقتی پرده از جلو چشم ان انسان برداشته شود انسان خود را در همان نقطه شروع میپيند (مثل اسب عصاري).

بجای هر دادن زندگيتان باید دنبال یک رهبر جهاني بگردید (یک ولی، مرشد مراد).

اصول اعتقادی حضرت والا گوہرشاہی

معتقدین به ادیان مختلف را در یک ردیف قرار دهند. از خدا بپرسید "خدایا کدام یک راشما میخواهید ملاقات کنید؟ همانطور که چشم شما به یک ستاره درخشان می‌افتد، خواه به مریخ، زحل یا ستاره‌ی نام دیگری، خداهم به دلهای درخشان نگاه می‌کند بدون اینکه به دین او توجه کند.

"بدون عشق به معشوق ای چل.....کفرچیست واسلام چه"

در جتوی خدا، شما به معابد میروید، کلیساها و مساجد آیا شنیده اید که در جایی خدا مقابل شما شسته باشد و مقابل نمازگزاران؟ این بی اطلاع - جای خدار قلب توست - خدار اب قلب خود دعوت کن - آنوقت جای عبادت را خواهی یافت و عبادت کنندگان پیش تو خواهند آمد - بازیزید بسطامی گفت "من مدّتی دور کعبه طواف کرم" و وقتی خدا داخل قلب من شد، دیدم کعبه بدور من طواف می‌کند - این مکانها جای توبه و انا به هست در حالیکه قلب خانه خداست - شما خدار از معابد عبادت می‌کنید اما خدا شما در قلب جان نداری دهد -

یعنی گاه در سر نوشته برگزیدگان توجه به هوس وجود ندارد این عاشقانند که همه را از خود دور می‌کنند
اللہ اللہ می کعید اما اور انی یا پمید اولیاء خدا هستند که خدار ایشانی نمایانند

هر دینی میگوید که پیغمبر ش والا ترین است - این امر باعث جنگ بین "مردم کتابهای مختلف" شد - بهتر است که شما بجمع پیغمبران وارد شوید از راه روحانیت در آن موقع آنها را در عالم بالا و رتبه‌های آنها را در خواهید یافت -

نکته‌های

خدا هر پیغمبری را به نام خاصی می‌نامد، که وسیله‌ای می‌شود برای شناخت "کلمه" برای پیروان پیغمبر. این نام هادر زبان سریانی خود خدا بودند. با شناخت آن، انسان وارد امت آن پیغمبر می‌شود. شناخت سه مرحله‌ای اجباری است. پس از وارد شدن به امت یک پیغمبر، انسان تا حد نیایش صفا پیدا می‌کند. در زمان پریشانی انسان را در زندگی نجات می‌بخشد. پسین آن مک می‌کند به محل و کم کردن عذاب قبر. هر پیروی باید "کلمه" را بشناسد (کلمه پیغمبر ش را) و آنرا شب و روز زمزمه کند. شما میتوانید کتاب مقدس را در زبان خودتان بخوانید تارا هنایی شوید. اما در زبان اصلی خواندن رحمت بیشتری را بهتر ارمی آورده.

"کلمه" پیغمبران

کلمه مسیحیان:

لا الہ الا اللہ عیسیٰ روح اللہ..... خدای جز خدای یکتا نیست عیسیٰ روح خدا است

کلمه یهودیان:

لا الہ الا اللہ موسیٰ کلیم اللہ..... خدای جز خدای یکتا نیست موسیٰ با خدا محبت میکند

کلمه پیروان ابراهیم

لا الہ الا اللہ ابراہیم خلیل اللہ..... خدای جز خدای یکتا نیست ابراہیم دوست خدا است

کلمه مسلمانان:

لا الہ الا اللہ محمد رسول اللہ..... خدای جز خدای یکتا نیست محمد پیغمبر خدا است

هندوها و سیک‌ها یک ارتباط دینی دارند با آدم. و از دین نوح سنت پرستیدن بت وارد دین هندو شد، بعلت احترام زیاد حضرت آدم بحیر الاسود. باز ماندگان کشتی نوح (دین خود) را تبلیغ کردند و قتی به هند رسیدند. و گروههای آنها از حضور کرامت در یافت کردند (ویشنومه راج) در دعاهای خود آدم را شنکر جی و خضر را بعنوان ویشنومه راجی نامند.

پیرو ہر دین می تو ان زبان مخصوص خودش را داشته باشد اما کلمه در زبان سریانی (خدا) برای تشخیص و راستگاری است. زمزمه نام خدا و رسول اقلی لازم است ۳۳ مرتبہ در صبح و عصر برای مردم عادی. برای محافظت از سختی دنیوی. باید ۹۹ مرتبہ زمزمه شود یا هر چه بیشتر. برای دفع بلایا (در زندگی) (۵۰۰۰) تا (۲۵۰۰۰) یا (۲۰۰۰) روزانه. آن میتواند در یک جلسه انجام شود بالاترین شماره (۱۲۵۰۰۰) مرتبه در روز است.

بمنظور تصفیه قلب و پاک کردن وصله‌های گناه (از روی قلب)، (یک روش خاص ذکر وجود دارد). با هر قس در حال زمزمه لا اله الا الله، و بخش دیگر در حالیکه نفس را بیرون میدهید پس روی قلب تمرکز پیدا کنید و قی نفس را بیرون میدهید ابرای کسب عشق و دوستی خداروش دیگری نیز وجود دارد که بدون لطف خدا امکان ندارد. همانطور که در این کتاب توضیح داده شد ضربان قلب مثل سرودهای کلیسا سات و تهائی کلمه خالص الله هماهنگ با آن است و هر ضربانش - این کار را هرچه بیشتر در روز انجام دهید - بعضی ها آنرا همراه با تمرکز انجام می‌دهند. بعضی بدون تمرکز - و بعضی پس از احیاء (روشن شدن) قلب و روحشان، پس این ذکر در تمام وقت اتوماتیک وار انجام خواهد یافت.

زمزمہ اولیا (۲،۰۰۰) بار روز زمزمه عاشق تجیه (۱۲۵،۰۰۰) بار در روز میرسد. اگر موجودات روحانی (داخل شخص) غرقه ذکر شوند، پس این ثواب بدون توجه فرشته (کرام الکاتیین) و محسنه انجام می‌شود.

بعضی روی زمین، بعضی روی سریر آسمانی، بعضی در رکعبه، بعضی در حضور الٰی

تریاق قلب نوشتہ حضرت گوہرشاہی

در کنار نام الله، مومنین باید پیغمبر خود نام اور اهم در منظر داشته باشند تا آنکه با اسم خدا موازن پیدا کند. در زمان شعف و از خود بخود شدن یا علو روحانی تکرار کلمه را ادامه دهید، تا زمانیکه آن حالت بپایان برسد، بعداً یک رهبر جهانی را در نظر بپاوید، آنکه شخصاً ملاقات کرده اید - تا اونام خدا را در قلب شما حک کند - آنها که بیچ دینی را پیروی نمی‌کنند، خدمت کرد که به کسی سرنوشت شان را بطة دهد. (بخشی از رحمت روحانی) شاید اصلاً وجود نداشته باشد - در طول انجام این تمرین - این فریغ ها باید نام پیغمبر بزرگ - را مرتب در نظر داشته باشد، و یک ولی (مرشد) که شخصاً اور ادیده باشند و به او اطمینان دارند - بعبارت دیگر (راه شما) عشق و قلب شما بطرف او خواهد رفت راه مردم صاحب کتاب (اہل کتاب) در یک صفحه در گذشتہ جمع شدند - با هم خوردند و نوشیدند، و ازدواج میان آنها مجاز بود، همانطور در زمان ما، اهل ذکر (مردمی که تکرارات نام الله را دارا هستند) با هم متحد خواهند شد. مرضی که وارد شریانات خون شود یا وقتی عشق کسی در قلب ریشه گرفت بیرون کردن آن بخت است.

آب از لوازم ضروری هر خانه است، در حالیکه در تو ریین ها ایجاد برق می‌کند از شیر کرده بdest می‌اید. همانطور زمزمه آیات کتب آسمانی تولید نوری کند (زمزمہ آیات والقب اسم خدا) تولید نوری کند - بطرف فرشتگان پیش میرود، و راه غیر مستقیمی است بطرف خدا - این جایگاه "وحدت الوجود" میباشد (موجود واحد) اما پیشوی نور با زمزمه اسم عصارة (الله) میرو تا عصارة ای مستقیم است، و مربوط به "وحدت الشهود" (وحدت کشف و شهود عرفانی) می‌شود.

بسیاری از مردم احترام زیادی قائل هستند و اعتقاد دارند عشق میورزند به پیغمبران و اولیاء دینشان - اما اخلاق خوب ندارند و به گناه کردن علاقه دارند به پیغمبر انسان داشتمندان و به اولیاء دیگر دینها - اینها مقامی در زد خدا ندارند - زیرا آنها که به آنها تو هین میکنند نیز جزو دوستان خدا هستند تو سط خدا ابرای ادیان و مل مخلص انتخاب شده اند.

چند حادثه مشهور از رواح عاشق

یک حادثه از یک روح محظوظ ابدی

یکبار از میان چنگی در ایالات متحده شب هنگام میکند ششم - دیدم مردی را که در مقابل یک درخت در حال سجده میباشد - یک ساعت بعد به آنجا برگشتم و هنوز در همان حالت بود، به او نزد یک شدم او کارش را متوقف کرد چون وجود مرد را احساس کرد سر بلند کرد و گفت "چرا مذاحم من شدی؟" - جواب دادم "من هم در جستجوی خدا هستم اما تو چگونه خدار در وجود یک درخت می جویی - بهتر است خدار در یک دین جستجو کنی" ، او گفت "من زبان اصلی انجیل را نمی دانم و زبان قرآن را یا کتابهای آسمانی دیگر را، و از ترجمه آنها راضی نمی شوم - زیرا اضادهای بسیار در میان است - در یک کتاب میگوید عیسی پسر من است - در کتاب دیگر اصلاً او اولادی ندارد - من زیادی از اعمم را در جستجوی خدار آنها گذرانده ام - اکنون را دیگری را انتخاب کرده ام - این درخت آن قدر زیباست که نشان می دهد خدا آنرا دوست میدارد و شاید رسیدن من به خدا تو سط آن انجام گیرد - این (مرد) یک روح عاشق ابدی بود، که از تو ای ای خودش در جستجوی خدا بود - آیا این چنین اشخاص که "ناتوان" نامیده میشوند به چنین بروند - آنها سگ هستند که بنام قطبیم ستد و در حال یکه قطبیم بیچ دینی نداشت (سگی که موردنظر باشد به بہشت خواهد رفت) -

تجربه دو شیوه کا تھرین اہل ایریزونا (امریکه)

او گفت "انجیلا (دوستش) مرآ به تفکرات قلب آشنا کردم او گفت که اگر من احساس کرم که هفت روز اسماخ خدار را برگزیده خدا بدانم، در غیر این صورت زندگیم به ہدر رفتة - پس از هفت روز کوشش، هنوز هم لرزشی احساس نکردم، من یک شب به آن سخت گرفت و با خدا به راز و نیاز پرداختم با فروتنی و خلوص - همان شب تفکرات اسم اللہ شروع بر لرزش در داخل وجود من کرد، من سه سال ادامه دادم "کا تھرین نقد یقینی کند که بن پیری اما بر وش سالم و صحی رسیده ام وش، ہمینطور - اونی پذیر دینی را مگر عشق خدایی را - او میگوید عشق به خدار دلش رشد میکند تا تفکر آتش و این برائیش کافی است -

ملاقات با گروی ہندو

در آن موقع من در کوههای سهوان بودم - بعضی اوقات مقبره لعل شہباز ولی را ملاقات می کردم کسی را دیدم که در راه ردیروںی مقبره نشسته بود، و پیروان بسیاری از مومین ہندوان با احساس در اعتراف او گردآمدہ بودند، پرسیدم این مردم قدس کیست گفتند که او یک گروی ہندی میباشد که بنور سیده است، و آرزوی ای آنها تو سط او به لعل سای ولی میرسد و به آرزوی خود رسیده است - بسیاری از مسلمانان ہم اور احترامی کردن - روزی از یک تپه ای می گذشتم، آن مرد را دیدم که تی را سجدہ می کرد و با صدای بلند آوازی کرد - روز دیگر اور اور مقبرہ ای دیدم، به او گفتم از شخص تحصیل کرده ای مثل او بعید است که بتگلی را پرستند - اعقیده ندارد که بت خدا است، بلکه این عقیده او است که در کتاب (مسلمانان) نیز آمده که خدا انسان را در شکل و قیاف خودش آفریده - به این دلیل، او بت های زیادی ساخته و بهم را عبادات میکند به امید اینکه شاید یکی شبیه خدا باشد - او بن گفت، تو ہم با نور سیده ای - توہ من بگو خدا چه شکل است - چه مجسمه ای شبیه به خدا است تامن آنرا در قلب خود قش پندم؟

من در سن شانزده هفده سالگی بودم. روزی بخشی از متن مقدس را در مقبره بابا گوهر علی شاه می خواندم (کی از اسلاف خودم) در این موقع مرد بلند قدی در قیانه در رویشان درآمد و بمن گفت "آیا توداری غیر ممکن رامی خواهی؟" طاهرش به ولی می خورد، بنابراین من ساکت ماندم، اما گفتم شاید شیطان باشد که مرد از خواندن کتاب مقدس بازی دارد. مدت زمانی گذشت. من در حدودی و پنج سال داشتم که تھرات قلب من شروع شد. من عادت داشتم آیات آسمانی را زمزمه می کردم همانطور که بمن گفته شده بود. سپس آرام می گرفتم تا قلم آنها را بازخوانی کند. من می شنیدم که آن از قلم می آید. یک روز که داشتم باشادی همان کار را می کردم دیدم که همان مرد همان قیافه وارد شد. و گفت "اکنون تو در حقیقت داری کتاب مقدس رامی خوانی؟"

"شفا پیدا نخواهد شد مگر وقتی دارو وارد شکم شود. هیچ چیز حاصل نخواهد شد مگر وقتی کتاب مقدس خداوار قلب شود."

او این شعر را خواند: خواندن زبانی را هر کس انجام می دهد. خواندن قلب کاری می کند اما تائید قلبی فقط از عشق بر می آید.

دوستان لسانی ماچه میدانند.

پس از اتمام نماز م در مسجد داده اند در بار، من متوجه مردی شدم که کفش موئین را جفت می کرد. احساس کردم که او فقط کفشها هارا جفت می کند اما نمازنی خواند. وقتی بیرون می رفتم، به او گفتم "تو که نمازنی خواندی از خدا چی می خواهی با جفت کردن کفشها؟" او گفت "من هیچ وقت در عمر نمازنی خوانم حالا برای نمازهای خوانده ام در این سن زیاد از خدا چه میتوانم بخواهم؟ امیدوارم بین این همه نمازگزار یک دوست خدا وجود داشته باشد و شاید خدا خودش از این عمل خوشحال شود." من به او گفتم که هیچ کاری بهتر از عبادت نیست. سپس او جواب داد "هیچ چیز بالاتر از او، دوست (خدا) نیست، امید است که انسان بتواند اورا خوشحال کند." سه سال بعد وقتی اعتکاف روحانی من تمام شد، یک روز سفر آسمانی (روحانی) کردم به مجمع پیغمبران باز هم اورا دیدم که در پای معثوقان خدا نشسته. در آن موقع این شعر را بیاد آوردم.

گناهگار به درگاه الهی رسید

عابد و عفیف به نظاره ایستادند

معرفی شخصی حضرت والا گوهر شاهی

حضرتش در کشور هندوستان در ۲۵ نوامبر ۱۹۳۱ اشہر کوچک گوہر شاه در استان راولپنڈی بدنیا آمدند. مادرشان فاطمی است از ذریه‌های، حضرت محمد بود او دختر کی از نوه‌های سید گوہر علی شاه است. پدر حضرت از احفاد کی از (از طرف مادری) نوه‌های سید گوہر علی شاه و پدر بزرگش به خانواده مغولان میرسد. حضرتش متمایل به مقبره ولی بود از همان اوایل زندگی. پدرش می‌گفت که او از سن چهار پنج سالگی گاه‌گاه غیب میشد و بعد اور ادرکنار مقبره ولی نظام الدین اولیا در (دہلی) میباختند. پدرش می‌گفت که او بنظر میر سید که با حضرت نظام الدین اولیا صحبت می‌کرد، این موقعی که پدرش در دہلی سکونت داشت.

در ماه مارس ۱۹۹۷، حضرتش به هند مشرف شدند و (در طول این زمان) او به مقبره نظام الدین اولیا، میرفت از طریق (روحانی) نظام الدین اولیا، مختلف حرم اسلام الدین نظامی (کی از اخلاف نظام الدین اولیا). افتخار داد به حضرت بانوار افتخار، بر دور سر ایشان نزد یک محل سر مبارک در مقبره.

آنچه حضرت از ابتدای جوانی میگفت، اتفاق می‌افتد و باید دلیل هر چه میگفت پدرش انجام میداد. پدرش میگوید، "گوہر شاهی"، طبق روال روزانه هر صبح به حیاط خانه می‌آید و با آدمنش من به احترام او برمی‌خیزم، او میگوید که حضرت گوہر شاهی از این کار من عصبانی میشود و میگوید او پسر من است از این موضوع خجل میشود. من هر دفعه به او میگویم، "این بخاطر تو نیست، بلکه بخاطر خدا است که در درون تو زندگی میکند". من به احترام او برمی‌خیزم.

رئیس مدرسه شهر نوری میگوید، من بعنوان یک معلم سخت گیر شهرت داشتم و من بجهت شاگردان را تنبیه می‌کردم، او (حضرت گوہر شاهی) دیر بمدرسه می‌آمد. وقتی به او عصبانی میشدم و بخواستم اور اتنبیه کنم احساس می‌کردم که کسی چوب مرآگرفته و باین ترتیب من متبعنم میشدم.

مطالبی از خانواده و دوستان حضرت گوہر شاهی

"ما هرگز نزدیدیم که با کسی دعوا یا جدال یا بحث کنده یا کسی را بزنده، و اگر دوستی از او عصبانی میشد.
ومی آمد که با او دعوا کند، آنرا با خنده رد می‌کرد."

زوجه حضرت میگوید: در محله اول هرگز عصبانی نمی‌شود و اگر هم بشود خیلی به ندرت است آن در باره یک امر رزشت و قبح میباشد. در باره سخاوت آن حضرت، او میگوید "صحیح وقتی یرون می‌رود جیب بش پراز پول است وقتی بر میگرد و خالی است" - او تمام پول را بمحاجین می‌دهد، وقتی من پول می‌خواهم قیافه در هم میکشد و این مران راحت می‌کند. سپس او به قیافه مظلوم شوهر شنگاه می‌کند و این بیان می‌کند "اوقلبا خیلی تنی است، او در حالی میشنید که همه چیز را داده است".

پس از حضرت گوهرشاهی و نظرات آنها درباره او: "او مارا بسیار دوست دارد و موافقت زیادی از ماجمل می‌وقتی پول می‌خواهیم کمی بمامیده، و می‌کویید که شاپول را تلف می‌کنید" - سپس مایه او می‌گوییم مارا به لباس درویشان درآورده یا بهما پول بدهد.

مادر حضرت گوهرشاهی و نظرات او: وقتی بچ بود و بعد از اتمام تحصیلات اگر ضروری به او مخوردمن اور اسرنش می‌کرد اما او هچگاه سر بلند نمی‌کرد - شخص منی بنام "کله میان" از دیگده شش معمولی گفت، ریاض را سرنش نکنید، شما آنچه من در درون او می‌پننم بینید - او آنقدر به دیگران رحم و شفقت دارد که اگر می‌شنید یک اتوکس خراب شده دوازده مایلی آنجا، او برای آنها غذ اتهیه می‌کرد - و با دوچندین برایشان می‌برد.

دوست نزدیک حضرت گوهرشاهی، محمد اقبال اهل فزویلیان: محمد اقبال می‌کویید که آنها (حضرت و اقبال) وقتی در لجز ازی در باران راه میرفتد و صفات مورچه هارا دیدند که بر اهشان میرفتد - اور اخود را در لجز ارکج کرد و دور کرد تا مبارا به مورچه ها صدمه بخورد - وقتی به حضرت اتهام قتل زدن، قدوس شیخ آمد تا در موضوع رسیدگی کند - افراد محلی گفتند که حضرت حتی به مورچه ای آزار نمی‌رساند چه به اینکه انسانی را بقتل رسانده باشد -

حضرت گوهرشاهی و عمه اش: حضرتش می‌کویید "خیلی پیش"، من داش آموز کلاس هشتم بودم که روزی عمه ام که خیلی اهل عبادت بود او (حد)، حرص که اغلب در میان عبادت کنندگان روانج دارد) را دارا بود، گفت که همه چیز من خوب است الا که من عبادت نمی‌کنم، "من گفتم به عمه، عبادت ہدیه یا ایست به خدا، و نمی‌خواهم عبادت مرا همراه کنم با خست، بدجنی، تکبر، حسد و آزار بطرف خدا بفرستم" - من او گفتم وقتی نماز می‌خواهم که درست و صحیح باشد نه مثل نمازو، که نمازو را بجامی آور دو در عین حال گناه زشت انجام می‌ده مثل غیبت، تہمت و آزار دیگران -

حضرت گوهرشاهی درباره پچگی خود صحبت می‌کند

"از ده دوازده سالگی عادتاً با خدا در حالت رویا صحبت می‌کردم و بیت المعمور (کعبه) را می‌دیدم و می‌ازیختم آن بی اطلاع بودم - بعد از اتمام اعتکافم - وقتی همان روابط، دیدار و منظره دوباره آمد، حقیقت آنها آشکار شد" -

من عمومی داشتم در ارش که به فاحشه خانه می‌رفت - خانواده اش اور از اینکار منع می‌کردند - روزی مرابا خود برد، در زمانیکه سوء ظن کسی را بر نیا نگیزد (از تصمیمیش) من پیچ آشنایی با فاحشه خانه و فوایش نداشتم - امقداری چای و پیسکویت بمن داد (تامر اسر گرم کند) و خودش تنها آنجامی رفت - او بمن گفت، این اداره ایست که زنان در آنجا کارمی کنند، من کم از آنجا خسته شدم، وقتی عمویم به من گفت "آنها زند و خدا آنها را به این منتظر آفریده" - او می‌خواست که مرانیز بیالا ید - حرف عمومیم مرآ آزرد، من تمام شب را خوابیدم و با نفس جنگ کردم و ناگهان بخواب فرم -

من جای بلند و داریه شکلی را دیدم که در زیر آن ایستاده بودم. صدای بلند از آن بالا شنیدم "اورا جلو بیا ورید" دیدم دونفر عمویم را گرفتند و اورا جلو بردنداشته به او گفتند، خودش است.

صدادوباره شنیده شد "اورا باشلاق های آهنی بزنید" - آنها شروع کردند به زدن او شروع به فریاد کرد و ناگهان چهره اش شبیه خوک شد. صداسپس رو به من گفت، "اگر تو هم با او همراه شدی مثل او با تو معامله خواهد شد" - من تو به کردم و طلب بخشش کردم و از خواب بیدار شدم در حالیکه این سخنان را بر لب داشتم، "خدایا توبه کردم، خدا یا توبه کردم" - تا شیر آن تا چندین روز در من اثر گذاشتند بود.

روز دیگر، با توبوس به دهکده ای می رفتم - دیدم که چند وزد دارند ضبط صوت یک تاکسی را می دزدند - وقتی راننده مقاومت کرد، کارد بیرون آوردند، به او حمله کردند و اورا کشتند - بادیدن این موضوع توبوس ایستاد، بادیدن ما، دزد ها فرار کردند - راننده مرده جلوی چشم های ما، فکر کردم که زندگی آنقدر بی اعتماد است - به رخواب رفتم و این شعر در وجود من انعکاس داشت - "خدایم گناهان مران بخشش، من آمده ام تا در محضر تو بیفتم" - همه شب را باناراحتی گذراندم - چند وقت پس از این حادثه، من از دنیا دست شستم و به مقبره ولی جام داتار رفتم - در آنجا نیز تسبیین نیافتم و برادرزاده ام مرادوباره بزرگی باز گرداند.

در سن سی و چهار ولی بری امام در جلوی من ظاهر شد و گفت، "اکنون دوباره زمان برگشت توبه جنگل است، پس از سه سال گوشه گیری وقتی به چیزی دست یافتیم، به مقبره جام داتار برگشتم - ولی (از قبر بیرون آمد) و در جلو من ظاهر شد - من به او گفتم، "اگر تو مر را پذیرفته بودی وقتی قبل اپیش تو آمد من از زندگی شهواني نجات یافته بودم (آنچه قبل از رفتن به جنگل با آن دست به گریبان بودم) - ولی جواب داد" انوقت وقتی نبود" -

حقایقی چند درباره شخصیت آسمانی حضرت ریاض احمد گوهرشاهی

در سن ۱۹ سالگی، موجودروحانی، "جسے توفیق الہی" بہ حضرتش در ارتباط قرار گرفت و یک سال ادامہ داد، حضرت لباسش را پارہ کر دنواری از آن را بے دور کمرش بست و به جنگل جام داتا تارفت آن موجودروحانی موقتاً بہ احوالصال پیدا کرد. چهارده سال ازا دور شد. و سپس آن علت برگشتش بہ جنگل لعل باغ شد در سال ۱۹۷۵.

در سن ۲۵ سالگی، "موجودروحانی گوهرشاهی" بہ مقام عالی رسید، و فرمانده نیروی احتمالی گردید. و در نتیجه از بدیهیا و سوسه ہائی شیطان و شیاطین انسی در امان ماند. موجودروحانی "جسے توفیق الہی" موجودروحانی "طفل نوری" خیلی مخصوصند و از ارواح دیگر بالاترند. ملاسک مقرب و موجودات روحانی (معمولی قبلی ہامش فرشته مغرب رابطه مستقیم با خداوندو جایگاه آنها احادیث است).

در سن ۲۵ در شب پانزدهم رمضان سال ۱۹۷۶ یک دانہ (موجود) از نور در قلب حضرتش ریشه دواند. چند وقت دیگر برای تعلیم و تربیت (حضرتش) بہ بسیاری از عوالم و فضای با دعوت شد. در پانزدهم رمضان ۱۹۸۵، آن خشم روحانی نور تبدیل شد بہ موجودروحانی "طفل نوری" - آن کاملا بہ او (حضرتش) تسلیم شد و بہ این دلیل او مفترشد و دعوت شد بہ عالی ترین "جمع پیغمبران" و تاج افتخار بر سر او قرار گرفت. "طفل نوری" بعد ازدواج و سال بہ این درج رسید اما بہ افتخار رسید در متنه سال بواسطه و ظائف جهانی.

دلائل تشکیل مراسم روز "موعده انتقام حضرت ریاض احمد گوهرشاهی"

در پانزدهم رمضان ۱۹۷۷ امر اسم "الہام خاص" از طرف خدابه حضرت شروع شد. قول "راضیہ و مرضیہ" بہ انجام رسید و حضرتش بہ این مقام منسوب شدند. چون ہر درجہ و مرتبہ و صعود مقام ہمہ مربوط پانزدهم رمضان میشود، آن روز بہ این دلیل عیدگرفتہ میشود.

در سال ۱۹۷۸ حضرتش بہ حیدرآباد تشریف آوردند و مراسم رہبری و تعلیم شروع شد، و پیغامش سرتاسر بہ دنیا مخابرہ شد در جلو پشممان، ما قلب بسیاری از خواہان مقامات بالا تکفراں و ذکر باری تعالیٰ را ادامہ میدہند و بسیاری از آنها اسم خدا در قلبشان نقش بسته۔ آنها میتوانند نام اللہ را کہ برداشان حک شدہ ببینند. بسیاری از مشتاقین بہ نور (صفای قلب) میرسند. دیدن قبرہا، (از آنها میتوانند داخل قبر را ہم ببینند)۔ و دیدن اجتماع پیغمبران (کہ بعضی تو استند در جمیع آنها شرکت کنند)۔ حضرت بسیاری از بیماران را بابیرون راندن مرض از بدنشان شفاد ہند.

پس از دریافت تعلیم و راہنمائیها از حضرت ریاض احمد گوهرشاهی، مردم از ہر نژاد عشق بخدا را یافتد۔
و بہ اصل و ریشه خدار رسیدند۔

"قلم بہ خدامن ہم از آن مردمان هستم کہ نام اللہ بر قلبشان نقش بستہ و می دزند"۔
شیخ نظام الدین (میری لاند، ایالات متحده امریکہ)

توضیح کامل راجع به تصاویر روی خورشید و ماه حضرت والا گوہرشاہی

سخرا نیها کردند و در سهایی اموختند درباره عشق آسمانی سرتاسر دنیا - و این شهرت جهانی برایش به ارمغان آورد.

در سال ۱۹۹۲ء میتوسط، انگلستان، بسیاری از مردم به تصویر حضرت در ماه اشاره می کردند - بنابراین مشاهدات شاهدین بسیاری گزارش شد از بسیاری کشورها - تصاویری از ماه بوسیله وسائل ویدیویی برداشته شد - تصاویری از ماه برداشته شد از کشورهای مختلف و آژانس فضایی ناسا (NASA) - در ابتداء تصویر چهره روی عکسها کاملاً اشکار بود - مدت دو سال تصویر روی ماه آنقدر آشکار است که میتوان آنها را بدون دوربین یا وسائل کامپیوتری مشاهده کرد -

در سال ۱۹۹۷ء نماید و مسن ظفر حسین به این موضوع در ناسا (NASA) اشاره می کند - آنها می گویند که آنها از تصویر حضرت در ماه آغاز هستند - اما آنها می گویند این تصویر از آن مسح می باشد - که در شکل دویست مایل طول، نوری نقش بسته - آمریکایها هم از NASA درخواستند تا درباره این موضوع توضیح کامل بدهد -

NASA از توضیح کامل آن طفره رفت زیرا حضرت از آسیا هستند - بعلاوه، پروفسور پیغمور آلتر یک مطلع NASA در کتابش فضائی تصویری آن ادعای اراده دوگفت آن تصویر یک زن میباشد - پس چنین شایع شد در بین فرستادگان مسجی که آن تصویر یک زن میباشد - پس چنین شایع شد در بین فرستادگان مسجی که آن تصویر از "حضرت مریم مقدس" است - پس از اینکه وسیله ارتباط جمی این موضوع را فاش کرده اند پاکستان بسیاری از مردم آنرا بعد از بررسی های کامل پذیرفته بغضی از مردم، بدون تحقیق کامل یا بررسی آنرا به مضمون گرفته و بسیاری آنرا سحر انگاشته اند - چند وقت بعد تصویر روی فضابدهان ها افتاد - اما اهمیت این موضوع بیشتر میان پیروان حضرت گوہرشاہی مورد قبول واقع شد - در سال ۱۹۹۸ء، یک گزارش در روزنامه پرچم (پاکستانی، کراچی) منتشر شد که تصویری روی سنگ مقدس حجر الاسود دیده شده -

من قبل راجع به این تصویر میدانم - من تصاویر بسیاری از سنگ را داشتم که بر روی آن تصویر وجود داشت و مشخص شده بود - تقریباً تمام مریدان حضرت گوہرشاہی درباره آن تحقیق و مطالعه کرده بودند - لیل سکوت من درباره این موضوع جلوگیری از اختلاش میان مسلمین بود، اما بادیدن این گزارش در روزنامه تشویق شدم بعداً - مطابق راجع به این موضوع چاپ و تکثیر شد و بین همه توسعه گردید - تقریباً تمام مسلمان دست به تحقیق زدن چون مطلبی بود مر بوط بدین خودشان -

بیشتر مردم این مطلب را قبول کردند چون تصویر روی سنگ آنقدر واضح بود که نمیشد آنرا انکار کرد - به این دلیل بسیاری از مخالفین انتشار دادند که آن تصویر سحر است - تقریباً در هر کشوری، تصاویری از ماه و حجر الاسود معرفی شدند - عربستان سعودی و محمدانی ششمکین شدند - مثل اینکه حضرت گوہرشاہی خود با داشت خود تصویر مبارک را روی حجر الاسود قرار داده بودند - آنها اعلام کردند که ظهور چهره روی سنگ و عکسها غیر قانونی است و بنابراین چگونه چهره ای میتواند روی حجر الاسود ظاهر شود دولت عربستان یک حکم قتل برای حضرت گوہرشاہی دریافت کرد از محله

شریعت -

واینکه اگر حضرت قدم به مکه بگذرد حکم قتل او صادر شود - حتی در پاکستان گروههای حامی عربستان در صدد دندتا حضرت را به قتل برسانند و تعلیمات او را از بین ببرند و بسیاری قصد جان حضرت را کردهند.

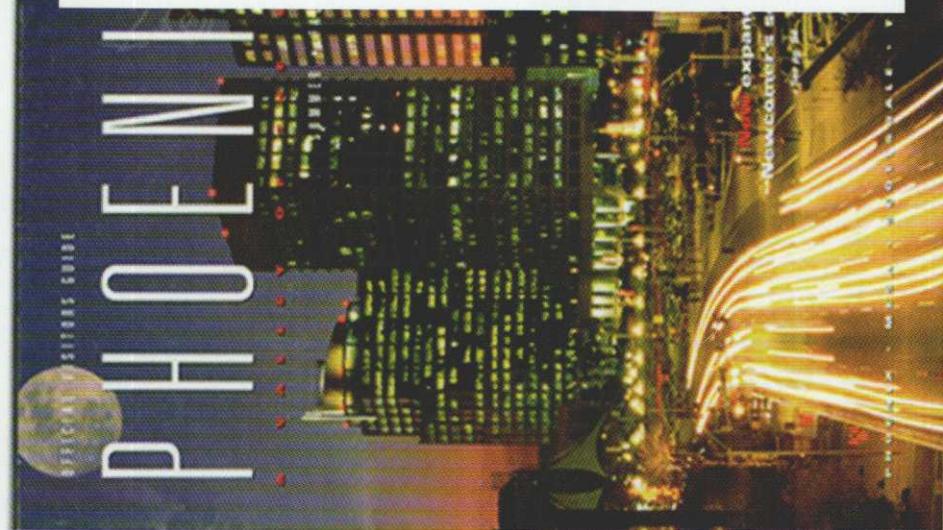
تصویر حضرت گوهرشاهی حتی در خورشید هم دیده شده

من بارهای دولت پاکستان اعلام کرده ام علت پروندهای دروغین بر علیه خودم را از دولت خواسته ام تا تحقیق کنند موضوع تصویر را - این تصویر و علامات خدایی از طرف دولتها بخاطر فرقه گرامی مردو داعلام شده بعلاوه دولت نواز مجبور کرد حکومت محلی سندراتا دستگیر و نابود کنند حضرت گوهرشاهی را یا از محل براند بھروسیله ممکن - من آنون با حکومت نظامی پاکستان در تماش هستم - من از آنها تقاضا کرده ام که این علامات ایم را مورد مذاقه قرار دهند بدون هیچ پیش داوری و بدون ترس از هرگروه و این علامات فرستاده شده از طرف خدار اخطله نکند - چون تعلیمات حضرت گوهرشاهی بر اساس عشق خدایی و صلح است با این تعلیمات، موئین به هر دین شروع به انقلابات فکری در میان خود کرده اند - بعلت احترام عیقق که برای حضرت گوهرشاهی قائلند - هندوها، سیک‌ها، مسلمانان، مسیحیان و یهودیان همه با هم به اتحاد رسیده اند - این یک حادثه غیر متوجه است، که بوسیله آن حضرت گوهرشاهی (که ظاهرش) مسلمان می‌نماید محترم و معزز گشته و از ادعوت بعمل آمده که در کلیساها سخرانی کند - همچین در معابد گرددوارا - این چنین شخصی باید تشویق شود، چون مایه افتخار کشورش هست و کسی که خدا اور امعرفی مینماید - برای اثبات حقایق و علو آسمانیش، خدا آن علامات رامیغ ستد - تابا کرامات روحانیش مردم به نور قلبی بر سند، با اسم خدا و محبت واقع شوند (محبت الله) داشمندان و گروههایی که دشمن اولیاء هستند و دشمن خاندان محمد همه با هم بر علیه حضرت متخد شده اند -

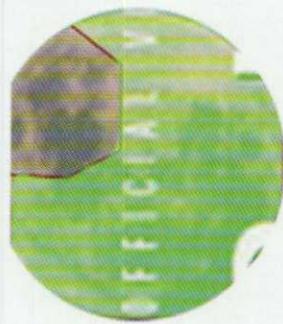
توجه عامده از ججرالاسود برگردانده می‌شود بر اثر تحریکات اتهامات دروغین - نقشه‌های بی اساس - و تبلیغات منفی درباره حضرت گوهرشاهی در حالیکه این یک مسئله هم و حساس است، زیرا ایمان مسلمانان درکل در خطر قرار دارد - پس چرا همه در این باره پافشاری نمی‌کنند؟ هم تبلیغات ثابت و هم منفی در این باره وجود دار و در همجه جهان - درباره ججرالاسود، آنون پوشاندن و نادیده گرفتن این موضوع غیر ممکن است -

از طرف دیگر، داشمندانی که به اولیاء عقیده مند می‌باشد درباره حضرت گوهرشاهی کروکورمانده اند و بی تقاضا بخاطر دشمنی و حسد با حضرتشان - تصویر آنقدر قابل رویت است که تقریباً غیر ممکن است که آنرا نادیده گرفت - این مردم می‌گویند که کره ما، هم آنون منبع سحر و افسون قرار گرفته، در حالیکه حضرت محمد فرمودند که ما نمی‌توانیم منبع سحر قرار گیریم - داشمندان می‌گویند ججرالاسود هم، تحت تاثیر سحر افسون قرار گرفته - حال سوای مطرح می‌شود که اگر ججرالاسود میتواند تحت تاثیر سحر قرار گیرد پس مسلمانان چه جائی رامیتوانند برای خود نگهدارند؟ برای جواب به این داشمندان، آنها مثال می‌آورند که حتی خود پیغمبر هم از دست تاثیر سحر در امان نماند و کعبه مقدس از خود حضرت محمد بزرگتر نیست - در حقیقت یک بار حضرت محمد تحت تاثیر سحر قرار گرفت اما یک آیه، سوره والناس برای رهایی او از آن نازل شد و از اثر آن سحرنجات یافت - داشمندان مخالف میتوانند همان آیه را بخوانند و بر ججرالاسود بدمندو بر ما و اگر تصویری ها از بین نزفتهند و بلکه واضح تر شدند آنوقت باید حقیقت را قبول کنند، در غیر این صورت باید قبول کنند که تحت تاثیر پدر نادانی (ابو جہل) قرار گرفته اند -

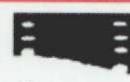
در پشت جلد مجله آمریکایی عکسی است از فیلیكس مرکزی تصویر
حضرت گوهر شاهی بروشی قابل رویت است روی ماه همانطور که نشان داده شده



Official Visitors Guide, Summer * Fall 1996



لطفاً متن نامه عکاس را بخوانید
من تصویری گرفتم از قسمت مرکزی
شهر فیلیکس که در ماه تصویری از کنار
صورت یک انسان بوضوح دیده میشود
در حالیکه دیده شود با زاویه ۹۰ درجه


SCOTT

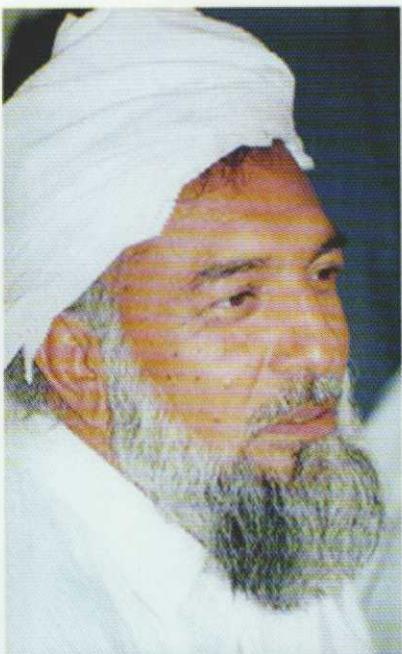
1940 N. 6TH STREET
DOOTSONE, AZ 85214
(602) 766-3455

Mr. Syed Shah
3401 N Columbus # 50-P
Tucson AZ 85712
8-1-00

Dear Syed,

Please find (4) color duped transparencies and one 8 x 10 reprint you expressed interest in having during your visit to Phoenix Monday July 25, 1995. As discussed, the enlargement of the moon, which I photographed over downtown Phoenix in February 1995, does have a chance of a man in profile when viewed rotated 90 degrees counter-clockwise. I hope you enjoy the reprint and slides. If you have any questions or comments concerning the material or wish more images please feel free to call me here in Phoenix at (602) 766-3455.


Scott Thomas

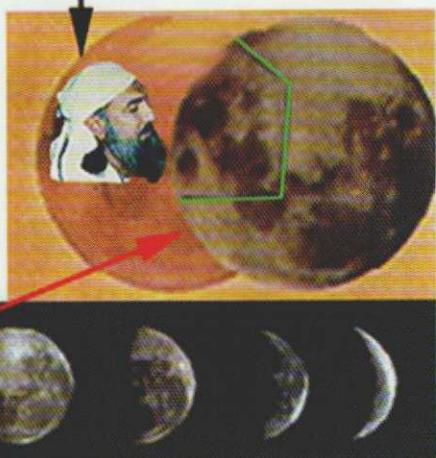


حضرت گوہر شاہی



ماہ

239



The Moon's rotation is locked to its period of revolution around the Earth, and so we never see its far side, but photographic from space have revealed a similar picture there, although there appear to be no large craters.

CRESTED AND RAY SYSTEMS

If you use a pair of binoculars or a small telescope to look at the Moon when it is near full, you will see the bright crater known as Tycho, which is surrounded by a system of rays. With some careful inspection, you will see that some of these rays stretch all the way to the opposite edge of the Moon. When a comet or an asteroid passed this crater, possibly 60 million years ago, it ploughed out a piece of Moon

material, and to see this, it took only a few seconds on the day—once every 27 days. This time reflects the rotation of the Moon and the Moon's revolution around the Earth.

On the far side when the Moon is full, but at other times there cannot be seen because you will see a sunlight cone between its bright and dark portions. Known as the terminator, this is a region of changing shadow, where certain and increasing ranges stand out in stark relief. Regular observers of the Moon study the same area in many different lighting conditions in order to appreciate the numerous day.

and night sides of the Moon, a high tide on the day—once every 27 days. This time reflects the rotation of the Moon and the Moon's revolution around the Earth.

On the far side when the Moon is full, but at other times there cannot be seen because you will see a sunlight cone between its bright and dark portions. Known as the terminator, this is a region of changing shadow, where certain and increasing ranges stand out in stark relief. Regular observers of the Moon study the same area in many different lighting conditions in order to appreciate the numerous day.

FACT FILE

Distance from Earth:
238,000 miles (384,000 km)

Sidereal revolution period (about Earth): 27.3 days

Mass (Earth = 1): 0.012

Radius at equator (Earth = 1):
0.272

Apparent size (1 arc minutes)

Sidereal rotation period (at equator): 27.3 days

Everyone is a man and has a dark side which he never shows to anybody.

God and What's His Name
Muhammad Ali, 1992
American writer

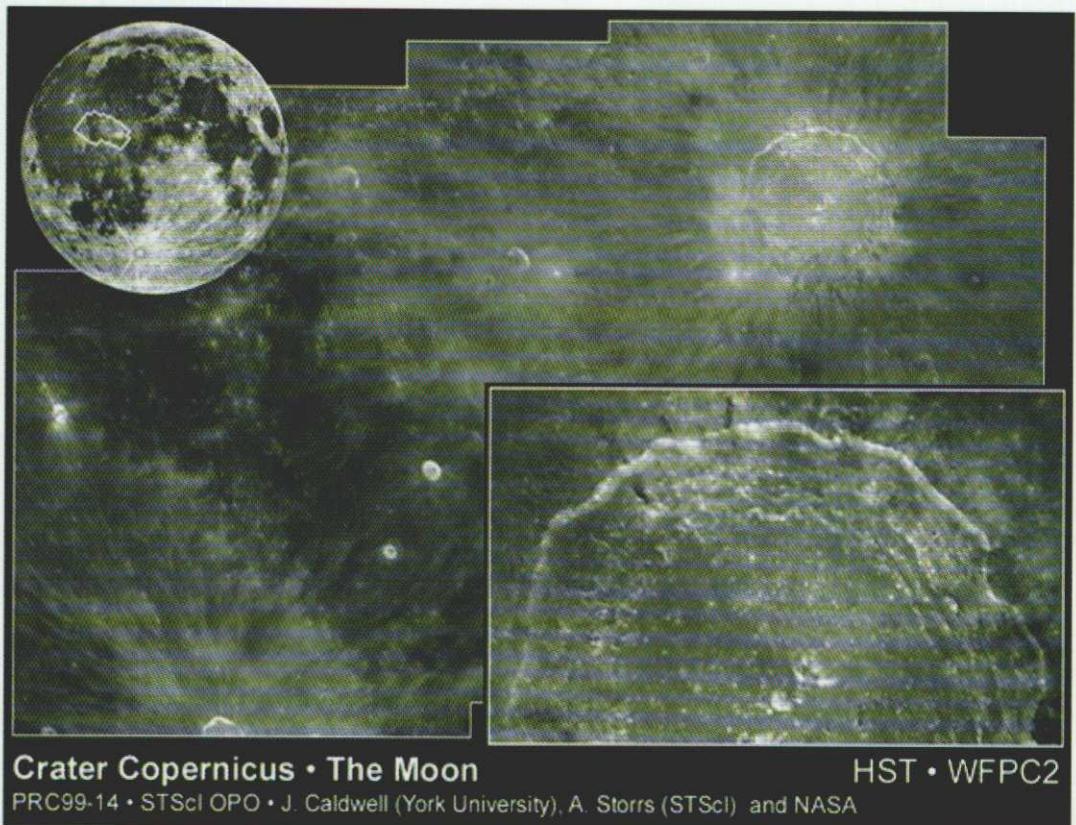
THE MOON

تصویر های مختلف از حضرت گوہر شاہی



تصویری از ماه توسط NASA

<http://oposite.stsci.edu/pubinfo/pr/1999/14>



توضیحات بیشتر درباره این عکس را میتوانید در

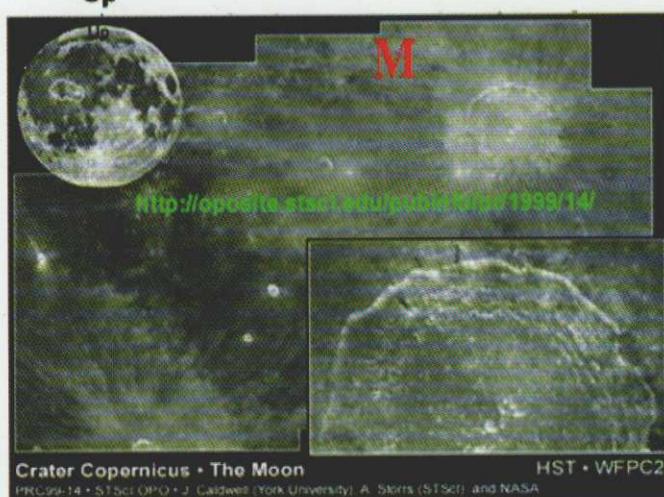
صفحات بعدی بیابید

خدا گفت: ما علامات خود را بزودی نشان خواهیم داد، در جهان و در

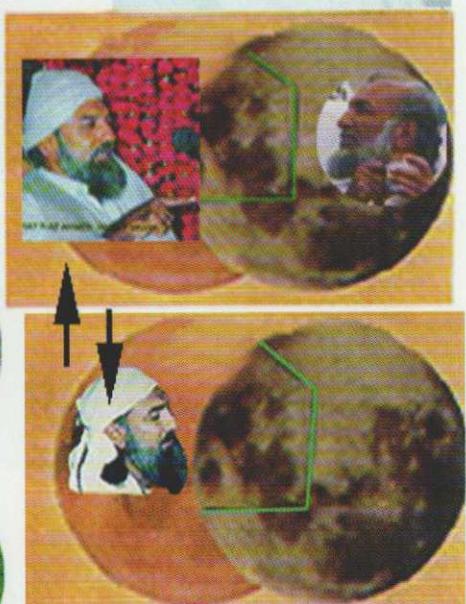
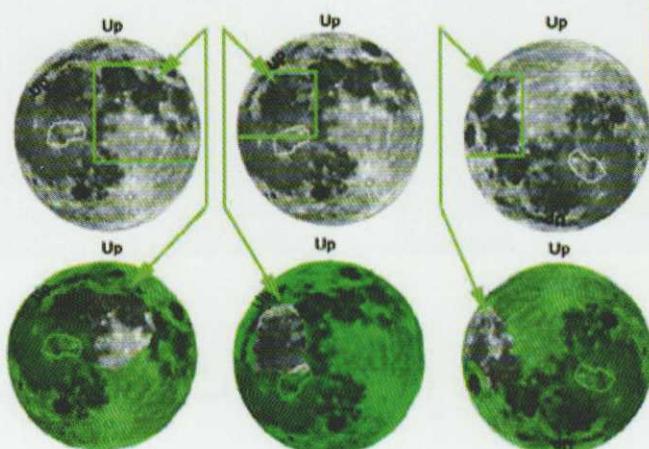
درون خودتان تا اینکه باور کنید که آن حقیقت دارد

برای دیدن علامتش به آسمانها نگاه کنید و در فضا

علامت از آن کسیست که از شرق می آید (اقبال) **Up**



حضرت گوهر شاهی



ماه

با گردن داندن تصویر بر خلاف گردش ساعت

تصویر بخوبی دیده میشود

Plate 15-3. Phase of the moon (page 60)

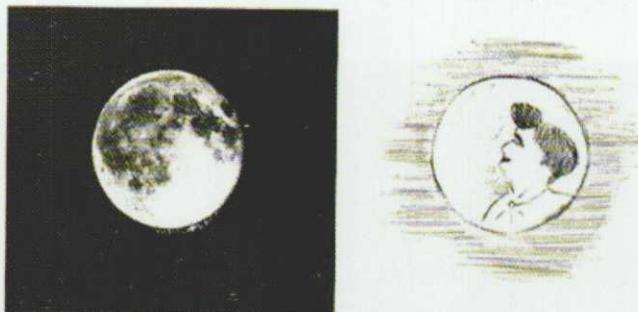


PLATE 15-4. The Lady in the Moon. If the page is held at arm's length, the drawing on the right will help you find the lady in the photograph of the moon on the left. To find her in the sky, look at the moon when it is full or during a few days before full moon. (Page 64)

by
PICTORIAL ASTRONOMY DINSMORE ALTER and CLARENCE H. CLEWINSKAW

DINSMORE ALTER, Ph.D., Sc.D.
Drew

CLARENCE H. CLEWINSKAW, Ph.D.
Associate Director

GRAYTH OBSERVATORY
CITY OF LOS ANGELES

All rights reserved. No part of this book may be reproduced in any form, except by a reviewer, without the permission of the publisher.

Library of Congress Catalog Card Number 56-7639

Manufactured in the United States of America

678910



(1)



(2)



(3)

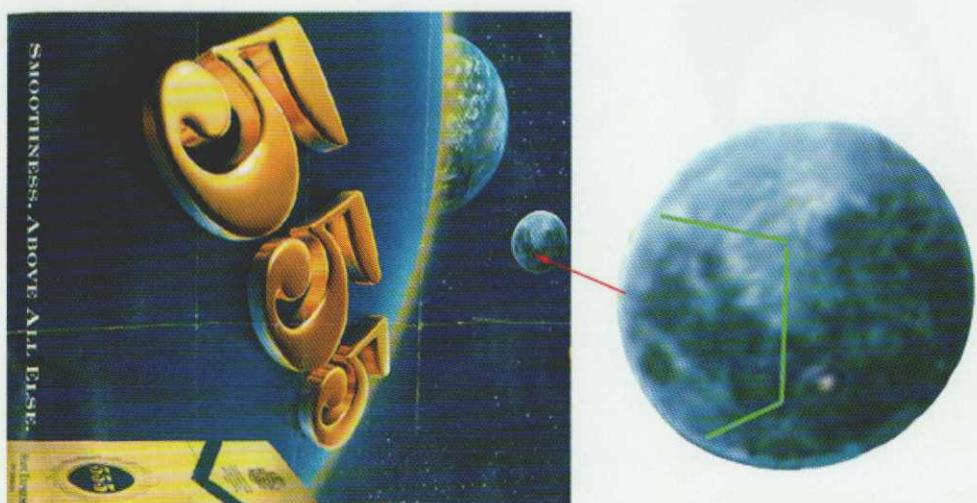
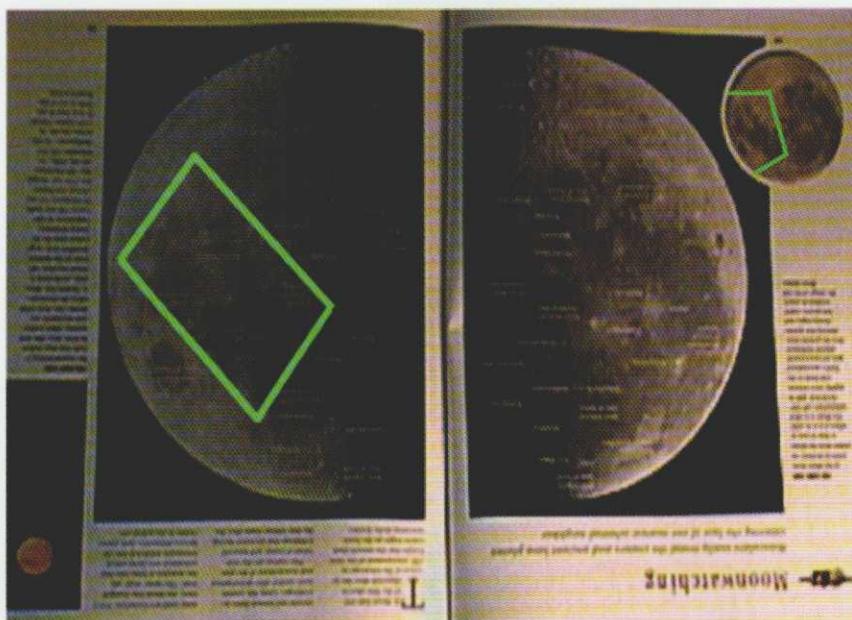
این تصاویر از کتابی که در بالا به آن اشاره شده برداشته شده است

وقسی مردم در ایالات متحده دریافتند که تصویر روی ماه شخصی است از اصل آسیابی، صورت‌تاً یک مسلمان شبیه است از آن بعد تصویر برگر دانده شد. تصویر بالا (۱) تصویر اصلی است از ماه، تصویر دوم ماه است. قسمتی از صورت و ریش تغییر داده شده تامبا در سر نشان داده شود بجای صورت. صورت تغییر یافته نشان میدهد چهره را که کاملاً اصلاح صورت کرده. تصویر (۳) بالا نشان میدهد که دیسمور تصویر داشت که معروفی کند مثل یک زن. به این منظور که مردم تصویر کنند که آن تصویر مریم مقدس است.

هر مندانه چانه کوچک شده و گلو خط دار شده و چشم طولانی شده. علامت خدا ساخته که

تغییر داده شده خوب نیست زیر اینها بزودی در سرتاسر جهان آشکار خواهد شد

تصویر ماه در مجلات و مقالات که توسط شرکت های مختلف ارائه شده

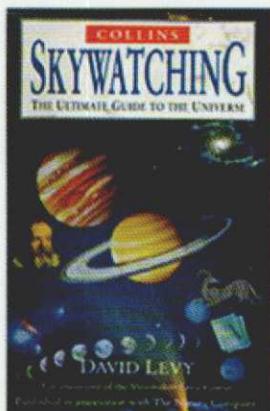


هر گاه در شرق هستید یا در غرب سعی کنید از ماه عکس بگیرید با دوربین
عکاسی خود تان از هر زاویه و شما این تصاویر را خواهید دید، سپس به چهره
مربوط روی ماه نظر کنید

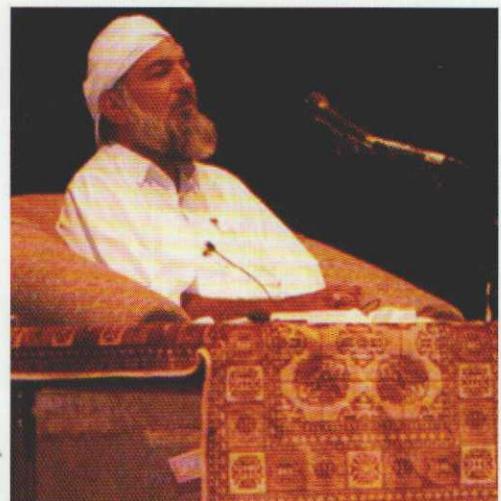


مثال های دیگری از عکس های ماه و روی انها تصویر

حضرت گوهر شاهی پیدا است



صفه ۲۳۵ از آن در اینجا نشان داده شده



تصویر برداشته شده از خورشید توسط NASA



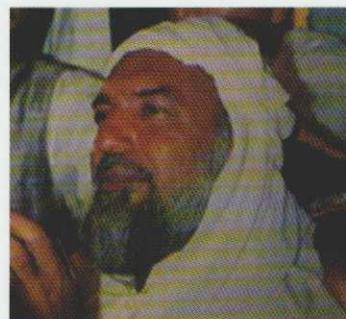
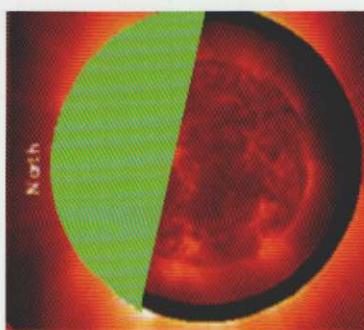
تصویر خورشید، بچر خانید به جهت ساعت
تا تصویر حضرت گوهر شاهی را بینید



مقایسه تصاویر حضرت گوهر شاهی

تصویر خورشید از NASA که تصویر حضرت گوهر شاهی

بخوبی دیده میشود

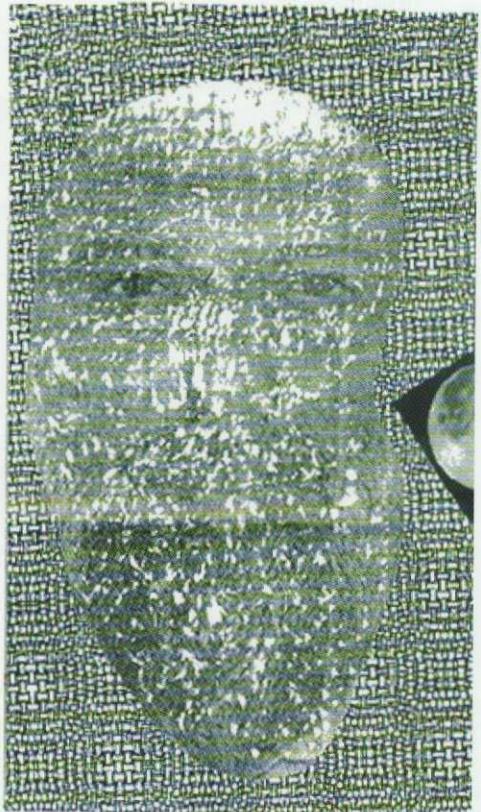


در حقیقت ماه و خورشید علامت عظمت شمار انشان می دهد

با وجود این دلیل حقیقت شما در وجود تان در قلب من است

يونس الگوهر

چیز ایدیئر - سهیل اختر



NASA FINDS MASSIVE FACE IN SPACE!

NASA has released a shocking photograph that clearly shows a gigantic face floating in distant space!

The breathtaking photo was taken during the shuttle mission in late February — but experts aren't sure where it originated.

"This is plainly the image of a man's face far, far off in the universe," said astronomer Isaac Hawkins of Atlanta, Ga.

"Whatever this is, it is clearly enormous. We estimate it is as large as 150 of our suns," Hawkins said. "For something this size to go undetected during our previous years of space exploration is virtually impossible."

The only explanation is that it somehow has an ability to appear and disappear at will, which would make it unique."

The face was visible to shuttle astronauts during only a 12-min. unperiod.

"When it came into view it startled astronauts," Hawkins said. "A couple of them at first thought they were hallucinating."

By WHITNEY ASQUIN

World World News

"But when they transmitted the photograph of the face, everyone at NASA realized this was a major space discovery."

Making the mystery even more mind-boggling is the way the face faded away into the darkness of space.

— Astronomer Isaac Hawkins

ASTOUNDING NASA photo of

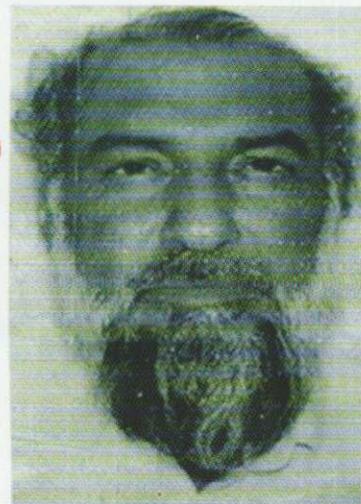


این تصویر حضرت گوهر شاهی است در حقیقت وجود روحانی

خاص که بعنوان طفل نوری شناخته میشود

فقط تعداد کمی از زهاد هستند که دارای این موجودیت میباشدند

در بسیاری از کتابهای تصوف به این موضوع اشاره شده است



حضرت گوهر شاهی

چهره انسانی روی حجر الاسود کشف گردیده (در مکه عربستان سعودی)

A human face is discovered on the black stone (Hijr - e - Aswad) in Makkah, Saudi Arabia.

Sheikh Hamad bin Abdallah
Spiritualists in Makkah say that
this is the face of Imam Mehdi
(Al-Muntazar)

Daily Parcham
Karachi,
Pakistan
26th May 1998



Computer Report from Pakistan
APTECH CENTRE

THE DRAWDOWN OF COMPUTER IN PAKISTAN

"Please do read the news item published in 27.05.98 and 28th May 'The Good God' of May 1998 the Message - Month 0.0001. About the assumed existence of Riaz Ahmed Gohar Shahi. As in previous one few days back, We received this prediction from Computer Science that the message of Awareness will be sent through Computer Science a Picture of Face of the Reality. As per your news paper, by 1st May 1998 the many pictures of Imam Mehdi are displayed. But only One Personality with Child was recorded with in Register?" Ms. Atta Ahmad Gulzar Shahi"



It is said amongst spiritual circles around the world that in addition to his facial images appearing on the sun and the moon, the face on the black stone (Hijr - e - Aswad) in Makkah, Saudi Arabia, is that of Riaz Ahmed Gohar Shahi of Pakistan.



روحانی در مکه میگوید که این تصویر مهدی المنتظر است (شیخ حمد بن عبد الله)

حجراستور پر اسلامی شیوه علمائے امیں کمالی

بڑو قل زرائے کے مخابن کرائی کے جیو ملا، ایک معروف دارالعلوم میں سرپرداز کریمے رہے
شیر کا نظر، ایک عیتت ہے میں شریعت کی درس کے میں تدریجی پیاسی ہے
علماء حتمی فضیل پر مغلق نہ ہو سکے اور نکلواتی طور پر دو کروڑوں میں حصیم ہو گے
سوئی ہمارے فاطمی نہ را، ایک دوسری مدد کے بعد علماء سے بھروسہ ایسا مل کر رہے رامی



حجراستور پر اسلامی شیوه حجردار والیم اسلام انسانی

و شیر ای و ایچ ہے کے نہایت کے کلیں بھی بخوبی بھول و بھون کرنا ہے کہ یاد مسیحی طبقہ مذکورہ میں ہے

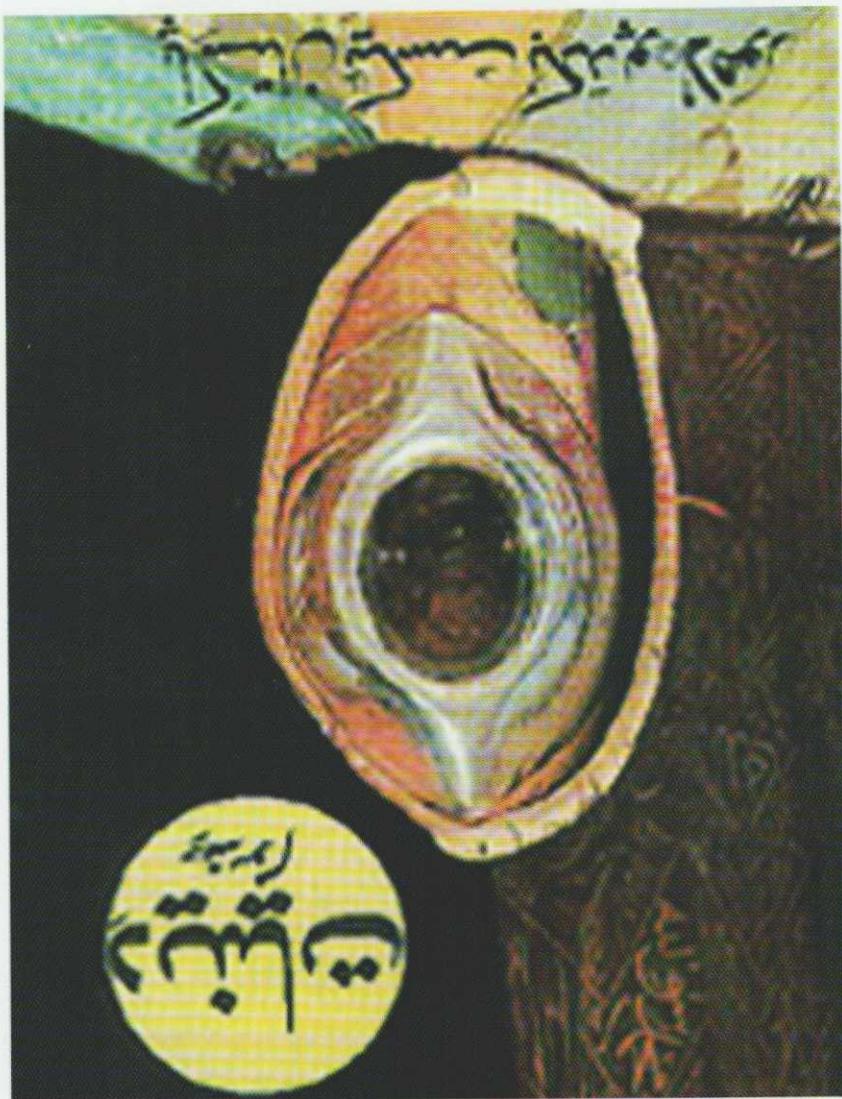


تصویر آنقدر واضح است که هیچکس نمی تواند وجودش را انکار کند
خیلی ها می گویند که تصویر از آن امام مهدی علیہ السلام است

کراچی (محاسب نیوز)

طبق فکس دریافت شده از کشور عربستان شیخ حمد بن عبد الله سخنانی در مکہ ایجاد کردہ اند، میگوید قبل از سفر حج علامات چهره انسانی بر حجر الاسود نمایاں بود. تصویر غالب شده است، بنا بر این از ابتدا دیده نمیشود اما با دقیقت کامل میتوان آنرا مشاهد کرد. شیخ حمد بن عبد الله میگوید که دو دلیل برای این تصویر میتوان تصور کرد. شاید آن طبیعتاً آمده باشد، یا شاید ہم ساختہ بشر باشد، چون حجر الاسود کاملاً محافظت میشود توسط مأمورین و همیشه تعداد بسیاری آنرا ازیارت می کنند در همه وقت، خیلی احتمالش کم است که کسی جرأت کرده باشد تا تصویری بسازد و بر آن نصب کند. این سؤال پیش می آید که اگر تصویر همیشه بوده پس چرا زیارت کنندگان حجر الاسود تا حال آنرا اندیده اند. تصویر آنقدر واضح و آشکار است که هیچکس نمی تواند آنرا انکار یارد کند.

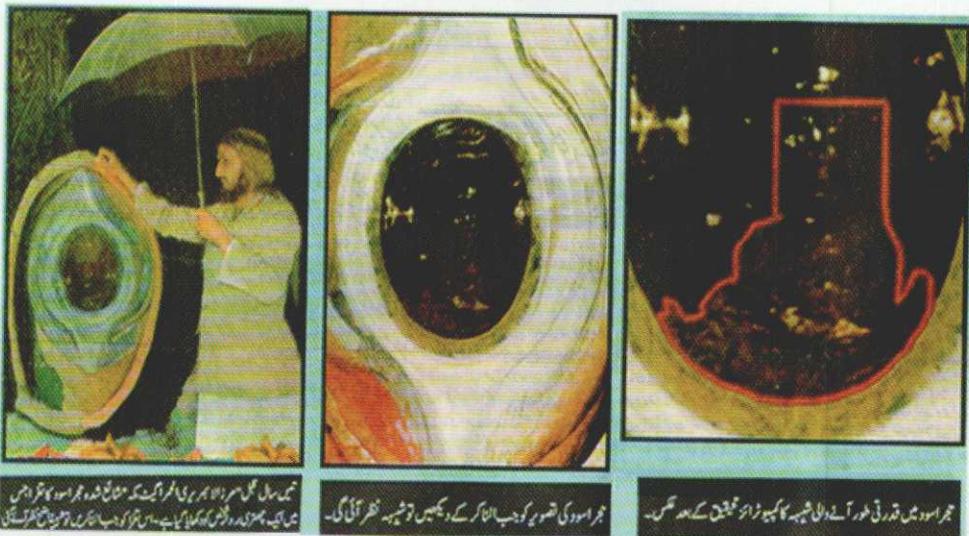
مخزن کتابهای پاکستان درسی (lahor)



این کتاب ، عنوان دینی توسط اداره آموزش و پرورش دولت محلی پنجاب پاکستان رسیده
آن حاوی تصویری از حجر الاسود است که روی آن چهره مبارک حضرت گوهر شاهی
دیده میشود

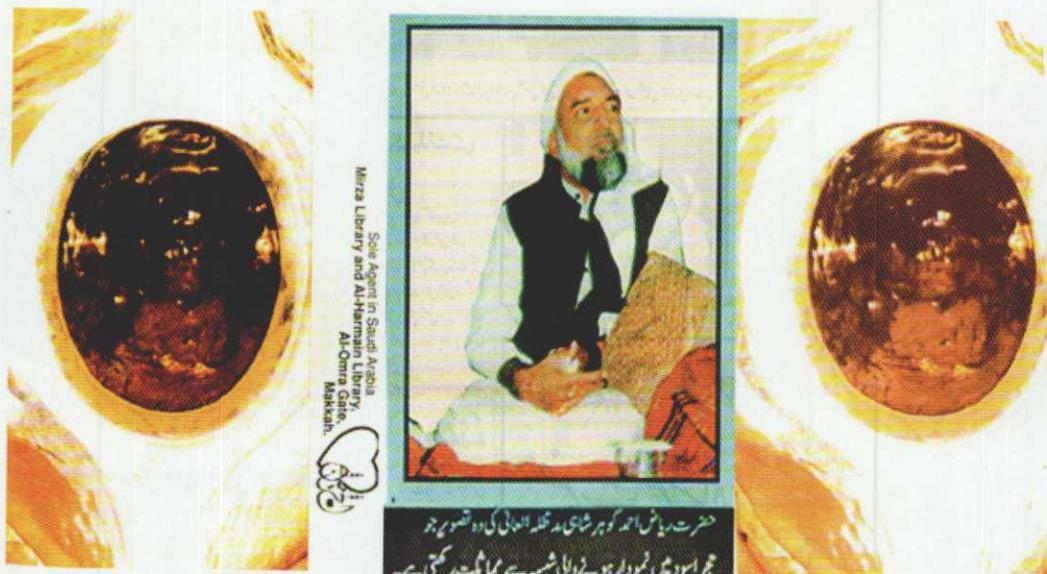
صورت حضرت گوهر شاهی روی حجر الاسود و قصی

سر پائین گرفته شده دیده میشود



در بالا یک طرح بطور طبیعی ظاهر شده است روی حجر الاسود وجود دارد. آن

منبعی شده برای تحقیقات کامپیوتری و در اینجا روشان تر نشان داده شده

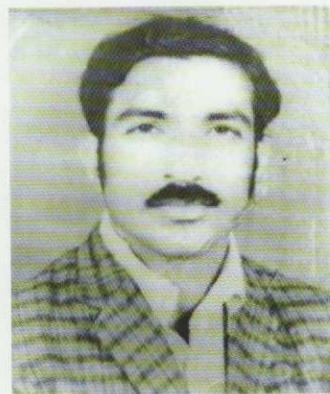
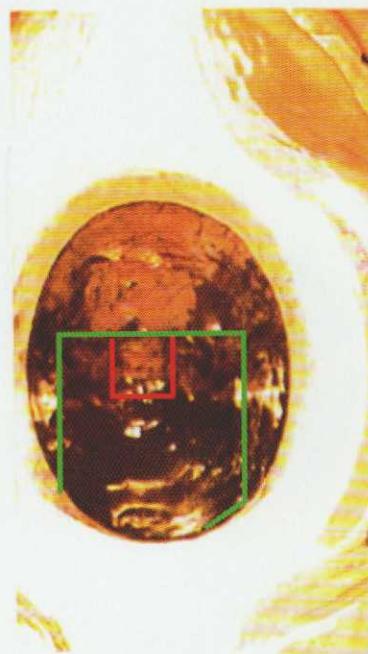
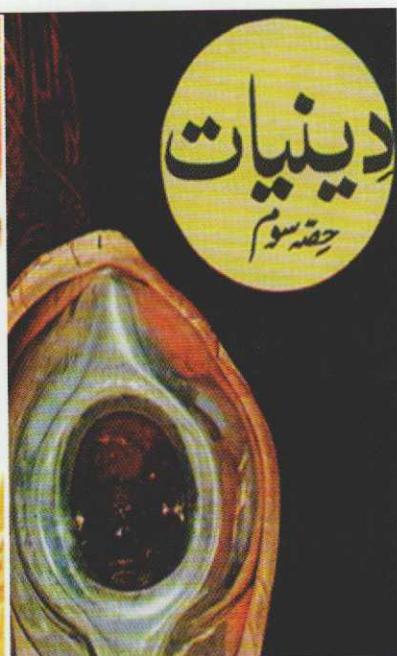


تصویر حضرت گوهر شاهی که شباهت زیادی با طرح ظاهر شده روی حجر الاسود دارد

تصویر حجر الاسود که بوسیله کتابخانه میرزا بجاحب رسیده (مکہ، سعودی)



Sole Agent in Saudi Arabia
Al-Haramain Library,
Al-Omra Gate,
Makkah.



طرح علامت گذاری و بوضوح شخص شده برای تشخیص آسانتر

یاسای حضرت گوهر شاهی (موجود روحانی) در سن ۲۵ سالگی هدیه شده با درجه
سرکردگی سپاه روحانی

این تصویر جدیداً روی یک غبار یا هاله سیاره ای (یک ستاره خورشید مانند) آن توسط NASA منتشر شد. برای اطلاعات بیشتر به آدرس زیر مراجعه بفرمایید

<http://www.spacedaily.com/spacecast/news/hubble-00b1.html>

SPACE SCOPES

Hubble Brings "Eskimo" Nebula Alive
[<.../news/hubble-00b2.html>](http://news.hubble-00b2.html)

Greenbelt - January 11, 2000 -

The Hubble Space Telescope has captured a majestic view of a planetary nebula, the glowing remains of a dying, Sun-like star. This stellar relic, first spied by William Herschel in 1787, is nicknamed the "Eskimo" Nebula (NGC 2392) because, when viewed through ground-based telescopes, it resembles a face surrounded by a fur parka.

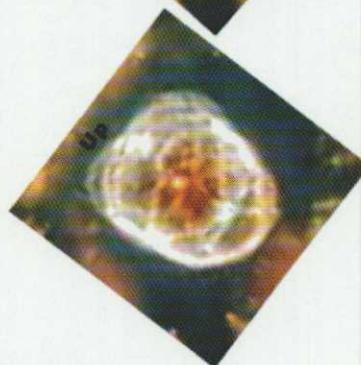


حضرت گوهر شاهی



حضرت گوهر شاهی

این تصویر را برخلاف حرکت ساعت بچرخانید
 تا چیزهای نوشته شده روی آنرا ببینید



Gohar Shahi

بسیاری می‌گویند که این خیال است. تصویر به نظر کسی می‌رسد که تصویر می‌گند. تصویر در ذورین عکاسی تصویر نمی‌شود. بعضی آنرا به تله پاتی یا مسمریزم تعبیر می‌کنند. جاهای عبادت زمین و آسمان نمی‌تواند تحت تأثیر تله پاتی یا سحر قرار گیرد. اگر اینطور است بس حقیقت کجاست؟ بعضی می‌گویند که ایالات متحده بول گرفته و این عکسها را در آنجا بکمک کامپیوتر فرار داده.

آیا حضرت گوهر شاهی از ایالات متحده ترسته است؟

اگر این موضوع صحت داشت ایالات متحده چهاره یکی از پاپ هارابکار می‌بود، تا بدینوسیله کشورش و دیش از آن سود جسته و مشهور شوند

The Martian Enigmas

Mars has stirred our imagination since ancient times; until the second half of this century Mars was thought to be a world much like earth. But in the late 1960s NASA's Mariner probes shattered the illusion, revealing the Red Planet to be more like our Moon. Evidence of water erosion and other discoveries, however, fueled the hope that vestiges of life might yet be found on Mars.

In 1975 two Viking spacecraft, each consisting of an orbiter and a lander, were sent to Mars. Their primary mission was to soft-land two robotic probes on the surface to search for signs of microbial life in the red Martian soil. Late in July 1976 one of the orbiters sent back a curious photograph of what appeared to be a mile-long humanoid face staring straight out into space from a northern region known as Cydonia. The "Face on Mars" was promptly dismissed by NASA as a "trick of light and shadow" and the photograph filed away.

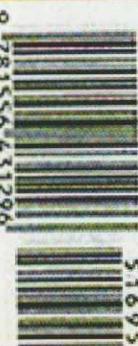
Several years later the Face was rediscovered by two engineers, Vincent DiPietro and Gregory Molenar, and became the focus of a decade-long series of independent multi-disciplinary investigations. Professionals in physics, engineering, cartography, mathematics and systems science, as well as anthropology, architecture, art history, theology, and other fields, have now discovered and studied nearly a dozen features on the Martian surface that may pose a serious challenge to conventional beliefs about the improbability of extraterrestrial life.

The Martian Enigmas is a report by Mark J. Carlotto on his state-of-the-art digital image processing of the controversial Viking photos. Dr. Carlotto illustrates the processes used to digitally restore and clarify the Viking photographs, and presents striking three-dimensional renditions of the Face and other intriguing objects on Mars. He argues that these objects may be precisely what many scientists have sought for decades: the first hard evidence that we are not alone.

Mark J. Carlotto is a Division Staff Analyst at The Analytic Sciences Corporation (TASC), a high-tech firm in the Boston Area. He earned a Ph.D. in Electrical Engineering from Carnegie-Mellon University in 1981. From 1981 through 1983 he was an Assistant Adjunct Professor at Boston University. Dr. Carlotto has over ten years of experience in image processing and related fields, and has published over forty papers in computer vision, digital image processing, pattern recognition and other areas. He is a senior member of the Institute of Electrical and Electronic Engineers.

A Closer Look MARK J. CARLOTTO

North Atlantic Books, Berkeley, California
Cover and Book Design by Daniel Drasin

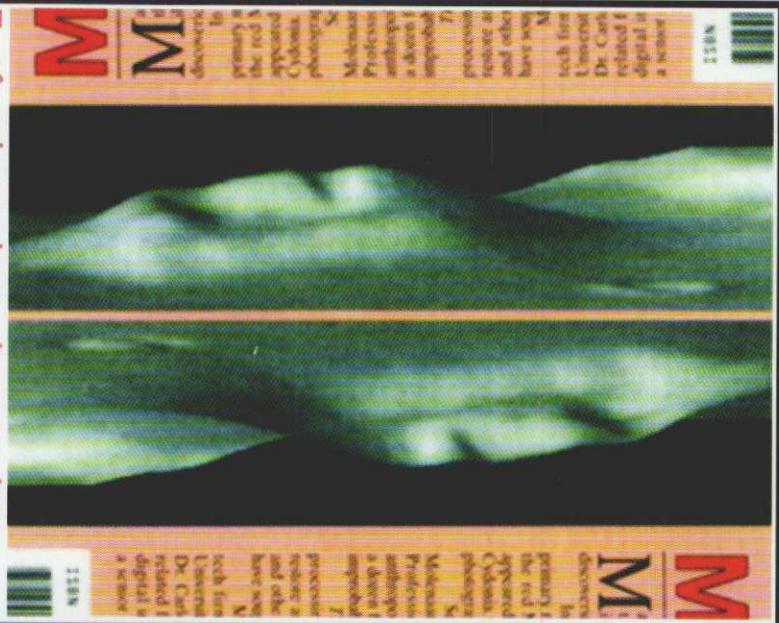


ISBN 1-55643-129-5

\$16.95



Photo Credit: Mary Kay Brennen (Cartellette)



این تصاویر را از زوایایی



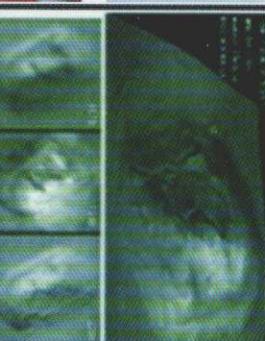
<http://www.psrw.com/~markc/marshome.html>

مشتاف و سطه های مختلف گرفته "زیر اینیند
بروگر مارک جی از دانشگاه بوسون گفته تینی
کرده را این تصاویر را مشخص کرده آنها را در این
کتاب بستر کرده است



Gohar Shahi

www.jays-homepage.co.uk/jesus.htm



روانی تصویر مستقیم است، تصویر عیسی دیده میشود و روحی

سیناین گر فد شد و تصویر حضرت والا گوهر شادی



www.jays-homepage.co.uk/jesus.htm



مردمی برسند ہمارا این تصاویر را اور صور دیده شوسم فراز می خواهد.

ماهیات پیغمبر "امن" تصویر علایقی لازم نداشت. آنها علایقی علاوه ای در ازدواج است به علیمات که شاید از طبق این مردم بخواهد رسید که
خانیه حاضر خواست. و یک که آنهم را علایقی میشود راه راهجات را از داش آسیانی بخواهی بخواهیم (عده) سوچیده ام به او. خدا داشت
خواه آتلان و ساده فراز را داده و سلیمانی با طیعت داش.

دانش و فن



Two faces in one picture when rotate it at
180 degree

- 1) This News along with the above photographs was published by weekly Payam Manchester UK. Dated: August 15 1997
- 2) Sad-e-E-Serfrosh (Pakistan), a fortnightly newspaper published the same news in September 1997

- 3) BBC broadcasted this news on GM Radio (UK) in October 1997

Jesus and Gohar Shahi meeting took place at New Mexico in 1997

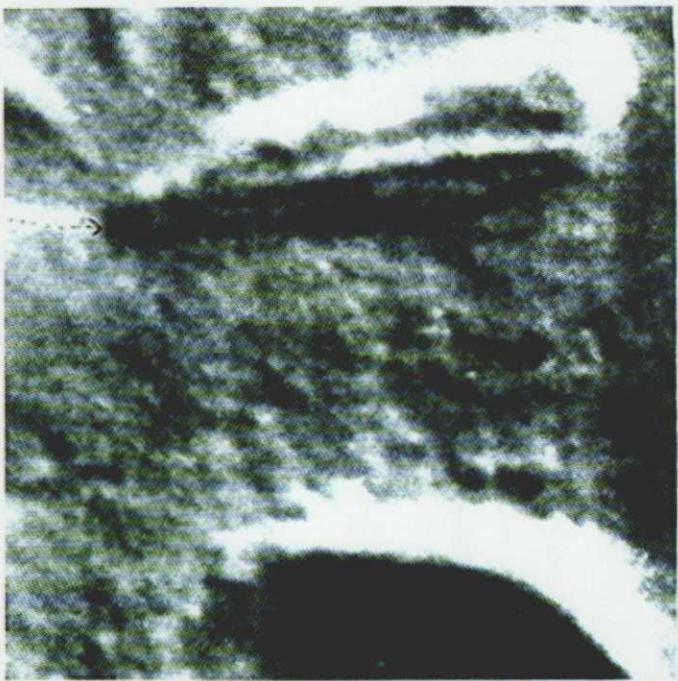
Jesus and Gohar Shahi meeting took place at New Mexico in 1997

Published in the Sunday Magazine,
The Jang, Pakistan on 18-03-01

مردم باید در اینجا تعقیب کنند

در سال ۱۹۹۶ میلادی که مارس (ماهیت) تصور بریان از آن گردید در سطح مریخ یک صخره بود که مدلبه صورت یک انسان بود. طول آن کمتر از ۲۰۰۰ میلی و ارتفاع آن برابر باشد. این صخره بود که در گذشت زندگی کرده بود تاکنون میتواند در کمتر از ۱۰۰۰ میلیون ساله ای زیست داشته باشد.

The "Cliff" from 35A73. A peculiar, cliff-like mesa that rises 25-30 meters above a pancake-like "crater pedestal" (the surrounding ejecta blanket formed when the Martian permafrost was melted and ejected by the original cratering impact). Hoagland has demonstrated that the Cliff participates with the Face in solstice alignments and in several other angular and positional relationships. The Cliff's overall shape, surface texture and internal appears to differ markedly from that of the surrounding crater ejecta, which suggest that its formation post-dates the intense cratering impact. Supporters of the intelligence hypothesis theorize that if the object had pre-dated the impact ejecta material would have piled up on the east side of the Cliff, displaying peripheral splash patterns and formed a "blast shadow" on the opposite side. However, the adjacent terrain on the crater side, rather than being piled-up appears instead to have been hollowed-out—the opposite result to the expected from natural forces. This and the striated or "plowed-field" effect between the Cliff and the crater, have fueled speculation about the quarrying of material for the Cliff's construction.



There appears to be a continuous groove or path originating in the hollowed-out area that rises ramp-like to the northeast end of the Cliff, turns and proceeds southward, then makes a final hairpin turn and terminates at the northwest end. This groove defines the elongated "nose" of what appears to be another set of facial characteristics. These are made more obvious here by artificial foreshortening that stimulates a view from the south at angle of about 70° from nadir.

27



Jesus and Gohar Shahi facing each other in the picture

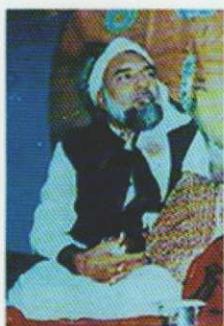
This matter given is a clipping from Pakistan Post New York dated 14-06-01.
It also published in Nawa-e-Waqt UK on 29-06-01.

تمبر حضرت والا گور شادی
در جهادی دیگر غیر از مربی
ستاره ناپل، ماه این سبیت را رسید
www.goharshahi.com

نحوه اغلب میر سد آپاں جنپت دارو
اگر جنپت ندارے بس بازگریوں دریکاراہ
امت بردار غمگیان



سر مقاله‌ای از یک روز نامه پاکستانی



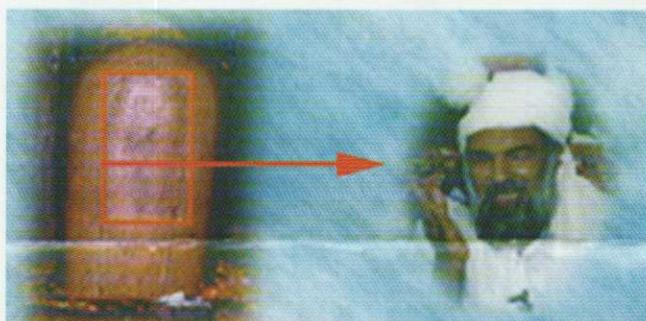
حضرت والا ریاض احمد گوهر شاہی

من تقاضا می کم از دولت پاکستان و دولتمردانش تا تحقیق کاملی از تصاویر این جانب در ماه و حجر الاسود بنمایند. اگر این ادعا صحت داشت دولت باید از من حمایت تا اینکه بتوانم عشق آسمانی را در سر اسر جهان تبلیغ نمایم و در نتیجه مردم همه ادیان توسط آن متحد شوند. آن همچین به مردم عادی کمک خواهد کرد تا یک رهبری صحیح به آنها ارائه شود.

اگر که این توضیحات بالا باثبات نرسد، دولت حق تبیه و تحت تعقیب قرار دادن را دارد

عمر گرہ کے شہر میر کے ہتھیار سپر گوہر شاہی کی تصویر

الاعداد لوگ عقیدت سے اس تصویر کو دیکھنے آ رہے ہیں روزنامہ مهران حیدر آباد



مہر نگار (اسکیڈ، اسلامی) حیدر آباد کے
میونک حضوس ایجاد بولڈنگ میونک سے اپنے ۹ بھوی
معبدی بنا کیا ہے ایک بڑی قلچی کی طرح ۲۔۵ کروڑ
لکھ روپیت سے اسی بڑی بھروسے پرستی کی طرح
کی تصور فخر کر رہی ہے تصوری بیک کے لئے ایک اعلیٰ ادا
کام فخر کر رہا ہے اسے دیوبندی مسجد کے مقابلے
دریں بھی کے ساتھ اسی میانی تصویر نہیں دیکھی گئی
جیسا کہ عالمہ سید جوینی ایک بیانات میں سمجھ رہا
ہے۔ اسی سے بھروسہ ایجاد کی طبقہ میں وہ میں کی طبقہ میں
گھوٹے حصہ بھروسہ ایجاد کی طبقہ میں ملائیں اور کوہلہ
کی تصور فخر کر سکتے ہیں اسی طبقہ میں وہ میں کی طبقہ میں

تصویر حضرت والا گوہر شاہی روی سنک مقدس در معبد

شیو در عمر کوت (سنڈ.. پاکستان)

مردم بسیاری با علاقہ فراوان میايند برای دیدن تصویر

دیلی مهران، حیدر آباد ... پاکستان

حیدر آباد (خبر نگار مخصوص) روزنامہ محبوب دیلی مهران در نسخہ ششم جون ۱۹۹۸ منتشر کرد اخبار
کشف یک تصویر از حضرت والا گوہر شاہی را روی سنک مقدس موجود در معبد شیو نزدیک عمر
کوت. مردم بیشماری برای دیدن تصویر میايند. هندو ہابا علاقہ وافر و توجہ خاص بآنجا می آيند. یک
کتابچہ توزیع شد بخاطر اين موضوع و باين دلیل آن سنک مرکز توجہ عموم شده است. امت هندو
خوشحالند و پیداشدن تصویر حضرت والا گوہر شاہی را بروی سنگ جشن می گيرند.



یک پدیده آسمانی

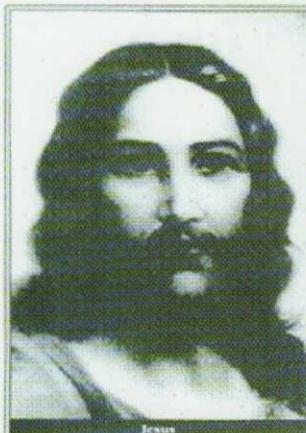
در دست راست حضرت والا گوهر شاهی نام حضرت محمد حک شده است . و در روی انگشت دست
 چپ نام خدا (الله) بخوبی دیده میشود

باد داشت

بعضی گله کرده اند که چرا نام خدا روی انگشت سمت چپ حک شده؟ اگر من انگشتان ایشان را آفریده
 بودم و اگر من حک کرده بودم این اتهام و گله گزاری بمن میخورد . خدا میداند شاید این حادثه است یک
 (پدیده آسمانی) باشد

برگشت عیسی

عیسی در آمریکا با حضرت والا گوهر شاهی ملاقات می کند
دریک مصاحبه در لندن ۲۸ جولای ۱۹۹۷ حضرت والا گوهر شاهی
سخنان زیر را اظهار فرمودند



در روز ۲۹ مه ۱۹۹۷ من در مهمانسرای آل مونت در تالوس بودم (در نیمه دوم شب، احساس کردم مردی در اطاق من است. نور کافی نبود، بنا بر این من اول خیال کردم یکی از پیروانم است. از او پرسیدم، چرا به اینجا آمده‌ای؟ آن مرد جواب داد (آمده با تو ملاقات کنم) چراغ روشن کرد، مرد خوش قیافه‌ای را روبروی خود دیدم که او رانمی شناختم. بادیدن او احساس انرژی بسیار و قدرت روحانی کردم و موجودات روحانی و یک جذبه روحانی شیوه به موقعي که در مجتمع پیغمبران می‌کردم. (در عالم قدسی) احساس کردم بسیاری از زبانها رامی داند. مرد جوان به من گفت: «من عیسی بن مریم، هستم اکنون در آمریکا هستم. من از او پرسیدم 'کجا زندگی می‌کنی' جواب داد، 'من نه در گذشته و نه در حال خانه‌ای نداشته‌ام.'.

وقتی از حضرت والا گوهر شاهی درباره توضیحات بیشتر از این دیدار خواسته شد. حضرت والا گوهر شاهی جواب دادند. آنچه عیسی و من در باره آن صبحت کردیم یک راز است. ولی آنرا در زمان خاصی در آینده باز گو خواهم کرد. حضرت والا گوهر شاهی میفر مایند چند روز بعد من به توسان (آریزونا) رفتم. در آنجا کسی عکسی را به من نشان داد و گفت. «آن عیسی است» من فوراً شخص داخل عکس را شناختم چون همان شخص بود که در اطاقم در آل مونت دیده بودم. من از شخص صاحب عکس پرسیدم درباره اصل آن عکس. او گفت بعضی اشخاص از بعضی از جاهای مقدس عکس میگرفتند. با کمال تعجب این عکس از (مسیح) میان عکسهای چاپ شده بیرون آمد. وقتی که عکسها به چاپ رسیدند. این مردنه دیده شدونه عکسی از او برداشته شد. من عکس آن مرد جوان را گرفتم (عیسی) و سعی کردم با عکسی که از ماه برداشته شده بود مقایسه کنم. متوجه شدم که آن عکس مطابقت می‌کند با یکی از عیسی است. یک مجله به تازگی مقاله‌ای چاپ کرده که از کنم و تشخیص میدهم که این عکس واقعی از عیسی است. یک مقاله به تازگی مقاله‌ای چاپ کرده که از قول منابع رسمی کلیسا درباره برگشت عیسی نقل قول کرده و خواستی که مربوط به آخر الزمان میباشد. بسیاری از اطلاعات منتشر شده خصوصاً پیشگوئی‌های سری انجیل که از طرف و ایکان رم اشاعه یافته، و عقیده دانایان هم آنکه است با مطالب حضرت والا گوهر شاهی.

دوستان!

برای این لحظه بوده که خدا فرمود:

”ما بزودی نشانه‌های خود را روی زمین به شناسان خواهیم داد و در فضای خارج حتی در میان خودشما“

گفته‌های حضرت گوهر شاهی

ارواح زمینی به کرات در بدنهای اشخاص دیگر وارد شده‌اند. روح اشخاص مخلص (نورانی) میروند به بدنهای پاک. روح زمینی حضرت محمد باقی ماند برای امام مهدی همانطور که قسمت‌های بدن حضرت (پادست) میتوان گفت که جواهر چشمان آمنه (مادر حضرت محمد). همانطوری شود گفت درباره هر قسمت از روح آسمانی حضرت محمد که پسر عبد الله بود و جواهر آمنه. ارواح اهل بیت (خانواده پیغمبر) شامل شدند در خانواده پیغمبر،

یک نکته مهم

مهدی به معنی کسی است که رهبری خواهد کرد.

مهدی به معنی کسی است از ما (که چهراش در ماه ظاهر میشود) مثل نامهای مهناز (زیبایی) و مهتاب (زیبا مثل ما).

محمد یونس الگوهر

younus38@hotmail.com

حضرت والا ریاض احمد گوهر شاهی

حضرت گوهرشاہی شروع کرد به تبلیغات این مأموریت آسمانی در سال ۱۹۸۰- تعلیمات او درباره عشق آسمانی بسیار مورد ستایش قرار گرفت- مردم (همه دین‌ها) شروع به احترام به عشق نسبت به حضرت گوهر شاہی کردند- به منظور یادگیری روحانیت و رسیدن به تکررات قلبی (ذکر قلب) آنها از حضرت گوهرشاہی دعوت کردند به مکانهای عبادت قابل احترام-.

حضرت والا گوهرشاہی به هر معبد از هر دین حضور یافت، این بی سابقه است و یک مججزه بزرگ- چند دین مججزه و برنامه وجود دارد که در ارتباط با حضرت گوهرشاہی میباشد- مادر اینجا چند مورد انتخاب شده را برای رضایت خاطرش باز گوییم-



Gohar Shahi

"MESSENGER OF LOVE"

WORLD'S PROMINENT SPIRITUAL (SUFI) GUIDE

"In order to recognize the God and to be able to approach the essence of God learn spiritualism, no matter what religion or sect you belong to"

(GOHAR SHAHI)

How to change your physical heartbeats
to the ethereal chanting of the name of God.

In order to achieve the Love of God, remember the God through your heartbeats without leaving your lifestyle. The special meditation (Zikr) is the practice for well being and preventive medicine for cardiovascular disease.

"Healing through the light of God"

Lecture and Q&A:

Saturday at 8:00 to 9:00 PM Chelsea Rm.

Meditation: at 9:10 to 9:45 PM

Healing Session are free by Appointment

For more information:

Ashburn Virginia (703) 729-6292

Email: goherasi@email.msn.com

NEWLIFE EXPO '99
New York City '99

THE SYMPOSIUM FOR NATURAL HEALTH

October 1, 2, 3

at the Hotel New Yorker
(34th Street & 8th Ave.)

جامعه عیسیویان نیویورک از حضرت والا گوهر شاهی دعوت کردهند برای سخنرانی روحانی

در هتل نیویورک دوم اکتوبر ۱۹۹۹



حضرت والا گوهر شاهی در حال خطاب کردن در کلیسای مرکزی توسان
در ایالت آریزونای آمریکا میباشد

تصویری از مجمع روحانی لاهور در یازدهم آوریل ۱۹۹۶

بیشتر مستمعین شافعی و حنفی مذهب میباشند



جولائی ۱۹۹۷ (پیروی جهانی اتحاد) در برسکوت، آریزونای آمریکا

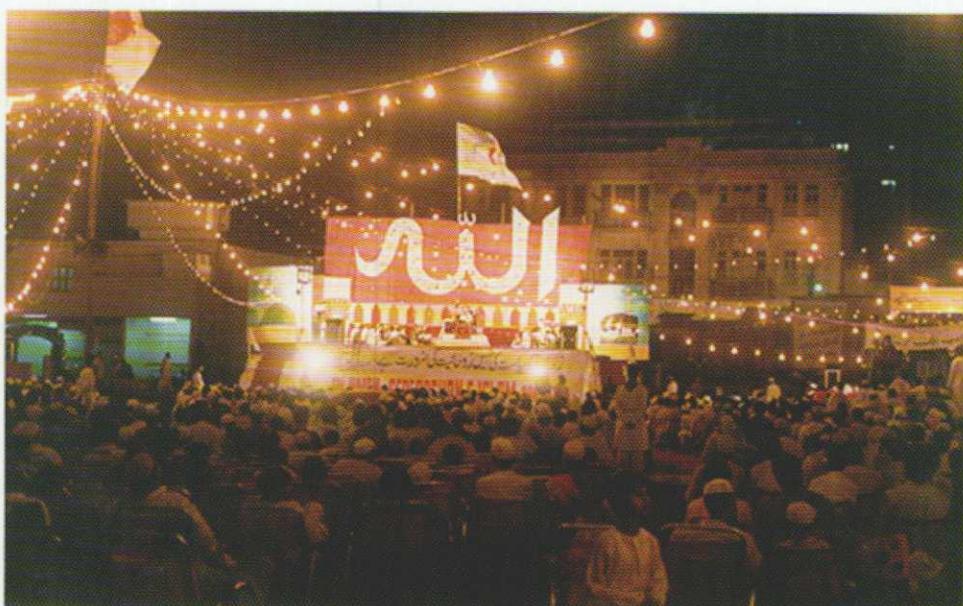
حضرت والا گوهر شاهی در حال خطاب کردن در معبد سای بابا در دور بان ، افریقای جنوبی
در این مجمع پیروان سای بابا و ایکنو کولیت ها حضور دارند



حضرت والا گوهر شاهی در حال صحبت با گروه مسلمانان شیا در مسجد نور امام
در ناظم آباد کراچی، پاکستان میباشد

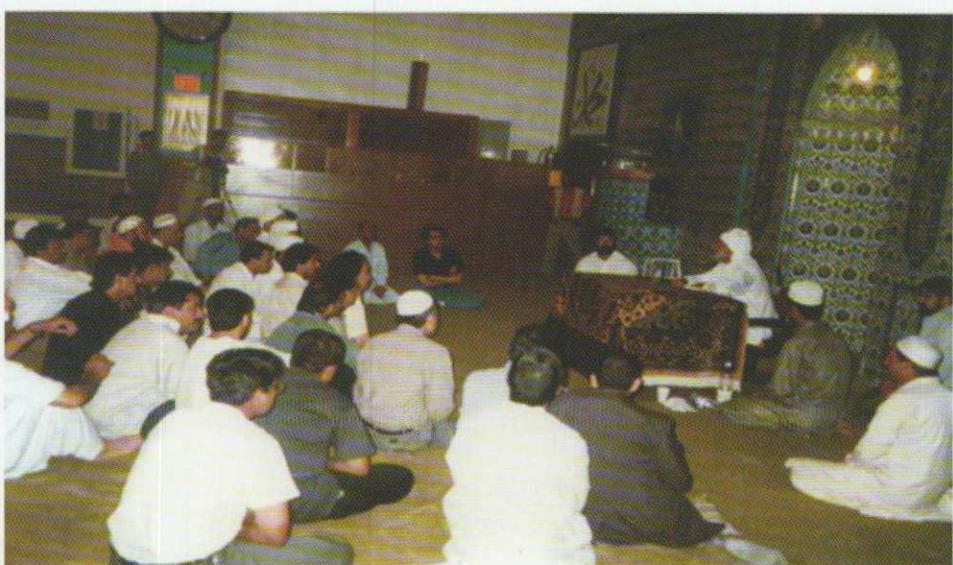
منظره ای از حضرت والا ریاض احمد گوهر شاهی که صحبت میکنند

در کنفرانس (اسم ذات)



تصویری از کنفرانس (اسم ذات) که در هفتم اکتبر ۱۹۹۶ در کراچی

برگزار گردید و در آن از همه نوع و دین شرکت کردند



حضرت والا گوهر شاهی در حال خطاب کردن در میان مسلمانان مالکی و حنبلی

مذهب در مسجد ترکی بنام بروکلین آمریکا

معرفی کوتاهی از کتاب

- ۱- اگر شما دینی را پروردید اما از عشق بخدا محرومید، پس آنها از شما بهتر ند. آنها بی که از دینی نسی پیروی نمی کنند، اما عشق آسمانی دارند.
- ۲- عشق مربوط به قلب است. وقتی کلمه (الله) هماهنگ شد با ضربان قلب شما، به شریانهای اصلی خون شما میرسد از راه جریان خون و در نتیجه روح را بیدار می کند. روح وقتی تحت تاثیر قرار گرفت همراه با نام خدای تعالیٰ به عشق آسمانی میرسد.
- ۳- هر نامی در هر زبانی که خدارا نشان دهد قابل احترام می باشد. نام اصلی خدا در زبان سریانی الله می باشد. (زبانی که در آسمان ها و توسط خدا با ملائکه ها صحبت می شود). فرشته خدارا الله می نامند. نام الله همچنین متصل به (کلمه) هر پیغمبری میباشد.
- ۴- انسانی شایسته افتخار است که، با قلب پاک در جستجوی خدا در زیر دریا و روی زمین باشد.
- ۵- (آدم) های بسیاری همزمان در جا های مختلف جهان فرستاده شدند. همه آدم ها در این جهان خلق شدند از خاک همین زمین. در حالیکه آخرین آدم (صفی الله که در عربستان بخاک سپرده شده) تنها او در آسمان (بهشت) خلق شد از خاک بهشت. ملائک به هیچ آدم سجد نکردند جز آدم (صفی الله) فقط به او.
- ۶- هفت نوع موجود روحانی وجود دارد در بدن انسان. آنها متعلق به هر طبقه از آسمان میباشند و هفت نوع وظیفه در بدن انسان دارند. وقتی به نور می رسد. آنها شکل انسان را تشکیل میدهند. آنها همزمان میتوانند به جاهای زیادی بر سند. حتی به مجمع زهاد و پیغمران و در عین حال میتوانند با خدا مشغول صحبت رو برو شده و اور ادریابند.
- ۷- برای هر فرد بشری دو دین وجود دارد. یکی برای بدن خاکی. وقتی بدن پیغمرد آنهم میبرد. یکی هم برای روح انسان (آن از زمان قبل او خلقت وجود داشته) آن عشق آسمانی است. از میان آن فقط، انسان به تعالیٰ میرسد.
- ۸- عشق آسمانی از هر دین بالاتر است. در نظر داشتن خدا، از هر عبادتی مهم تر است.
- ۹- دانش در ارتباط با خلقت انسانها، حیوانات، صخره ها و درختان، دلایل اینکه چگونه و از چه چیز (حرام) دوری کیم، چه چیز مجاز است (حلال) برای استفاده و چرا بی آنها.
- ۱۰- چه کسی (موجود) حتی قبل از فرمان باش (کن) وجود داشت (ارواح و ملائک) کدام سگها وارد بهشت میشوند بعنوان قطعی؟ مردم، آنها بی که روحشان (کلمه) را خوانده بود در زمان قبل از خلقت؟

آن مرد کیست. راز که باز گونشده در این کتاب

یک ضرورت است خواندن این کتاب برای دانش و تحقیق

این کتاب سایت زیر در دسترس است